

میرزا عباس خان قوام الدوله وزیر امور خارجه وقت در نامه ای که برای میرزا ملکم خان ناظم الدوله وزیر مختار ایران در لندن نوشته جریان ملاقات و اعتراض شارژدافر سفارت روس بامین السلطان راجع بنظریات دولت روسیه در باب اجازه کشتی رانی در رود کارون و جواب ناصرالدین شاه را چنین شرح میدهد

«جناب ناظم الدوله فدایت شوم از سابقه این مطلب استحضار دارید که سالهاست اراده مقدسه همایونی روحنا فداه متوجه آبادی اهواز و تجدید ثروت و تمول مملکت خوزستان و ازدیاد مراد و معموریت آن سامان میباشد چون این مسئله مشروحا در روزنامه ایران نوشته شده است و یک نسخه آن را حالا برای شما فرستاده لازم ندیدم شرح و بسط بدهم از خواندن روزنامه مطلب بشما معلوم خواهد شد»  
 «بعلاوه اعلان عمومی هم بهمه سفرای دول خارجه مقیمین دارالخلافه طهران شد که سواد آن راهم برای آن جناب سامی فرستادم قبل از آنکه این سرکلر برای سفرا فرستاده شود شارژدافر دولت روس که از این اقدامات دولت اطلاع حاصل کرده بود»  
 «دو مجلس باجناب اجل اکرم امین السلطان دام اقباله ملاقات کرده مذاکراتی نموده که برای اطلاع آن جناب عالی حاصل مذاکرات هر دو مجلس را قلمی میدارد»

«در مجلس اول اظهار کرده بود شنیده ام سرکار اقدس همایون با انگلیسها قرار و مدار کتبی داده اند و عنقریب بامضای همایونی خواهد رسید و قرار داده اند که کشتی های انگلیس داخل رود کارون بشوند و عبور و مرور کنند و این کار موافق صلاح دولت ایران نیست در مجلس دوم که برای تحصیل جواب آمده بود جواب باو داده اند که سرکار اقدس همایونی خیلی تعجب از این اظهار شما فرموده و میفرمایند ابتدا قرار و مدار کتبی در هیچ باب با دولت انگلیس داده نشده است و ابدا هیچ اختصاصی بدولت انگلیس داده نشده که کشتی های آنها مخصوصا و بالانفراده از رود کارون عبور و مرور نمایند دولت ایران قرار داده است پائین رود کارون از سد اهوازالی محصره که قریب پانزده فرسخ است کشتی های عموم ملل علاوه بر کشتی های بادبانی که سابقا عبور و مرور میکردند بکنند آنها مشروط بشروطی است که در سرکلر عموی خواهید دید و کارهایی که در عربستان میشود از قبیل ساختن سد اهواز و همین کشتیرانی در رود کارون و امثال آن تمام از امور داخله و برای آبادی عربستان است و چون بنظام السلطنه حاکم عربستان که تازه رفته است بعضی دستور العملها برای آبادی عربستان داده شده که این قسمت بزرگ حاصلخیز که بهترین قسمت های خاک ایران است لم یزرع و بایر نماند حاکم عربستان هم بعد از ورود آنجا ملاحظات لازم نموده و بعضی راپورتها فرستاده که اینها هم از جمله همانهاست و دولت ایران هر کاری را بخواد در خاک خود بکند نباید شما حمل بخواهش و قرار و مدار با دولت انگلیس بکنید ابتدا بخواهش دولت انگلیس این کار نشده است پس از این اظهارات، شارژدافر میگوید راست است که باظهار دولت انگلیس نشده است ولی باظهار حاکم عربستان هم که شده باشد بالاخره نفع آن عاید دولت

«انگلیس خواهد شد و آرزوی دولت انگلیس بعمل آمده است و دولت روس نمی تواند این را ببیند و بهتر این است اینکار را ترك کنید»

«جواب داده اند که اگر باین تصور باید اقدام بکاری نکرد پس چون هر کاری بشود تصور میشود که خیال یکی بعمل آمده است باید تمام کارها را بهین خیال ترك کرد و اقدام بهیچ نوع اسباب آبادی و ترقی نکرد و این هم غیر ممکن است»  
 «بر ماهیتقدر است که بشما بگوئیم و اطمینان بدهیم که این کار ابتدا باظهار دولت انگلیس نشده است و اطلاع هم نداشته است و قرار و مدار هم با او در این مسئله داده نشده است اینکار محض ترقی فلاح و زراعت و خرما فروشی و منافع خارج کردن و بفروش رسانیدن از عربستان و اهواز است و اگر از آمد و شد کشتیها فایده ملحوظ است آن فایده را دولت ایران بعموم ملل داده است و یکی هم دولت انگلیس و یکی هم دولت روس است بقاصله چند روز که آن اعلان عمومی را بسفر افرستادیم از من وقت ملاقات خواست و آمد اظهار حیرت و تعجب از این ققره نمود که دو مجلس باجناب امین السلطان در این باب حرف زدیم قرار بود اظهارات ما را بخاکهای همایونی عرض کرده جواب بدهد منتظر آن جواب بودیم که کاغذ رسمی وزارت امور خارجه رسید من گفتم اینکار اهمیتی ندارد و هیچ خیال و تصور نبرفت که محل حرف و گفتگو بشود و کار معتنا به نبوده و نیست»

«آنچه لازم بود از بابت عدم سنگینی این کار باو بیان کردم خواهش کرد که بمرض خاکهای مبارک برسانم که کشتیرانی در مردابها و رودخانهائی که از خاک دولتها میگذرد باختیار آن دولت و منافع آن عاید رعایای آن دولت میشود»  
 «مثل مرداب انزلی و سایر و علاوه همینکه انگلیسها حق عبور و مرور کشتی در رود کارون بهم رسانیدند طولی نمی کشد که اراضی دوطرف نهر را بهر وسیله و بهانه باشد تصرف خواهند کرد و چون دولت روس در حفظ منافع ایران نهایت اهتمام را دارد این است که لابد این بیانات را مینمائیم و نیز اظهار کرد که چون باولیای دولت خودم هنوز نرساندم و ماموریت و دستور العملی ندارم شرفیابی خاکهای مبارک را استدعا نکرده ام دور نیست مرا مامور نمایند شرفیاب شده بعضی عرایض لازمه را در این باب بکنم»

«این اظهارات شارژدافر روس را من بمرض خاکهای همایون روحنا فداه رسانیدم فرمایشات ملوکانه باینطور صادر شد که صورت آن در ذیل نوشته میشود»  
 «ولی برای شارژدافر قرائت کردم و صورتی از آن خواست و نوشته برای او فرستادم و بجهت استحضار جناب شاهم عینا قلمی می شود اظهارات شما را»  
 «بتفصیل بمرض خاکهای مبارک همایون شاهنشاهی رسانیدم فرمودند اول ققره رود کارون بخواهش و میل انگلیس نشده است در این مسئله تفصیلی در روزنامه رسمی ایران که در طهران باسما میشود نوشته شده است که البته ملاحظه کرده یا خواهند کرد و بعلاوه اعلان رسمی تمام سفارتخانه های دول متحابه که سفرای

« آنها دریای تخت ایران توقف دارند نوشته ایم هیچ اسم اختصاصی دولت انگلیس »  
 « در آنها ذکر نشده است محض رواج تجارت و حمل و نقل متاع و غلات ایران »  
 « بخارج و آبادی ولایت چنین اعلامی و چنین اذنی بدخول و خروج کشتی های تجارتنی »  
 « بخاری و غیر بخاری جمیع ملل روی زمین داده ایم و همه کشتی تجارتنی دارند »  
 « چرا پای انگلیس را بمیان می آورید شاید انگلیس هم از این اعلام خوشحال بشود »  
 « خوشحالی او باید حالی اودلیل نمیشود که ما از صرفه و صلاح و نفع و ضرر »  
 « خودمان و آبادی ولایت ایران صرف نظر نمایم و دست بروی دست گذارده »  
 « حالت وحشی های ینگی دنیا را بهم برسانیم .  
 « روز بروز جمیع ممالک روی زمین در ترقی است ما چرا اسباب ترقی و آبادی »  
 « مملکت خودمان را فراهم نیاوریم چرا باید راه نسا زیم و کارخانه جات احداث »  
 « نمائیم که از هر چیز محتاج بمالک خارجه باشیم اگر تا حالا اقدام بساختن »  
 « بعضی راهها کرده بودیم دو سال یکمرتبه سه سال یکمرتبه غلا و قحطی بعضی شهر »  
 « های ایران خاصه طهران را مستاصل و مردم آنرا پریشان نیکرد جمیع دول روی »  
 « زمین یا سلطنت مستقله هستند یا سلطنت مشروطه یا جمهوری در میان دول روی زمین »  
 « پاره دولت ها بهم میرسد که خیلی کوچک میباشند همه در مملکت ولایت و خاک »  
 « و زمین و امور داخله خودشان مستقل و مختارند که هرقراری در داخله خودشان »  
 « میل دارند و صرفه و صلاح خود را در آن می بینند میدهند دولت ایران که از همه »  
 « قدیمتر و همیشه سمت استقلال را داشته و دارد چرا باید باندازه يك دولت پست »  
 « کوچک هم استقلال در داخله خود نداشته باشد هرقراری را که مقرون بصرفه و »  
 « صلاح و آبادی مملکت خود میبیند ندهد .  
 « وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست دولت »  
 « ایران میان رقابت دولتن روس و انگلیس گیر کرده است هر کاری مینوی بصرفه و صلاح و »  
 « آبادی مملکت خودمان در جنوب ایران بخواهیم از ساختن راه و سایر بکنیم دولت روس »  
 « میگوید برای منافع انگلیس میکنند چنانکه در مسئله رود کارون همین طور میگویند راه »  
 « هم بخواهیم بسازیم همین طور میگویند در شمال و مغرب و مشرق ایران اگر بخواهیم چنین »  
 « کارها بکنیم انگلیس ها میگویند بملاحظه منافع روس اقدام باینکارها کرده و میکنند »  
 « چنانکه در ساختن راه قوچان و راه آهنی که حاجی محمد حسن در کار ساختن »  
 « در محمد آباد کنار بحر خزر است مکرر همین اظهارات را کرده اند تکلیف ما »  
 « مشکل شده است و روز بروز مشکل تر خواهد شد پس یکمرتبه روس و انگلیس »  
 « بیایند و بگویند دولت ایران دولت مستقل نیست هر چه بگوئیم باید آن طور بکنند »  
 « آبادر میان دول روی زمین از بزرگ و کوچک حتی بلغاری که تازه سری میان »  
 « سر ها بیرون آورده و صرب و یونان يك دولت هست که زیر بار ایسن »  
 « حرفها برود .  
 « دولت خودمان را میخواهیم آباد کنیم کارخانه بسازیم قرارهائی بصرفه و صلاح »

« دولت و ملت خودمان بدهیم دولتن انگلیس و روس چه حقی دارند بکارهای داخله ما که »  
 « این حرفها را بمیان بیاورند و این سئوالات را نمایند کشتیهای جنگی و تجارتنی »  
 « انگلیس سالیان دراز است که از بندر عباس و سواحل بلوچستان که بسته بسند است که »  
 « آن سواحل کلا تعلق بایران دارد الی محمره همیشه در گشت و گذار است تا امروز »  
 « چه خلافی از آنها ظهور کرده است که بعد از این در دخول و خروج یکی دو تا »  
 « کشتی تجارتنی در رود کارون ظهور نماید کشتی های تجارتنی جمیع ملل روی »  
 « زمین و کشتیهای روس هم گشت و گذار خواهد کرد اگر خلافی از کشتیهای انگلیس »  
 « و سایر ظهور نماید چطور ممکن است مامورین و حکام ایران با ولیای دولت ما »  
 « اطلاع ندهند و چطور ممکن است در مقام ممانعت بر نیایم و ساکت بنایم هر »  
 « پادشاهی مسئول است که بی منافع و ترقی دولت و تربیت ملت و آبادی ولایت خود »  
 « برود اگر نکنند خلاف مسئولیت کرده و بشکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده است »  
 « بنابراین مسئله را مکرر میکنیم رقابت روس و انگلیس طوری شده است که »  
 « مثلا اگر سمت شمال و مشرق و مغرب مملکت خودمان بخواهیم بگردش و شکار »  
 « برویم باید بادولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید »  
 « او خیالی بکند و برنجد و همچنین سمت جنوب اگر میل بکنیم باید از دولت روسیه »  
 « مشورت بکنیم .  
 « شما تصور نکنید که هیچ دولتی در روی زمین از بزرگ و کوچک این حالت »  
 « حالیه ما را دارد آیا مایک دولت مستقله نیستیم که اختیار محوطه مملکت خودمان »  
 « را داشته باشیم و با آزادی بتوانیم حرکت مصالح دولت خودمان را بنظر بیاوریم »  
 « البته ایران مستقل است و آنچه صلاح وقت مملکت و داخله خود را بداند بدون »  
 « اینکه منتظر باشد از دولت دیگری مشورت بکند یا منتظر سئوال و گله آنها بشود »  
 « البته باید بکند و اگر نکنند خیانت بدولت و ملت خود کرده است .  
 « اظهاراتی هم که بجناب امین السلطان کرده بودند همه را برض رسانده »  
 « بودند جواب آنها را در مجلس ثانوی بشما اظهار کرده بودند که حالت انتظاری »  
 « برای شما باقی نمانده باشد این بود که دیگر شمارا زحمت نداده بودند تمام این »  
 « فقرات را برای استحضار آن جناب سامی نوشته که مستحضر باشند زیاده »  
 « زحمت است . فی ۴ شهر ربیع الاول ۱۳۰۶ مهر قوام الدوله »  
 روزنامه های روسیه نیز پس از انتشار فرمان آزادی رود کارون حلات شدیدی  
 بدولت ایران میکردند و مقالات زیادی راجع باین موضوع مینوشتند و برای اطلاع بیشتر  
 باید به بخش سوم مراجعه شود و در اینجا برای نمونه مقاله ای را که روزنامه روسی  
 بنام «قفقاز» در شماره مورخ بیست و هفتم ماه نوامبر سال ۱۸۸۸ درج کرده نقل مینمایم  
 ترقی نمایان سر در موندن (وزیر مختار انگلیس) در طهران در امور دیپلوماسی که اختیار سوق  
 کشتی رانی در بھر رود کارون را بانگلیسها بخشیده در عالم مطبوعات پایتخت ما انقلاب عظیمی پیدا کرده است و این

یکی جای خرسندی است زیرا که از وقوع این فتره بطور یقین مشهود میشود که مطبوعات ما نیز در خصوص موانع پیشرفت تجارت روسیه در بازار ایران که اهمیتی زیاد از آن است که تا حال تصور نمودماند سخن میرانند ولی جای افسوس این است که در این واقعه ما بمثل مشهور خود که میگویند (عقل پسین روسها) برخورده ایم.

نویسنده گان مطبوعات پایتخت پی در پی مقابل یکدیگر ایستاده با کمال گرمی بتصریح اهمیت نهر کارون برای پیشرفت تجارت انگلیس در بازار ایران میکوشند در صورتی که این احوالات نازکی نداشته و قریبها است که اولیای دولت انگلیس در این صدد بودند و درین باب روسیه هم زحمات زیاد کشیده و اوراق بی شماری نوشته شده و حتی خود اولیای دولت انگلیس مطبوعات ما را بمسئله نهر کارون آشنا نمودند منتها اسم نهر را فقط در آن وقت ذکر نکرده و بادولت عثمانی بنای مجاچه گذاشتند که تعمیر قلاع و غیره در حدود ایران که مانع آزادی سفاین تجاری در شط العرب و فرات و دجله تواند بود باید موقوف بشود اگر ما هم از اوضاع مکانیت آنجا بموجب تحقیقات خود و نه بموجب اطلاعات مأخوذه از روزنامه های انگلیسی باخبر بوده و از ترقیات و پیشرفت تجارت انگلیس در خلیج فارس و امکان سوق کشتی در نهر کارون مطلع میشدیم آنوقت البته که ما هم با کمال عجله برای سد جلوی ایشان تدابیر لازمه بعمل آورده نمیکذاشتیم که بازار ایران را غصب نموده و تجارت روسیه را تهدید نمائیم و حال اینگونه تدابیر و ترقیات دیپلوماسی سردروند دولت که دقیقه بظهور رسیده ما را مشوش و پریشان نموده و موجب این همه مقالات پریشان و بی نمر که سحایف روزنامه های پایتخت را پر کرده نمی شد بگمان ما و احواله ما که بسبب این ترقی جزئی که فی الجمله موجب تهلیل امور حمل و نقل امتعه انگلیس بی بازار ایران گردیده نباید بدانقدرها باشد که تصور مینمائید زیرا این یکی خود مایه شر بزرگی نیست اما شر بزرگ را قندی در آن طرف تر از غضب امتیاز سوق کشتی در نهر رود کارون یعنی در مقابل اوضاع عمومی تجارت انگلیس در خلیج فارس با تجارت عمومی روسیه در شمال مملکت دولت متحابه ما باید جست در اینجا یک جمله معترضه که نیز کاشف مسئله عمده همین فصل است عرض می شود ما بارها نوشتیم این را که اگر چه روسیه در ترویج و تکمیل صنایع و غیره از مغرب اروپا خیلی عقب مانده لیکن بعد از جنگ قدیم آنقدر قوه بهر ساریده است که بدون اینکه زحمات مقدمات را بهر رود هور متحمل شود یکدفعه می تواند نتیجه تمدن مغرب را با اینجا بیاورد و خطرات جمع شود اگر روی قاعده نتیجه را تحصیل نماید در همجا یکدفعه شکوفه تمدن شکفته خواهد گردید چنان که بحکم قانون کلیه طبیعت در سایر جاه اول ریشه و بیخ زمین رفته و استحکام یافته و شاخ و برگ پیدا نموده بعد شکوفه داده است در مملکت ما هم میبایست اینطور بشود تا مشغول نمر گردد و چنانکه کلمه آخری علم فلاحت هم همین را بیان مینماید اما در اینجا اینطور باید گفت که ما شکوفه های تمدن را از ممالک مغرب اروپا مانند بعضی چیزهای دیگر اخذ نمودیم .....

راجع بمختالفت روسه امیر از محمود خان علاء الملک وزیر مختار ایران در پطرزبورغ گزارشی در تاریخ ۸ ربیع الثانی ۱۳۰۶ هجری قمری به تهران فرستاده است که برای مزید اطلاع متن آنرا عیناً دوزیر نقل میکنم .

نمره ۵۷

سفارت دولت علیه ایران در پطرزبورغ

۸ ربیع الثانی ۱۳۰۶

ایلیچی کبیر آلمان دیدن این بنده آمده بود بفاصله مهمان دیگری وارد شد مومی الیه بیجهت مختصری کرده رفت چند روز دیگر که بنده باز دید کرد مومی الیه صحبت از انتشارات روزنامه بیان آورده از بنده تحقیق مسئله رودخانه کارون و ماموریت و لاسوف را بمشهد بسمت جنرال قونسولگری و غیره نمود گفتم در همه اینها هر چه روزنامه بنویسند و اغراق گوئی و بدزبانی می کنند از روی بی اطلاعی و اغراض نفسانی پاره کسانست که مهیج خیالات هستند و در باز کردن کارون دولت علیه ایران ابتدا خیال تخفیر و یا نقص وارد آوردن بر روسیه یا بدوستی دولت روس نداشت مسئله داخلی و محض برای آبادی مملکت و اصلاح و وسعت معاش مملکتی خودش است که عبارت از آکوپومی پولبلیک و اخله باشد هیچ دولتی را بدیگری در دخول به آن رودخانه ترجیح نداده است گفت اینفقره راست است گفتم اینفقره که روسها میگویند مانعی توایم بهره از آنجا ببریم تعیین وضع

جغرافیائی مملکت است انگلیسها هم در مغرب و شمال در کنار دریای خزر و غیره نمی توانند بهره ببرند پس آنها نیز باید از ما ناراضی بشوند شمارد باطوم بقدر عثمانی و فرانسه بهره نمی برید پس باید با این دول دشمن باشید گفت حق است من ابتدا حق تکذری در این باب بروسها نمی بینم گفتم مسئله جنرال قونسولی و لاسوف را نیز دولت ایران از راه دوستی صلاح ندانست اولاً قبل از مامور نمودن این شخص ابتدا بدولت ایران خبر نکردند نگفتند ما چنین خیالی داریم تا آنهم موافقی را که در نظر دارد شمرده اتفاق رای حاصل گردیده از آن رو رفتار شود یکدفعه گفتند فلان آدم را بفلان سمت بمشهد روانه کردیم دولت علیه هم جواب داد که میدانید مشهد مثل گر بلا و نجف و مدینه و مکه جای مقدس مسلمانهاست در آن جاها مامور غیر مسلم تا حال دول خارجه معمول نشده بفرستند و انگلیس اگر شما فرستید انگلیسها هم میفرستند گفت مامور انگلیسی مگر مسیحی نیست گفتم خیر مسلمان است حتی چون او خان بود و مامور روس بیک بود ایران لقب خانی در نظر ملت عظمی بیشتر است برای دوستی خالصانه بموجب خواهش روسها دولت علیه بمامور روس کریم بیک لقب خانی داد گفت پس می گویند انگلیسها بکنفر جنرال و چند نفر آدم دارند و مدتهاست در مشهد میباشند گفتم اگر هم باشند سمت ماموریت به آنجا ندارند شاید عبور آنجا باشند چنانچه شنیده ام در سرحدات ایران و افغانستان بیک مسئله متنازع فیه بوده و دولت علیه مامور معین کرده است که با مامور انگلیس که حکمیت خواهد کرد بیرون در میانه قطع نزاع نمایند شاید همان مامورین باشند که عبوراً آنجا هستند و باید باهنگام و طهران سؤال وجواب نمایند و کار طول کشیده تا حال آنجا مانده اند چنانچه مامورین تحدید حدود روس و ایران هم باخالی تکه رفته بودند سه ماهه عمل را تمام نمایند سه سال کشید و اینکه می گویند گندم از لطف آباد قدغن شده بر روسیه ندهند اینفقره را هم کار گزاران روسیه خوب می دانند گاهی آنجاها زراعت بدست و ما راه دریا و راه آهن نداریم که از جای دیگر گندم بیاوریم اگر آذوقه خودمان را بهمسایه بدهیم قحطی می افتد لهذا اگر زراعت خوب است زیاده را میفرروشند اگر کم است حکومت حمل غله را قدغن می کنند و نازکی ندارد باز هم سه سال قبل اتفاق افتاده بود و هرگز روسها زنجش حاصل نکردند حال هم اگر غله قدغن شده باشد از این باب است خیلی تعجب کرد گفتم من در این باب هنوز با مسیو غرس هیچ صحبت نکردم اما ایندانه آکادمیک مان صحبت میکنم به بینم چه میگوید گفت حالا چه می خواهند گفتم بنده که نمی فهمم همانهاست که در روزنامه می خوانید میگویند رودخانه کارون را باید دوباره بست خیلی خندیدید گفت هرگز چنین کار ممکن نیست که اسباب خنده عالم میشود گفت شنیدیم اعلیحضرت همایونی خیال سفر فرنگستان را دارند گفتم سابق مینوشتند که تشریف خواهند آورد هنوز تکذیب این خبر نشده است گفت دیگر چه بهتر از این میشود که اعلیحضرت همایونی آستینها را باز کرده (۱) قبول نمایند و رفع این ماجرا بشود خیلی غریب است که اینها آسوده نمی توانند به نشینند گفتم اینهمه از خوبیهای خودشان در حق ما نقل کرده در روزنامه ها بنویسند آیا ما کمتر کرده ایم در جنگ سواستاپول که همه در ضد روسیه بودند آیا در کمال دوستی بروسها راه ترفتن مگر نمی توانستیم که با عثمانی ها باشیم آنوقت قفقاز بهمین حالت میماند در جنگ آخری روس با عثمانی ده هزار قشون درخوی جلو قشون روس گذاشتیم زور مختار یاشارا ضعیف نمود آذوقه بروس دادیم اگر ادها را مانع از چپاول شدیم بیست هزار در سرحدات بغداد و کردستان لشکر گذاشتیم بعد از جنگ کردها که با چپاول آوردند نوعی اتمام کشی از ما بود آنها را هم قشون خودمان دوانید و سر کرده های شان را گرفت بسزا رسانیده ما گناه نکردیم بروسها در عالم دوستی اطلاع دادیم آنها هم برای حفظ سرحدات خودشان بقدر چهار هزار قشون تردیکی نخچوان که نزدیک سرحدات جلفای ایران است فرستادند .

در مسئله آخال تکه با اینکه تراکمه نه اسلحه داشت و نه صاحب منصب شنیدید و دیدید چه قدر روسها بخروج و خارت افتادند اگر دولت ایران عوض اینکه بروسها آذوقه و شتر داد کمک کرد و تراکمه را ناچار به تسلیم نمود بالعکس پروطست بیاره حقوق خود کرده و کمک تراکمه می کرد کار اینطور سهل تمام نمیشد فقط گناه ما بیک چیز است که روسیه را دوست خود دانسته قشون خودمان را بدو کرور رسانده ایم و همیشه بمراقبت

و موافقت راه رفته ایم گفت همه اینها راست است در هر موقع خیلی روسیه از شما مساعدت دیده است گفت شما در اثری رودخانه ندارید گفتیم يك رودخانه کوچکی است تا به پیره بازار گفت آنجا کشتیهای روس می آیند بانه گفتیم خیر اجازه دخول کشتی خارجه با تجار نیست گفت آنجا را اجازه بدهید کشتیهای روس بیایند گفتیم اولاً دولت ایران به صورتش نمی آید که برخلاف دوستی روسها در تنفس آبروی او کاری کرده باشد تا به مقام ندارک او بر آید ثانیاً هم اگر چنین چیزی باشد تا دولت ایران اظهار چنین چیز کند توقع روسها بیشتر میشود صحبت اینجا تمام شد . همچنین پاره اشخاص معتبر مملکت از بنده تحقیقات که می کنند مسئله را بطور حقیقت بیان کرده است امروز هم روزنامه نووی و رمیا طرز خود را عوض کرده و یکدرجه تکذیب گفته های سابق خود را می کند .

بروزنامه نووسی هم میرزا رضا خان مستشار را فرستاد مطلب را حالی کرد آنها خیلی خوب و بطور انصاف نشر اخبار میکنند و تکذیب اخبار بعضی روزنامه ها را می کنند و از دوستی دولتی ایران و روس سخن میراند روزنامه های خارجه هم ضد روزنامه های روسیه فصلها مینویسند آنچه که از روزنامه ها ممکن بود با ترجمه فرستاد باقی را بدون ترجمه فرستاده و قید کرده است که معلوم شود کدام یکی ترجمه نشده است .

امیدوار است بهر روز اصلاح خیالات بشود تمام این آبهارا یک نفر کسل آورد می کرد که ما می بگیرد هر وقت هم روزنامه ها ساکت بود باز ضللی بر روزنامه نویسانده همرا بهیجان می آورد الامر الاقدس العالی مطاع محمود طباطبائی

**بعد از افتتاح رود کارون**

گر چه فرمان آزادی رود کارون برای تمام دول جهان بود ولی فقط انگلیسها بودند که مستقیم و غیره مستقیم از این اقدام بهره مند میشدند زیرا گذشته از داشتن وسائل حمل و نقل بحری بواسطه نفوذی که انگلستان در خلیج فارس داشت بازار تجارت این ناحیه منحصر بآنها بود و کمپانی های مختلف انگلیسی مثل کمپانی دیگلر (۱) و کمپانی لینچ و برادران (۲) به تجارت اشتغال داشتند

سرپرسی سایکس در کتاب «تاریخ ایران» مینویسد .  
 «در میان امتیازاتی که ناصر الدین شاه اعطاء کرد یکی موضوع افتتاح رود کارون برای تجارت است . این امتیاز مورد استقبال شایان مطبوعات انگلیس قرار گرفت ولی وقتی دریافتند آن قسمت از رودخانه که افتتاح گردیده فقط در حدود ۱۱۷ میل در بانی یعنی تقریباً کمتر از ۸۰ میل زمینی است کمی اهمیت این مسئله روشن شد .

در عهدنامه ترکمانچای باروتیایان اجازه داده شده است «منازلی برای سکونت و مغازه های برای عرضه کالای خود داشته باشند» لکن «نظامنامه کارون» از حدود فوق عقب رفته بطوریکه میگوید «ساختن بناهایی از قبیل انبارهای ذغال ، مغازه های کالا ، کاروانسرا و کارگاهها و غیره در کنار رودخانه ممنوع است» و این ترتیب معلوم میشود که شاه گمراه شده و میخواست آنچه را با دست خود داده بدست دیگر پس بگیرد .

جای خوشوقتی است که کمپانی لینچ تحت چنین شرایط نامساعدی در اقدام باین کار پیشقدم شده است . . . . .

اشکال عمده در رود کارون بدینست است که در اهواز وجود داشت و غالب اوقات سال مانع عبور کشتیهای بخاری است . از بالای اهواز تا شوشتر هشتاد میل بوسیله رودخانه و ۶۰ میل راه خشکی فاصله دارد . این راه آبی بی اهمیت را شاه تصور میکرد که دارای فوائد زیادی است و آنرا برای بهره برداری اتباع ایرانی نگاهداری نموده بود و انتظار داشت از این بابت وجوه هنگفتی بخزانة شاهنشاهی عاید خواهد شد . شرکت لینچ که اطلاعات زیادی راجع بوضع ایران داشت موفق شد با هدیه يك نایب مونتوری بشاه این خرابی را از میان بردارد .

از سال ۱۸۹۶ که من جایگه کارون را باز دیدم تاکنون پیشرفت های زیادی در این نقطه حاصل شده است عملیات مهم مربوط باستخراج نفت دریای سلسله کوه های بختیاری منافع سرشاری را باعث گردیده

1-Ziegler 2-Messrs Lynch Brothers

و يك جامعه انگلیسی در آن محل ایجاد کرده و بر وسای محلی از طرف کمپانی منافع داده میشود بعلاوه اتمام ساختمان راه شوسه بین اهواز و اصفهان توسط شرکت لینچ باعث پیشرفت های زیادی در حمل و نقل گردیده است پس از افتتاح رود کارون انگلیسها برای تکمیل اجرای نظریات خود با اقدامات دیگری دست میزنند از جمله ساختن راه شوسه تهران و اهواز که بعداً شرح آن خواهد آمد و دیگر اجازه کشتی رانی در بقیه رود کارون یعنی از اهواز بیلا و همچنین ساختن انبار تجارت خانه و اسکله و غیره . در این باره مذاکراتی بین دولت ایران و سفارت انگلیس بعمل می آید و يك کشتی کوچک بخاری هم بنا صرا الدین شاه تصارف داده میشود و سرانجام امتیاز کشتی رانی در رود کارون علیاً به حاج آقا محمد معین التجار دهنده شد بعنوان نماینده کمپانی ناصری اعطا میگردد و در ماه شعبان ۱۳۰۷ هجری قمری فرمانی بشرح زیر بنام این شخص صادر میشود .

### فرمان

« بتاریخ شهر شعبان ۱۳۰۷

آنکه چون در این عهد فرخنده همیونی موجبات ترقی و آبادی مملکت بتوجهات مخصوصه آفتاب مظاهر ملوکانه فراهم آمده و در این سال فرخنده فال اوئیل که رود کارون الی زیر سد اهواز را برای عموم ملل آزاد و محل کشتی رانی تجارت شده محض افتخار ملت ایران و ترویج تجارت رعایای مخصوصه دولت علیه بالای سدرا تا شوشتر و ذفول مخصوص رعایای این دولت علیه قرار دادیم چون مقرب العاقان حاجی آقا محمد معین التجار ترتیب يك کمپانی المسمی ناصری داده است لهذا امتیازات مندرجه در فصول پنجگانه ذیل بمشار الیه مفوض و واگذار شد .

بموجب فصل اول در نقطه منجره ده هزار ذرع زمین متصل بگمر کخانه جدید که در منجره بنا میشود بکمپانی ناصری مجاناً داده خواهد شد که در آن یکدست عمارت موافق نقشه که کمپانی لینچ داده است بنا نماید و بکمپانی لینچ از قرار ده يك و نیم در سال ده ساله اجازه دهد .

بموجب فصل دوم کمپانی ناصری باید يك اسکله و يك کاروانسرا و دکان باین بقدر ضرورت و برای سد که قریب نیم فرسخ است يك راه شوسه برای آمد و رفت کاریهای بارکش بسازد و اگر لازم باشد باید راه آهنی ایجاد کند که مال التجاره معطل نشود .

بموجب فصل پنجم امتیاز استخراج معادن ذغال سنگ واقع در خاک جانکی بختیاری بکمپانی ناصری داده شده که از منافع خالص صدی بیست بدولت بدهد .



## امتیاز بانك شاهنشاهی ایران

یکی از موسسات انگلیسی که تقریباً مدت نیم قرن زنجیر اسارت اقتصادی بدست و پای ملت ایران افکنده بود «بانك شاهنشاهی ایران» است . دیدیم بعد از آنکه ناصرالدین شاه در دادن امتیاز ۱۸۷۲ رویتز باشتباه خود پی برد بواسطه مخالفت روسها و از ترس وطن پرستان ایرانی بیبانه‌های مختلف متوسل و قرارداد را لغو کرد .

بارون رویتز باسانی دست از دعاوی خویش برنیداشت و در همه جا این موضوع را تعقیب میکرد ولی حرفش بجائی نمیرسید تا تقریباً پس از ۱۷ سال بارون جولوس رویتز مذکور با استظهار دولت انگلیس تقاضای خود را تجدید و رسیدگی باین اختلاف و جبران خسارت را اجدا درخواست نمود و برای این منظور جرج رویتز فرزند خویش را بتهران فرستاد . و بطوریکه خواهیم دید بعد از مذاکرات مفصل در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۰۶ هجری قمری (مطابق ۳۰ ژانویه سال ۱۸۸۹ میلادی) با مداخله سر درو مندولف وزیر مختار زیرک انگلیس امتیازی برای ایجاد «بانك شاهنشاهی ایران» به رویتز داده میشود .

### سابقه بانك در ایران

سالهای قبل از ایجاد بانك شاهنشاهی ناصرالدین شاه وصف بانك‌های اروپائی و نقشی را که اینگونه مؤسسات در پیشرفت امر بازرگانی داشتند شنیده بود و بی میل نبود که یک چنین مؤسسه ای هم در ایران تشکیل گردد . بدینجهت از سال ۱۲۸۰ هجری قمری که میرزا محمود خان ناصرالملک وزیر مختار ایران در لندن و حسنعلی خان وزیر مختار ایران در پاریس برای ایجاد راه آهن در این کشور با سرمایه داران اروپائی مذاکراتی میکردند در ضمن گفتگوی تاسیس بانك را هم بیان میآوردند .

در این زمینه پیشنهادهایی چند بدولت ایران داده میشود از جمله ژان ساوالان نامی بنماینده کی عده‌ای از سرمایه‌داران و صرافان بزرگ فرانسه در رمضان سال ۱۲۸۱ هجری قمری (۱۸۶۴ میلادی) برای تاسیس يك بانك با سرمایه دو میلیون لیره انگلیسی پیشنهادی بدولت ایران میدهد - ژان ساوالان بتهران میآید و طرح امتیاز نامه را تهیه میکند - با آنکه این طرح مورد موافقت ناصرالدین شاه هم قرار گرفت ولی بنسوان آنکه فطالصلاح دولت نیست جامه عمل نپوشید فقط بوجب فرمانی در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۸۶۵ حق تقدمی برای ژان ساوالان جهت ایجاد بانك و راه آهن قائل میشوند که بعداً نیز بآن ترتیب اثر نمیدهند .

راجع به ساوالان و امتیازاتی که او تحصیل کرده است بعداً در جلد دوم این کتاب

باز گفتگو خواهیم کرد و در اینجا برای مزید اطلاع متن پیشنهاد او را برای تاسیس بانك در حاشیه نقل مینمایم (۱)  
بهر حال تا سال ۱۸۸۸ که بانك جدید شرقی شعبه‌ای در ایران دایر مینماید در این کشور موسسه‌ای که شباهت با بانك‌های اروپائی داشته باشد تاسیس نشد .  
لرد کرزن در کتاب خود راجع باحتیاج ایجاد بانك در ایران و تاسیس بانك جدید شرقی مینویسد .

### ۱ - صورت فصول قراردادنامه بانك

فصل اول - دولت علیه بعالیجه مسیو ساوالان و کومپنی اجازه خواهد داد که يك بانك دولتی بسازند و اسم آنرا بانك ایران بگذارند .

فصل دوم - بانك امتیاز خواهد داشت که در زیر حمایت اعلیحضرت شاهنشاهی بوده باشد و در معاملات و محاسبات خودش باتبه دولت علیه رجوع بیهیج سفارت نخواهد کرد و سفارت هیچ دولتی هم در عمل آنها مداخله نخواهد داشت و حقوق بانك را دولت علیه مانند تبعه و رعیت دولت علیه مجری خواهد داشت و دولت علیه تمهید میکند که از جانب دولت و ملت در حق بانك بهیچوجه ظلم و تعدی وارد نیاید تا اگر ظلمی در حق آن وارد آید و دولت علیه رفع آنرا نکند آنوقت بانك حق خواهد داشت که بسفارت خود رجوع نماید .

فصل سیم - اصل سرمایه بانك پنجاه ملیان فرانك فرانسه و پانصد ملیان لیره انگلیسی و بانصبتاً هشت کرور و نیم اشرفی ایران خواهد بود و این تنخواه بعد هزار حصه تقسیم خواهد شد که هر يك حصه چهل و چهار تومان یون ایران میشود در اول کار دولت علیه و بتجار و غیره هر قدر خواسته باشند از برای خود سهمی قرار بدهند تا در این معامله سهیم و شریک باشند آنوقت هر کس که صاحب هر قدر حصه هست از هر يك حصه پانزده از صد باید بدهد تا از برای شروع کردن بانك هفت ملیان و نیم عدد فرانك با سیصد هزار لیره باشم و شصت هزار تومان تنخواه جمع شود و بعد نسبت ببیشرفت امر بانك مابقی تنخواه بدون تقسیم مجدد بانندریج از صاحبان حصه مطالبه خواهد شد .

فصل چهارم - این اذن از جانب دولت علیه الی مدت سی سال خواهد بود بعد از انقضای این مدت اگر دولت علیه مطلقاً رسم بانك را موقوف بدارد آنوقت کومپنی بانك باید در مدت یکسال مطالبات خود را وصول کرده و قروض خود را ادا نموده برود اما اگر دولت بخواهد مجدداً بنای وضع بانك بگذارد در آنحال اگر منظور دولت اشتراك و مداخله تبعه دول خارجه باشد کومپنی این بانك بر سایرین مقدم است که قرار مجدد برضای طرفین بکنند و اگر منظور دولت در وضع بانك بدون مداخله خارجه باشد آنوقت کومپنی این بانك حق خواهد داشت که الی مدت ده سال برضایت طرفین با بانك دولت شراکت نماید .

فصل پنجم - اصل محل بانك در دار الخلافه خواهد بود اما کارگذاران بانك اختیار خواهند داشت که در هر يك از ولایات ممالک محروسه مصلحت دانند بانك کوچک قرار داده یکنفر مأمور معین نمایند .

فصل ششم - روسای بانك هر کب از چند نفر خواهند بود که شش نفر آن از جانب صرافان بزرگ فرانسه معین خواهد شد و از جانب دولت علیه هم بقدریکه در شراکت سهم قبول کرده‌اند اختیار خواهند داشت که چند نفر را ضمیمه اجزای روسای بانك کنند که در کل معاملات و داد و ستد بانك با آن شش نفر متفقاً رسیدگی نمایند و از عمل گردان استحضار بهمرسانیده متوجه باشند که کارگذاران بانك از حد خود تجاوز نکنند و بعد از انقضای شش سال اول عموم صاحبان حصه نظر بتقاضای وقت و ببیشرفت عمل اگر بخواهند در تبدیل رسماً مختار خواهند بود .

فصل هفتم - بانك اذن خواهد داشت که بمردم قرض بدهد بطوریکه اطمینان حاصل کند از گرفتن رهن و با معاملات دیگر بجز بیمشرط و خریدن املاک و نیز بانك متمهد میشود که تجارت غله و سایر حیوانات مایحتاج ارزاق عامه را نمایند .

هدی و بیفایده گی سیستم پولی ایران و در واقع کلیه نقل و انتقالات بازرگانی آن کشور از مدهتها پیش تاسیس بانکی را که با روش اروپائی اداره شود شرط لازم هر نوع توسعه و ترقی امور اقتصادی کرده است. درباره ترقی و تنزل ارز و کمبایی پول قبلا صحبت نموده ام. يك عمل مضر دیگر توزیع غیر متساوی فلزات گرانبها در هر لحظه مورد نظر و مخارج گران حمل پشیز بود که فقط با تحمل مخارج سنگین بوسیله حیوانات بارکش میسر میشد.

بازرگانان برای ارسال وجه به اروپا با اشکالات و خطرات عظیم مواجه میشدند. دسته های کوچک مردمی که کارشان داد و ستد پولی است در شهرهای کوچک و قصبات در بازارها وجود دارند. سرمایه های داخلی بر اثر عدم اطمینانی که لازمه هر گونه بکار انداختن سرمایه است در هیچ عملی که سود عمومی در آن باشد بکار نمیروند. و از این همه بدتر ترتیب پس انداز کردن بود که از شاه تا گدا همه بدان پابند بودند هیچ چیز بهتر

بقیه از حاشیه صفحه قبل

فصل هشتم - بانک امتیاز خواهد داشت که بلیت رواج بدهد و اسم آنرا بلیت بانک بگذارند در رواج یافتن آن بلیت بطوری باشد که دارنده آن در هر شهر ممالک محروسه که مامور بانک در آنجا باشد بلیت خود را نزد آن ببرد و بمجرد نشان دادن وجه نقد بگیرد و مباشرین مالیات دولت علیه این بلیت بانک را در دست هر کس که باشد مانند وجه نقد بدون کسر قبول خواهند کرد.

فصل نهم - این بلیت بانک در زبان فارسی خواهد بود و نشان ایران را خواهد داشت و هر يك کمتر از پنج تومان نخواهد بود و برای اطمینان که مبادا بدون اذن دولت این بلیت بانک را زیاد کنند بکنفران از جانب دولت مامور خواهد بود که مهر دولتی که بر روی این بلیت ها زده میشود در نزد او باشد و در روز رواج دادن این بلیت ها باید جمعی از اعیان دولت و وزراء حضور بهم رسانیده هم بلیت های بانک را با مهر دولتی مزین کنند و هم هر يك از ایشان نشانی بر روی بلیت بگذارند تا بعد اگر در دست یکی بپستی ابراز شود که یکی از نشانی های وزراء و اعیان که در روز رواج دادن بلیت بانک بر روی بلیت گذارده اند کم داشته باشد خالی از اعتبار و مانند پول قلب خواهد شد.

فصل دهم - بانک متعهد میشود که در دو سال اول بمقابل بلیت هایی که رواج خواهد داد با اطلاع اشخاصی که برای شرکت دولت علیه جزء روسای بانک خواهند بود پول نقد در خزانه خود موجود داشته باشد و بعد از افضای دو سال که اعتبار بانک معلوم شد و مردم آموخته گردیدند بانک مختار خواهد بود که بقدر يك ثلث این بلیت های رواج شده را وجه نقد و بقدر دو ثلث آنها را با گروارزنده و با ضمانت نامه معتبر در خزانه خود موجود داشته که آن اشخاص ایرانی که در جزء روسای بانک برقرارند تصدیق نمایند.

فصل یازدهم - دولت علیه متعهد میشود که احوال آنرا اگر شخصی پیدا شود که بخواهد کارخانه راه بیندازد یا مردم قرض بدهد یا راه آهن بکشد یا کار دیگر کند اولیای دولت باید حالت معامله آن شخص را ببیند اظهار نمایند اگر بانک معامله آن شخص را با همان قراردادی که با اولیای دولت علیه داده قبول کرد آن علیه را ببیند و اگذار نمایند والا با همان شخص معامله را بگذارند.

فصل دوازدهم - در هر يك از شهرهای ممالک محروسه از برای بانک مکانی لازم شود گزایه خواهند کرد لکن در دار الخلافه دولت علیه قرار خواهد داد که مکان بانک در اراک باشد و در سایر شهر های دیگر دولت قرار خواهد داد که بانک را برای مکان معطل نگذارند و بطور معمول گزایه بدهند.

فصل سیزدهم - دولت علیه از برای حفظ و حراست بانک اسباب و اوضاع لازمه را در دار الخلافه یا در شهرهای دیگر حسب الزوم فراهم خواهد آورد بدون ضمانت لکن در صورتیکه بانک خواسته باشد تنخواهی را از ولایتی بولایت دیگر حمل و نقل کند هر گاه این تنخواه را شمرده بمباشرین دولت تحویل کند دولت ضامن آن تنخواه خواهد بود که بدون عیب برساند و اگر شمرده و آدمی هم از خود همراه تنخواه روانه بدارد که حفظ آن بعهده مباشرین دولت خواهد بود بدون ضمانت ولی گزایه مالی را که برای حمل و نقل تنخواه لازم خواهد شد بانک باید از عهده برآید.

بقیه در حاشیه صفحه بعد

از نرخ فاحش ربح که با گشاده رویی به ربا خواران محلی پرداخته میشد عقب مانده ایران را نشان نمیدهد ربح قانونی را قرا آن به صدی دوازده محدود ساخته است (بدیهی است که لرد کرزن در این مورد سخت در اشتباه است) اما در اواسط قرن حاضر (نوزدهم) خانم شیل مینویسد نرخ ربح ندرتاً کمتر از صدی بیست و پنج است و اغلب به صدی پنجاه یا شصت و حتی صدی صد میرسد بانکهای محلی تا یکی دو سال پیش در مورد پول نقد میتوانستند بر اساس ماهانه تصدی دو یعنی بر اساس سالانه : صدی بیست و نه پول تهیه کنند اما افرادی که پول به قرض میدهند ربح گرانتری می گرفتند.

هنگامی که در سال ۱۸۸۸ شرکت بانک جدید شرقی مصمم شد ایران را نیز مشمول حدود عملیات خود در آسیا کند و شعب و نمایندگیهای در تهران، مشهد، تبریز، رشت، شیراز و بوشهر افتتاح نماید وضع مالی ایران بطور خلاصه بدین نحو بود. این بانک بعنوان يك شرکت بازرگانی که بکاری که برای عموم آزاد است مشغول بود و احتیاجی به تحصیل امتیاز خاصی از دولت ایران نداشت پس از تکسالی که از ایجاد آن

بقیه از حاشیه صفحه قبل

فصل چهاردهم - بانک بزرگ ایران و بانک های کوچک از هر قسم مالیات و عوارضات دیوانی معاف خواهند بود فصل پانزدهم - بانک حالت منفعت خود را در هر سه ماه هم در روزنامه های طهران و هم در روزنامه های بزرگ فرنگستان ثبت و اعلان خواهد نمود که معلوم خاص رعام شود که در چه حالت است و در بیستم ماه مارس هر سال که عبارت از شب عید نوروز سلطانی باشد حساب سالیانه خود را پرداخته منافع سالیانه هر حصه را هر قدر شود در روزنامه های مزبور استحضار خواهند داد و صاحبان حصه در بردن منفعت پول خود مختار خواهند بود.

فصل شانزدهم - بانک همانوقت که پانزده از صد هر حصه که داده شد شروع بعمل خواهد کرد و اگر تا آخر ماه سپتامبر هزار هشتصد و شصت و شش تاریخ عیسوی کل آن تنخواه که صاحبان حصه مقیم یورپ بهمین قدر که در فصل سیم ذکر شده و باید بدهند وارد دار الخلافه نگردد دولت علیه در دادن این امتیاز بدیگری مختار خواهد بود.

فصل هفدهم - از برای اعتبار بانک دولت علیه متعهد میشود که تقویت لازمه را در انضباط هر گونه امورات بانک بعمل آورد و مطالبات او را از هر کس که باشد مانند مطالبات خود که از تبعه و رعیت غیر مقرر دولت علیه مطالبه میکنند وصول نماید.

فصل هیجدهم - مراعاتیکه در میان بانک و سایرین اتفاق می افتد در اول مرحله رجوع بسحکمه شرع انور خواهد شد بهر چه از محکمه شرع حکم صادر شود دولت اجری خواهد داشت اما اگر در نزد حاکم شرع رفع گفتگو نشد آوقت آن عرافه را بمجلس آنچند نفر اشخاص بیغرض که از جانب دولت برای طی مرافعه معین خواهد گشت برند تا در حضور آنها اجلاس شود هر حکم که از آن مجلس در این باب صادر شود حکام دولت اجری خواهند داشت.

فصل نوزدهم - بجهت اعتبار بانک ایران اعلیحضرت شاهنشاهی هر قدر حصه بخواهند بگیرند و پانزده از صد هر حصه را چنانکه در فصل سیم ذکر شده بعد از وصول تنخواه حصه های فرنگستان و ورود آن بطهران از جانب سنی الجوانب بکار گذاران امر شود کار سازی کنند.

فصل بیستم - بانک تجارت جزء نخواهد کرد باین معنی که اشیاء معصوم این مملکت را از تجارت مملکت نخواهد خرید و متاع تجاری خارج را بخواهد فروخت مگر در صورتیکه معصوم مملکت را بانک با صرفه تر و بیشتر از تجارت این دولت اتیاع کند در اینصورت اذن خواهد داشت که از اروپایان و رعیت این دولت هم بخزند لکن در خرید و فروش بعضی اشیاء متفرقه منقوله از قبیل شال ترمه یا جواهر آلات و مس و فرش و غیره که مال تجار نباشد و مردم متفرقه خواسته باشند رهن بگذارند یا بفروشند بانک برضای مالک بخریدن آن اجتناب مآذون خواهد بود.

بقیه در حاشیه صفحه بعد

میگذشت هنگامیکه من به تهران رفتم بانک بااجاره عمارتی کاخ مانند که يك سمت میدان توپخانه گرفته بود هم در تهران وهم در ولایات خیلی خوب کار میکرد . ایرانیان تازه معنی حساب سپرده و ارزش ربح ثابتهای که به سپرده ایشان پرداخته میشد می فهمیدند . بانک ربی معادل صدی دو و نیم به حساب جاری و صدی چهار به سپردههایی که شش ماه در بانک میماند و صدی شش به سپردههایی که یکسال در بانک میماند منفعت میداد بانک تا آن موقع نرخ تنزیل را تصدی دوازده پائین آورده و بطوریکه میگفتند به شخص شاه قرضی باربع صدی شش تصدی هشت داده بود . بانک شرقی ضمناً مردم را بانوعی پول کاغذی بصورت حواله خزانه دار برای مبالغ اترنج قران به بالا قابل پرداخت دروجه حامل آشنا ساخته بود و این پولها در پایتخت رواج بسیار داشت . پس از دو سال که از ایجاد بانک میگذشت شعبه ایران آنرا بانک شاهنشاهی ایران به مبلغ هنگفتی خریداری نموده پس از لغو امتیاز نامه ۱۸۷۲- بارون جولوس روتیر که خود را ذبح میدانست هر چند وقت یکبار توسط سفارت انگلیس بدولت ایران اعتراضی میکرد و ادعای خسارت خویش را ضمن پیشنهادهای مختلفی تجدید مینمود چنانکه در قسمت مربوط بامتیاز روتیر قبلاً دیدیم .

### بانک شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ روتیر

پس از روی کار آمدن امین السلطان و مامور شدن ولف نماینده انگلیس بتهران و روابط صمیمانه ای که بین این دو نفر برقرار شد وقت آن رسیده بود که انگلیسها منظورهائی را که از مدتها قبل داشتند انجام دهند . از جمله این مقاصد یکی اجازه کشتی رانی در رود کارون بود که سابقاً دیدیم در ۲۴ صفر ۱۳۰۶ فرمان آنرا بدست آوردند و دیگری رفع اختلاف دولت ایران و روتیر بود که از سال ۱۲۹۰ هجری تا این تاریخ به طول انجامیده بود .

#### بقیه از حاشیه صفحه قبل

فصل بیست و یکم - بانک در استیفاء مطالبات خودش از تبعه و رعیت دولت علیه با سایر طلبکارهای این دولت حالت مساوات خواهد داشت و بطور شرع رفتار خواهد نمود و دولت علیه هم در استیفاء مطالبات خود پایانتگ مساوات را منظور خواهد نمود مگر از اربابان و رعایای مالیات بده که ادای مالیات مقدم بر سایر مطالبات خواهد بود .

فصل بیست و دوم - بانک متمهد میشود که از ابتدای شروع کردن بعمل بانک الی زمانیکه کل سرمایه مسطور فصل سیم تحویل بانک نگردیده حاضر باشد از برای اینکه همیشه معادل صد هزار تومان بادولت داد و ستد نماید باین معنی که هر وقت دولت را هر قدر پول لازم شود از يك تومان الی صد هزار تومان از قرار صد شش قرض بدهد بوعده معینی و هر وقت که تنخواه دولت از بابات مالیات و غیره عاید شد طلب بانک را برساند و در وقت ضرورت باز قرض کند که داد و ستد شود و پس از رسیدن کل سرمایه همین معامله را که عبارت از صد شش باشد تأیید کرور تومان با دولت خواهد نمود بشرطی که هر وقت تنخواه دولت برسد طلب بانک را برساند فرضاً اگر تنخواه دولت موجود باشد و در ادای طلب بانک کوتاهی کند آنوقت بانک حق خواهد داشت که وجه تنزیل طلب خود را بالمصناف مطالبه نماید و احياناً اگر اتفاقاً بیقتد از قبیل ساختن راه آهن و در آوردن معدن و راه انداختن کارخانهجات یادعوا کردن با سایر دول و برای دولت بیشتر از يك کرور تنخواه لازم شود مثلاً الی پنجاه کرور بانک حاضر خواهد بود که بدولت قرض بدهد لکن يك کرور تومان تنزیلش بوجاهت اسطور الفوق میباشد و تنزیل علاوه بر از يك کرور تومان نسبت بتقاضای وقت و يك وید بودن عمل که آن تنخواه استراض صرف آن عمل خواهد شد تفاوت پیدا خواهد کرد یعنی کم و زیاد خواهد گردید .

هنگامی که ولف وزیر مختار انگلیس با امین السلطان صدر اعظم ایران درباره خاتمه دادن این اختلاف مذاکره میکند ناصر الدین شاه در صدد تهیه مقدمات سفر سوم اروپا بود و میخواست برای بار دوم بانگلستان برود .

باز مسافرت و عیاشیها و مخارج بیهوده «شاه» و ملتزمین رکاب پول لازم داشت و راهی بهتر از دادن امتیاز بانک برویتز بنظر نمیرسد که در ضمن هم بدعاوی او خاتمه داده شود و هم پول برای مخارج اروپا تهیه گردد و بطوریکه بعد خواهیم دید بهمین منظور بود که روتیر متمهد شد پس از تشکیل بانک مبلغ چهل هزار لیره انگلیسی ( يك ملیون فرانک) بدست دهسال با تنزیل صد شش بناصر الدین شاه قرض بدهد و اصل و فرع این پول را از منافی که بانک باید با ایران بدهد محسوب دارد . (۱)

روزنامه اقتصادی آلمان «برلین تاگبلاط» (۲) چاپ برلین در شماره ۱۳۶ سال هیجدهم مورخ ۱۵ مارس ۱۸۸۹ یعنی ۴۵ روز بعد از امضای امتیاز نامه بانک شاهنشاهی تحت عنوان «اهالی اروپا در ایران» راجع باعطای این امتیاز برویتز مینویسد :

چندی است که دولت ایران به بارون روتیر صاحب امتیاز قدیم تمام راههای آهن ایران امتیاز مخصوصی از برای يك بانک داده است .

میدانیم که بارون روتیر در قرارنامه ۱۸۷۲ مسیحی متمهد شده بود که بحر خزر را براه آهن بطریق فارس متصل سازد و معادن را دایر نماید و جنگلهارا بمصرف برساند و اقدام در کارهای بزرگ دیگر نیز بکند ولی اینرا هم میدانیم که بعد از امضای امتیازنامه مزبور کار بر بارون روتیر سخت گردید زیرا که از برای او محال بود از عهده تعیبات خود برآید از یکطرف بواسطه اینکه کارهاییکه بعهده گرفته بود بسیار بزرگ بود و از طرف دیگر بواسطه اشکالاتیکه در لندن برای او فراهم آمدند . چرا که در آنجا خط رشت به بوشهر بامنافع انگلیس مطابق و ملحوظ نیفتادند و نیز مذکور گردید که امتیاز مزبور باعث ناخوشنودی دولت روس گردیده امپراطور الکسندر ثانی اعلیحضرت شاهنشاه ایران را در سفری که در سنه ۱۸۷۳ به پترزبورغ کردند از این سرأقت انداختند بی شك امپراطور روس به میهمان همایون خود گفته است که امورات واقفانامتیکه برعهده بارون روتیر واگذار شده اند فوق قوه يك شخص میباشد و بارون مزبور هرگز نخواهد توانست آنکارها را با تمام برساند و این عمل نمیتواند برای دولت ایران مایه اشکالات دائمی گردد .

در هر صورت امتیازنامه مزبور مجری نگردید و بیوسته بین دولت علیه ایران و بارون روتیر در امتیاز قبیل و قال بود خصوصاً در این اواخر وقتیکه بندکان اعلیحضرت شاهنشاهی امتیاز بکراه آهن را يك کمیانی پلژ و اجازه کشتی رانی آزادانه را روی رود کارون مرحمت فرمودند سفیر انگلیس تمام هم خود را مصروف بظرفنداری بارون روتیر گماشته و بارون مذکور پس خود را برای ادعای حقوق خود به تهران کسب ساخت . بالاخره برای ختم این معارضه دولت علیه ایران امتیاز يك بانک بعارض داد و مشار الیه متمهد گردید که صرف نظر از حقوق سابقه خود نماید . . . . .

گراهام استوری در کتاب «روتیر در يك قرن» بعد از آنکه پیشنهادهای بارون روتیر را برای جبران خسارت امتیاز سال ۱۸۷۲ شرح می دهد مینویسد .

«بالاخره در سال ۱۸۸۸ پردوم خود جرج در روتیر را با اختیارات نامه بتهران فرستاد تا دعاوی او را

۱- این چهل هزار لیره را از محل همان پولی که جولوس روتیر بابت وجه الضمان امتیاز ۱۸۷۲ در بانک

انگلستان بنام دولت ایران سپرده بود استفاده نمودند .

تصفیه کند. بازهم ظاهرًا مذاکرات دنباله پیدا می کرد اما سر انجام یکسال بعد قرار دادی منعقد گردید. درازاء دعاوی بارون حق ناپس بانگ شاهنشاهی در ایران بوی تفویض شد. این بانگ بموجب فرمان سلطنتی در همان سازت تشکیل گردید و مرکز آن در تهران و لندن بود و بارون جرج دو رویتزر عضو هیئت مدبره آن بود. **مذاکره برای تهیه** بعد از آمدن جرج رویتزر به تهران برای تهیه متن امتیاز نامه جلساتی تشکیل می گردید و مذاکرات مفصلی بعمل میآید اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصر الدین شاه که خود در جلسات مذاکرات حضور داشته جریان اعطای

امتیاز بانگ شاهنشاهی را بر رویتزر از قول امین السلطان در کتاب خلسه اینطور شرح میدهد. (۱) روزی در اتنای صحبت ولف وزیر مختار انگلیس صاف و ساده بدون پیرایه بمن (یعنی امین السلطان) گفت مسئله امتیاز رویتزر که میرزا حسینخان قزوینی در صدارت خود داده بود همانطور لاینحل مانده و بعقیده من این تاخیر و تعویق عاقبت برای دولت ایران خالی از ضرر نباشد چه عیبی دارد کاری که اسلاف شما نتوانستند انجام دهند شما درست کنید و این نیکنامی باسم شما بماند اگر اینکار را صورت بدهید بدولت متبوعه و پادشاه خود خدمت کرده اید و دولت انگلیس را هم بخود رایگان نموده ضمناً فایده کلی هم مالا خواهید برد از آنجا که من هنوز دولتخواهی یدم رانست بشخص اعلیحضرت و وطن پرستی او رابه مملکت در نظر داشتم و یکباره آنرا در طاقنسیان نگذاشته بودم با بعضی از ثقات دولتیان بمشورت پرداختم در یکی از مجالس مشاوره حکیم طلووزان فرانسوی حکیم امینی مخصوص اعلیحضرت همایونی که سالها در ایران مستخدم بوده و هست حضور داشت مشارالیه که باروتز خصوصیت و مرابطه دارد ملافت شده و دانست که وقت کار است و موقع را نباید از دست داد و لفر را با اجرای این قصد تحریض و تحریک نمود معجلاً تلگرافی بلند کرد و رویتزر را بر آن داشت که بی تملل ماموری بطهران بفرستد دوسه ماهی طول نکشد که پس رویتزر باجیبی پراز بلیطهای بانگ انگلیس بدارالخلافت رسید سفارت انگلیس برای اینکه پادشاه و رجال دولتیخواه ایران را سوء ظنی حاصل نشود بر حسب ظاهر او را نیز برفت انگلیسها چندی بود بکنوع سرافخانه باسم بانگ شرقی در تهران دایر و برقرار کرده بودند شخص مودب و خوشروئی موسوم به دونیل را در آن بانگ ریاست داده و دو قیل مردزیرکی بود با شروط خیلی آسان بمردم کرسنه و گدای تهران از رجال دولت و کسبه و اعیان پول قرض میداد و مردم از این بانگ نهایت خورسند و راضی بودند پس رویتز بعد از ورود بتهران و ملاقات با دکتور طلووزان و غیره عریضه بحضور همایون عرض و انجام و تمام کار گذشته را استعفا نمود.

اعلیحضرت شاهنشاهی زاید الوصف تعجب کردند که قریب ۱۷ سال از این مقدمه میگذرد و در این مدت هیچ حرفی از رویتزر شنیده نشده مگر بعد از مراجعت موبک اقدس از سفر اول قرنک رویتزر چند بار پروتست کرد و از دولت ایران شکایت نمود جوابهای سخت از دولت انگلیس شنید حالا چه شده که باز شیر یاد هندوستان کرده

۱ - مرحوم محمد قزوینی در مجله یادگار راجع با اعتماد السلطنه مینویسد.

محمد حسنخان مقدم پسر حاجی علیخان مقدم مراغه ای ملقب سابقاً بصنیع الدوله مترجم مخصوص ناصر الدینشاه و وزیر انطباعات در دوره آن پادشاه صاحب تالیفات کثیره منسوب باو که در حقیقت جمیع آنها (با-تثنای یکی دواز آنها که از جمله کتاب خلسه اوست) تألیف دیگران است و این امری است که در عصر ما مستفیض بلکه اجماعی است و شاید بعد از ما خلاف آئیه گمان کنند که از خود اوست پدرش حاجی علیخان از جمله میر غضبان ناصر الدینشاه بود و هم اوست که مامور قتل امیر کبیر میرزا قاسمی خان گردید و همچنین گویا ماهور قتل باب در تبریز بود یعنی حکم قتل را او از طهران به تبریز برده است

محمد حسنخان اعتماد السلطنه در ۱۴ حمل یعنی روز بعد از سیزده نوروز سال ۱۳۱۳ هجری قمری مطابق نوزدهم شوال فجأة در گذشت. وفات او قریب یکماه قدری کمتر قبل از قتل ناصر الدینشاه بود که در ۱۳ ذی القعدة سال ۱۳۱۳ قمری رخ داد.

اعتماد السلطنه در کتاب خلسه (خوابنامه) از زبان بعضی رجال معروف دوره قاجاریه شمه ای از اقدامات

و کارهای خلاف آنها را بیان میکند.

ملکم خان ارمنی وزیر مختار ایران در لندن چون ابتدا یعنی وقت دادن امتیاز بر وتر مبلغها از او رشوه گرفته بود این دفعه هم که پسر رویتزر بطهران می آمد برای آنکه پشت بند برای خود درست کند باز باوجهی سیل ملکم را چرب کرد آن ارمنی آبتن هم نوشتجات زیادی از لندن بیاتخت ایران فرستاد که دولت انگلیس چنین و چنان میگوید و مطالب چندناظرهار مینماید و در باب حقوق ثابت رویتزر جدا استادکی دارد بیطرفی ظاهری من و حیل و لف و سوسه سایر وزراء بواسطه پسر رویتزر اعلیحضرت پادشاه را بر آن داشت که حکم با انعقاد مجلس فرمایند و اینمطلب را در مجلس مذاکره نمایند و چو اینکه لازم است به پسر رویتزر بدهند از خوشبختی های من بر سن دلقور کی سفیر روس هم وقتاً مرخصی حاصل کرده به بطرز بورغ رفته از جانب دولت خود جوان بی حال و بی قابلیت که هم مقهور خیالات زنانه حیل گر خود گردیده و هم دچار دسایس غری صاحب مترجم سفارت روس که سمت شازردا فری دولت مجزی الیهارا در تهران داشت حکیم طولووزان را هم باغری صاحب سابقه مودتی بود میدانست که او در مسئله پول حریص است شبی دوست قدیم خود را با پسر رویتزر دعوت کرد شامی خوردند شامینی زدند سکوت موقتی دولت روس را در مسئله رویتزر باغری صاحب در همان مجلس بمبلغی نقدی خریدند اما معین و معلوم شد که این بیع و شری بچند صورت گرفت خلاصه مجلس شورای ملی هم بحکم همایونی منتهی شد و اشخاص مسطور ذیل اجزاء آن بودند.

(نایب السلطنه) (عضد الملک) (صاحب دیوان) (مشیر الدوله) (امین الدوله) (مخبر الدوله) (قوام الدوله) (امین حضور) (اقبال الملک) (حکیم الممالک) (اعتماد السلطنه نویسنده این سطور) و خود چاکر رومیام (امین السلطان) (۱) هنوز گفتگویی در مجلس نشده بود که اعلیحضرت شاهنشاهی ورود فرموده نظقی در افتتاح ایراد فرمودند که

۱- اعتماد السلطنه در جای دیگر اعضاء این مجلس را چنین معرفی میکند

«رئیس این هیئت نایب السلطنه شاهنشاه زاده است متصف بصفات ظاهری و باطنی از اسنه خارجه زبان آلمانی و فرانسه میداند درزن پرستی و شاهد بازی سرآمد روز کار خود است و باهر مردی که معاشرت کند او را بدرجه سرهنگی یاسر تیبی میرساند.

امین الدوله میرزا علیخان مردی دانا و ماهر در کلیه اموزات در پلتیک نسبت بمملک خان ارمنی شاگردی دارد گرچه خود ملکم حاکم بی عمل و زبیر بی صل است در صورتیکه متصف است بصفات زبیله پلتیک دانی او را انکار نمیتوان کرد در وقتی که غرض و مرض نداشته باشد راهنمای ماهر است اما چون پای قایده و تصور بعضی منافع به میان آمد علمش نیز چون عملش هیچ میشود.

سوم عضد الملک علیرضاخان است از منسوبان پادشاه است خوشبخت و مال دار درخت و اساک باعلی درجه اشتها اما متدین و ظاهر اصلاح و پاک فطرت و پاکیزه سیرت در راه خدمت پادشاه از بذل جان و مال عزیز مضایقه ندارد صرف در راه خدا و خداوند پرستی میسپارد بتمام معنی شخص نازنینی است.

اما عامی و بیسطاست در بیسوادی و بی خبری بدرجه افراط و تفریط - متشرعی است که نه اصول میداند نه فهم مسائل فروع میتواند حتی قرآن و دعا را غلط میخواند.

از پلتیک و علم روابط خارجی بی بهره است و بی اطلاع فقط دلش باین خوش است که مردم باو احترام زیاد نمایند و ویرا بیزرگی و شأن بستانند.

چهارم - میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان است که مال و مکننت بی حساب دارد تنها کوآ بلیجوی معطر شیراز خاصه شراب خطر که هوش از سر مهرت و کھتر میر باید شال کشمیری وزیر جعفری میدهد و هر چه میخواهد میگیرد خردان و خانه اش نیز آراسته و گسترده است هفتاد سال عمر خود را در حکومت و ماموریتهای بزرگ گذرانده.

پنجم - میرزا عباسخان قوام الدوله در محاسبه و ستوان و جواب باحکام مهارت و سررشته دارد لیکن طبع لثیم و نفس خسیس طوری او زاریت کرده که ابداً قابل اتنا نمی باشد زنده است و هست اما چنان است که نیست هر قدر پیرتر می شود بر خست و لثامش می افزاید طمعش نیز از کرامت حضرت مرتضی علی زیادتر میباشد هر روز رو به

بقیه در حاشیه صفحه بعد



از اول خلعت آدم تا کنون هیچ پادشاهی مستقل چنین عبارات بر زبان نیاورده بلکه روسای ملل جمهور هم این قسم تقریرات ننموده پادشاه کار آگاه فرمودند شمارا امروز برای این مطلب باین مجلس احضار فرموده‌ام که گوش به عرایض روتر بدهید به بینید چه میگوید ذبح است یا برحق اگر حق دارد چاره چیست و اگر حق ندارد جواب شافی صریح باو بدهید مخصوصا بهر یک از شماها میسارم که عداوت و غرضی هم که باهم دارید کنار بگذارید فقط صرف دولت و منفعت طایفه ملت را منظور و ملحوظ دارید طوری کنید که بعد از ده سال دیگر بیوه زنان ایران بمن که پادشاه شما هستم نفرین نکنند و پیرمردها لعنت ننمایند.

بقیه از حاشیه صفحه قبل

تراپداست و حرصش همواره در تصاعد از چنین کسی هیچکس را باک نیست

ششم - یحیی خان مشیرالدوله است این یحیی از یحییای نژاد در بندل از یحییای برمکی گرو مبرد امامد طمع هم آفتد علوی با غلبه دارد که دست عباس دوس به آن بلندی که میداید بدامنش نمیرسد به پرونی و زور میگیرد با برام و التماس میدهد سر نایا غلط و در یک کام سه مرحله خبط مینماید فرانسه خوب می داند و در کلیه کارها زرنگی دارد.

هفتم - علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم است که بوئی از علم بمشامش برسیده و ذائقه اش مطلقا این طعم را نچشیده برای سلطنت مستقله و مملکت مستبده چنین وزیر علومی هم لازم است از وجودش نه شری حاصل شود نه خیری مطلقا بهیچ چیز مستعد نیست می خواهد آسوده و بی دردس فارغ از زحمت و ستر در عمارت مزین خود به نشیند خوش بخورد و خوش بنوشد نرم بفتد و گرم بیوشد اندر خسته و افرمال و ما به متکاثر خود را بعیش صرف نماید نه عقب کسی برود و نه کسی دنبال او بیاید.

هشتم - میرزا محمدخان اقبال الملك او شخصی است مداهن و چاپلوس مفسد و مدبر و مفتن و مزور - نه در امور و ماموریت خارجه کاری کرده و نه در خدمات داخله راه آوردی دارد مثل او مثل خس و موج دریاست از هر طرف که او را بر دبرده

نهم - آقاقلی امین حضور است که از بی حیائی و بی تعصبی ضرب المثل است و در وفوانسانیت از هر قلیلی اقل - پایه بی شرمی رایجی بلند گذاشته و رایب بدعملی را از بالای تریا و فرقدین افراشته خیلی حالات او بشخص امین السلطان شبیه است در حقیقت برادر دینی و روحانی اوست.

دهم - میرزا علیقلی حکیم الممالک پسر حاجی اسمعیل جدید الاسلام است او مردی است طیب و امینی و حبیب رفیق شفیق مهربان نزدیک بدل و خوش زبان چنانکه در تملق و مداهنه مشهور است و اسمش در طومار خوش آمد گویان مذکور برای خدمتگذاری هر کسی از اعلی تا ادنی و برای هر خدمت از علیا تا سفلی حاضر است از چاروب کس تارتبه امارت و مقام سدارت هر چه باو رجوع شود حرفی ندارد و انکار را بوجهی می گذارد دشمن ترین مردم بشخص وی خود اوست چه از بی مبالائی کارش بقدری تو در تو است که با مواجب گزاف و دخل کلی هرگز نشده که چیزی داشته باشد در تحصیل نمود در هر راه میدود و هر کاری میکند با وجود اغلب گرسنه و بیرشان است احتیاج او را بکردن کارهای ناشایسته و امیدارد از بیچارگی برخلاف خود و رسم انسانیت راه می رود هر بیوه زنی متمولی را برای خوردن مال خواستگار است و هر چه بتیم و بیمار بسا مکنتی را پدر و پرستار.

یازدهم - اعتماد السلطنه محمد حسن خان دارای همان صفات است که معاویه در تعریف عبدالله بن زبیر به پسرید گوهر خود زبید پلید بیان کرده و گفته مثل رویاه فرار میکند و مثل شیر حمله مینماید.

دوازدهم - امین السلطان نمیدانم طاعون مصرش خوانم یا و بای هند بلائی بود که بجان دولت و ملت افتاد و ایران را بیاد فناداد جامع تمام رذائل و فاقد کلیه فضائل است.

من شمارا در حل و عقد این کار امین و مضار نمودم شما هر یک مسئول هستید مجبور نیستید که همین امروز جواب بدهید و رای خود را ظاهر کنید مسئله مهم است عجله لازم نیست امروز تفصیل بشنوید درست بخاطر نگاه دارید بخانهای خود که رفتید بادوستان و آشنایان بلکه با باقال و عطار سر مرحله خود در این باب سؤال و جواب و مشاوره نمائید پس از اینکه خیالات پخته شد هر چند بنظر تان آمد بنویسید و او را مستوره را ده پانزده روز دیگر با خود باینجا بیاورید و بمجمع ارائه دهید تا صبح از سقیم جدا شود. مسئله بدرستی حل گردد اعلیحضرت همایونی بعد از تقریر این خطابه شاهانه مراجعت فرمودند

اجزای مجلس شوری در اطاق آبدار خانه که منزل رسمی من بود جمع شدند من با وجودشان سدارت و کمال قیدی که در باطن دارم ظاهرا در نظر شاهنشاه همیشه خود را رئیس آبدارخانه بخرج میدهم در سفر و حضر هرگز این محل را ترک نمیکند اما باین اظهار بی قیدی از تمام صدور ماضیه حتی میرزا قلیخان بیشتر توقع خدمت و ادب از مردم دارم چنانکه هر یک از ارکان دولت از دخول و خروج به من تعظیم نکنند در همان مجلس آنها را بی آبرو و خفیف میکنم و به منشی های خود دستور دادم که بمردم عموما اعلان و اعلام نمایند که در عنوانات و مراسلات به من همان نویسند که بحضرت ولیعهد و نایب السلطنه می نویسند اما مجلس شوری در باب انجام کار رو تر قبل از همه من پاکتی از کیف خود در آورده پیش از آنکه نوشتجات را بحضار نشان دهم مختصر تقریری کرده گفتم بر تمام اهل مجلس معلوم باشد که من در این کار مطلقا و اصلا مداخله ندارم بکلی بی غرض و بی طرفم اوقاتی که در چارچود بودم پسر روتر بتوسط حکیمباشی طلوزان عریضه ای بخاکبای همایونی ایصال و استدعای اتمام کار گذشته اند خود را نمود عریضه آن اینست که می بینید و ادعایش درس امتیاز راه آهن است صورت حساب با عریضه فرستاده و میلی را که بجهت امتیاز خرج کرده و بمصرف لوازم اسباب راه آهن رسانیده و آنچه را که بمردم تعارف و تکلف داده در آن معین ساخته آن مبالغه را هم که داده حساب کرده و بر اصل افزوده است موافق این صورت دولت ایران فریب یک کرور تومان پول این مملکت به روتر مقروض است باید تنخواه و طلب او را داد و سندی که در دست دارد از او گرفت و باطل نمود و نابود ساخت در صورتیکه دولت ایران برای این طلب و وجه خسارت روتر حاضر نباشد خود روتر چاره دیگری بدست آورده و فکر کرده که برای دولت ایران سنگینی و سختی ندارد بلکه فایده و منفعت عاجل هم دارد و آن فکر و چاره این است که باو اجازه داده شود بانکی در ایران دایر نماید اگر این امتیاز باو داده شود امتیاز نامه اولی خود را که سند دعاوی او است بدون اینکه مطالبه دیناری کند رد مینماید و سلب هر نوع حقوق خود را نوشته میدهد بلکه میلی بعنوان مسئله تقدیم خواهد نمود بانکی که میخواهد دایر نماید آنرا بانک امیراطوری ایران مینامند فصول شرایط آنرا هم نوشته ملاحظه فرمائید آراء بر هر چه قرار گرفت بحضور شاهنشاه معروض دارید تا امر اعلی صادر شود

مقصود این است که من در این کار ملاحظه ندارم فقط حامل نوشتجات پسر روتر و مبلغ امر همایون هستم پاکت نوشتجات را یحیی خان مشیر الدوله گشوده آنها که بزبان فرانسه نوشته بود خود نگاهداشت و فارسیها یعنی ترجمه آنها را به میرزا علیخان امین الدوله داد مشغول خواندن گردید و مشیر الدوله باصل آن که بزبان فرانسه بود مقابله و تطبیق نمود باقی اهل مجلس نشسته و هیچ نمیگفتند تا قرائت قرار نامه بانک بانجام رسید و نوبت اظهار رای شد از حضار آنها که چیزی از مسائل بانک و ثروت ملت نمی فهمیدند و از این علم بهره نداشتند بعضی خرافات که ابتدا ربطی نداشت بهم باقتند برخی که اندک باخبر بودند چون پسر روتر بلا واسطه یا مع الواسطه یا بوسیله حکیم طلوزان با آنها وعده کرده و آنها را بطمع انداخته بودند به تمجید پرداختند گفتند برای دفع شر روتر بهتر از امضای امتیاز نامه بانک چیزی بنظر نمیاید اعتماد السلطنه گفت اولاً باید دانست که ترجمه این قرار نامه باصل مطابق است یا نیست زیرا در جزئی تفاوت و اختلاف ترجمه باصل بسیار اتفاق افتاده که خسارت کلی وارد آمده زبان ما چندان بسطی ندارد و ایجاد لغات مخصوص هنوز ننموده ایم خوب.

است ابتدا ترجمه را باصل استکتاب نمائیم چنانکه اعلیحضرت فرمودند هر یک از حضار نسخه از آن یا خود بمثل  
 ببرد و در خانه بقرائت فقرات آنرا ملاحظه کند و مطالب آنرا بسنجد بعد هفته آئینه باز جمع شده هر کس را  
 هر چه بنظر آمده در مجلس اظهار نماید بر حسب اتفاق روزی چند بود که من بظاهر اظهار لطف با اعتماد السلطنه  
 مینمودم بعد از آنکه این حرف را از او شنیده زائدالوصف از او رنجیدم و پشیمان شدم که چرا او را باین مجلس  
 راه دادم بتصور اینکه چون قبل از وقت او را از منظور مقصود خود خبر نداده بودم خیلی ملالت حاصل نمودم  
 نظرها تصدیق قول او را کردم قرار شد تمام نوشتهجات را از اصل و ترجمه در آن روز که پنجشنبه بود با اعتماد السلطنه  
 بدهم او ببرد و مقابله و تطبیق و تصفیه نماید و صبح شنبه بمجلس بیادورد در همان روز بعد از خوردن ناهار  
 بازمجلس منعقد شد اعتماد السلطنه گفت مطلبی که صبح در اینجا مطرح و مذاکره کردید دو فقره بود یکی آنکه  
 به بنیام روتر حق مطالبه خسارت امتیازنامه ۱۷ سال قبل را دارد یا ندارد؟  
 فقره ثانی این است که باصل ترجمه و شرایط قرار نامه او رسیدگی شود و بوجه صحیحی دولت از  
 این مخمصه فارغ گردد و ما اصل کار را کنار گذاشته خود را مشغول فرغ مینمائیم و این کار ظاهرا صحیح نباشد  
 نایب السلطنه فرمود من پسر شام و هیچکاری باین کارها ندارم بلکه حضور من در این مجلس لازم نبود تکلیف  
 حاضرین است که در مسائل مشکلیه دقت کنند رای و عیده خود را به پیشگاه همایونی معروض دارند هر طور میل  
 و رای انور اقتضا کند من تابع و مطیعم و از خود رای مخصوصی ندارم صاحب دیوان گفت ما بمطالب امتیازنامه اولی  
 مربوط نیستیم پس باوجود بی خبری چگونه میتوانیم رای بدهیم و عرضی در این باب بکنیم چه میدانیم چه بوده  
 وجه شده امین الدوله در کشف این مطلب و حل این مسئله تقریبا یکساعت حرف زد خلاصه گفتار او این است.  
 در زمان صدورت میرزا حسینخان امتیاز راه آهن برور داده بودند بعد از مراجعت از فرنگ که وقت و موقع اجرای  
 آن امتیازنامه بود چون مردم برضد میرزا حسین خان شورش نمودند علماء و مجتهدین در فرسخ و بسخ این امتیازنامه  
 مصر شدند در منجیل از منازل کیلان حسنعلی خان که آنوقت وزیر فواید بود تلگرافی برور کرد که چون از  
 موعد اجرای فصول امتیازنامه شما گذشته و هنوز اقدام جدی از طرف شما نشده دولت ایران آن امتیازنامه را  
 باطل میدانند از آنجا که در فرنگ رسم و معمول است امور متعلقه بطریق و شوارع هر سؤال و جوابی دارد با وزیر  
 فواید است او دخالت مینماید تلگراف مزبور را حسنعلی خان وزیر فواید برور مخایره کرد اما افسوس که از طرف  
 دیگر عیب بهم رسانید یعنی عملیات ایرانی بدستور العمل معلمین و چند نفر صاحب منصب انگلیسی در آن حوالی  
 نیم فرسخ از جنکله را بریده و راهی مسطرم کرده بودند و آنها از روتر رشوه گرفته تملیس نمودند در دوسه روز توقف  
 رشت به تقریبی بندگان همایونی را بحوالی آن نیم فرسخ از جنکله برده و میرزا حسینخان که هنوز خود را از  
 صدارت معزول نمیدانست بواسطه پنجاه هزار لیره دیگر تلگرافی برور زده او را تبریک از شروع شدن کار او  
 گفت و اظهار داشت که بندگان شاهنشاهی شخصا با تشریفات سلطنتی بپس کار رفته و خیلی تمجید فرمودند تلگراف  
 صدر اعظم مشعر بر اجرای امتیازنامه روتر و تلگراف وزیر فواید در انکار شروع شدن کار بفاصله چهار روز در  
 لندن برور رسید و از آنجا که روتر بحسب ظاهر شروع بکار نموده و از صدراعظم ایران هم سندی در دست داشت لهذا  
 معین است تلگراف حسنعلیخان وزیر فواید خالی از اهمیت مینمود لهداروت همان وقت در روزنامه های انگلیس  
 پروتست کرد که من مبلغها خرج کرده ام و شروع بکار نموده سند صحیحی که مصدق من است از شخص اول دولت  
 دارم حالا یکی از وزرای نمره سوم ایران که وزیر فواید است چنین تلگرافی بمن مینماید پروتست روتر را ابتدا  
 تمام اهالی انگلیس صحیح و درست دانستند و او را محق شمردند در همه روزنامه های انگلیس نوشتند دولت ایران یا باید  
 امتیازنامه را بآن روتر را معتبر بداند و در اجرای فصول آن امتیازنامه کار خود با او همراهی نماید و یا باید مبلغی  
 را که او خرج کرده بمانفع آن مسترد کند و امتیازنامه خود را بگیرد این روزنامهها بتواتر بطهران رسید بعضی از نظر  
 همایون گذشت و برخی را ملاحظه فرمودند سفارت انگلیس هم در آنوقت بواسطه تغییر صدارت و شورش اهالی و علماء  
 دانست صلاح در تصویب روتر نیست .

یک دو ساله از این مقدمه گذشت ماموری که همیشه از جانب روتر در طهران بود رسالی هفت هشت هزار  
 تومان از او موجب دریافت مینمود بهر مجلس و محفلی ورود میکرد اول حرف پروتست و دادخواهی روتر بود بیشتر  
 از پنجاه مرتبه این تفصیل بمرن حضور مبارک شاهنشاهی رسید و من خودم که امین الدوله هشتم چندین بار گفتم کار  
 روتر را باید یکطرفی کرد سهل و معوق نباید گذاشت از آنجا که تعلق و مشارکاتی یکی از کوزک کازهای میرزا حسینخان  
 بود هر وقت بندگان همایون چیزی در این باب باو میفرمودند او هر دو دست را بسینه گذاشته عرض مینمود خاطر  
 مبارک در مسئله روتر آسوده باشد و هیچ از این فقره چیزی نفرمایند طرف روتر مطالب خود را به پارلمان انگلیس عرض و رجوع  
 کرده اجرای پارلمنت صورت امتیازنامه را خواسته و بدقت ملاحظه کردند دیدند روتر فی الحقیقه دولت را فریب داده  
 این بود که جمعی از معتبرین رجال دولت انگلیس از اجرای پارلمان مثل لرد دربی و غیره گفتند دولت و ملت ایران  
 در امضای این قراردادها متهاقی بلاهت را داشته چون کوزی که هیچ نمیبند و کوزی که هیچ نشود این تصدیق اجرای  
 پارلمنت سبب شد که پروتست روتر در انگلیس فایده نیشید و مایوس صرف گردید ماموری که در طهران داشت و  
 هر سال مبلغی بامیداد بلندن طلبیده و از خیال افتاد اینک و سال است که حرفی در اینباب زده نمیشود دیگر این  
 ایام که مطلب را تجدید نموده اند من جهة این تجدید را نمی دانم .

حرف امین الدوله باینجا ختم شد بازمین سخن آمده گفتم اگر چه من فرنگ را ندیده و معرفتی در حق  
 فرنگیها ندارم اما از قراریکه چند نفر بمن گفته اند رسم و عادت انگلیسیها این است که در مطالبه حقوق خود  
 عجله نمینمایند سایرین میدانند با آن قوت کامانی که آنها دارند هر وقت باشد حق ثابت خود را دریافت میکنند  
 بلکه منافع آنرا هم میگیرند قرضا که حالا هم جواب سریع بهیتر روتر ندهید و او بی نیل مرام بلندن مراجعت  
 کند باز پس از چندی بتجدید مطلب و طرح مسئله خواهد پرداخت و شمارا برحمت خواهد انداخت ادعای روتر باخگری  
 ماند که زیر خاکستر باشد بمجرد وزیدن مختصر بادی روح آن باز نشد شطه می کشد حضار همه تصدیق کردند .

اعتماد السلطنه گفت چه ضرر دارد ما بدانیم این مبلغی را که روتر اصلا و قرا مطالبه میکند صرف  
 چه کرده جواب دادند پنجاه هزار لیره میرزا حسینخان صدر اعظم گرفته همینطورها هم میرزا ملکم خان بیست  
 هزار لیره حاجی محسنخان معین الملک بیست هزار لیره منیر الدوله حاضر مبلغی هم اقبال الملک حاضر مبلغی هم  
 مردم دیگر که دست اندر کار بودند مختصر قریب دوست هزار لیره تعارف داده است و یکصد هزار لیره هم خرج کرده  
 اعتماد السلطنه گفت از میرزا حسین خان مکنت زیادی مخلف مانده آنچه از روتر گرفته و روزه پس بدهند  
 سایرین هم که این رشوه را خورده اند و حاضرند رد کنند باقی را دولت در ظرف چهل پنجاه سال به قسط بپردازد  
 کلا کار روتر کشنده میشود من از این حرف خیلی بدم آمد و متحیر الدوله و اقبال الملک و بعضی از حضار دیگر که  
 حضور داشتند نیز هیچ خوششان نیامد و همه در مخالفت با اعتماد السلطنه با من موافقت کردند و به همین حال آنروز  
 مجلس بهم خورد .

روز شنبه باز مجلس منعقد شد اعتماد السلطنه ترجمه قرارنامه روتر را صحیح و بااصل مطابق کرده به  
 مجمع اظهار داشت چون در این ترجمه راه هر نوع تملیس بسته شده بود ما علی الظاهر هیچ نکفتم و در باطن  
 همان ترجمه اولی را که میرزا نظام مهندس الممالک کرده و سرا پا غلط بود چنانکه بعد از تطبیق و نتر آن عالم  
 و عامی بسدا در آمدند و گفتند ما هیچیک از مطالب این اعتبار را ندانستیم و نفهمیدیم ماخذ قرار دادیم  
 مختصرا ما در همان مجلس قرار نامه را مهر کردیم و عاجلا بامضای همایونی رسانیدیم و بانگی در ایران  
 ایجاد کردیم که هیچ خائنی ایجاد نمیکرد و وزیر این بار معیرت حقیقتا ماشوکت و ثروت و سرمایه دولت و رعیت  
 را محضا الشیطان باو دادیم و از آنروز کمر عداوت با اعتماد السلطنه را جدا بیمان بستم و من قسم خوردم تا او را بخاک  
 سیاه نشانم دست از سرش برنهد زیرا در این خیال این شخص را با خود شد و مخالف دیدم و بس نمیدانم اگر  
 پیش از این او را دیده و با او گفتگو کرده بایبغام داده بودم که من در این فقره حاضر مبلغی از پسر روتر برای  
 تو میگیرم طمع پول و میل سازش با من او را ساکت میکرد یانه در هر حال ضدیت او با من مرا دشمن ابدی وی  
 ساخت خلاصه چون بانک سر گرفت من روانه سفیر انگلیس بمصود خود لائل شدیم .

### امضای امتیازنامه بانك

بالاخره بعد از مذاکرات مفصل متن امتیازنامه بانك شاهنشاهی برای امضاء حاضر می شود ولی قبل از مبادله آن ناصرالدینشاه توسط امین السلطان از سر هنری درو مندولف وزیر مختار انگلیس و جرج رویتر حل چند مسئله رامیخواهد که مهمتر از همه یکی تعهد پرداخت یکصد هزار تومان (چهل هزار لیره انگلیسی) و ام بود که برای مخارج سفار اروپا نهایت ضرورت را داشت و دیگر تعهد اشتداد هین اصل امتیازنامه ۱۸۷۲ رویتر که مدت ۱۷ سال وسیله ادعا و اعتراض انگلیسها بر دولت ایران بود.

این نظرها با نوشتن چند تعهدنامه بعنوان منضات و ملحقات امتیازنامه بانك شاهنشاهی تامین میگردد. نوشته های مزبور که تاریخ امضای آنها ۲۷ روز قبل از تاریخ امضای متن امتیازنامه میباشد بشرح ذیل است.

«امضاءکننده ذیل متعهد میشود مبلغ چهل هزار لیره انگلیزی فوراً بورود خودش بلندن»  
 «بعضو اعلیحضرت اقدس همایونی کارسازی نماید در صورتیکه بتوسط حکم دولت علیه»  
 «ایران و بتوسط جناب جلالتمآب محسن خان اختیار لازمه از برای بیرون آوردن مبلغ مذکور»  
 «از بانك انگلستان بدستش بیاید چنانچه در شرط ملحقیه ذکر شد»  
 «تسلیم این مبلغ بعضو اعلی حضرت اقدس همایونی بواسطه حواله تلگرافی از طرف»  
 «امضاءکننده ذیل بیکسی از تجار که اعلیحضرت اقدس همایونی معین خواهند فرمود»  
 «خواهد شد»

«تحریر ادرطهران بتاريخ سیم جانویه هزار و هشتصد و هشتاد و نه ۱۸۸۹ (محل امضاء و مهر جارج دورویتر)»

«در حضور من امضاء شد (محل مهر و امضاء هنری درامندولف ایلیچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل مهر سفارت انگلیس)»  
 «فصل ملحقیه امتیاز بانك شاهنشاهی نمره یک»  
 «امضاءکننده ذیل متعهد میشود اصل امتیازیکه بیارون جولوس دورویتر»  
 «بتاریخ بیست و پنجم جولیه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و دو مرحمت شده در طرف ده»  
 «روز بعد از ورود خودش بلندن بوزیر امور خارجه انگلیز تسلیم نماید»

«این نوشته با اسم نماینده اعلیحضرت پادشاه انگلیز در طهران عنوان خواهد شد»  
 «و جناب معزالیه متقبل میشود که نوشته مزبور را بدولت علیه ایران تسلیم نماید»  
 «تحریر ادر طهران بتاريخ سیم جانویه هزار و هشتصد و هشتاد و نه ۱۸۸۹ (محل امضاء و مهر جارج دورویتر)»

«امضاء شده است در حضور من (محل مهر و امضاء هنری درامندولف ایلیچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل مهر سفارت انگلیس)»

«فصل ملحقیه نمره دویم»  
 «مقرر است که بانك شاهنشاهی موجب مامور مخصوص مذکور در فصل چهارم»

«این امتیاز را بدولت علیه ایران ادا نماید. این موجب مذکور که عبارت است»  
 «از سه هزار تومان در آخر هر سال مالیه یعنی در بیستم مارس بانك بیاید»  
 «کارسازی نماید»

«تحریر ادر طهران مورخه سیم جانویه هزار و هشتصد و هشتاد و نه ۱۸۸۹ (محل مهر و امضاء جارج دورویتر)»

«در حضور من امضاء شد (محل مهر و امضاء هنری درامندولف ایلیچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل مهر سفارت انگلیس)»  
 «فصل ملحقیه نمره سیم»

«واضح و معلوم می باشد که وجه الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که بموجب فصل هشتم امتیازنامه باید بدولت علیه ایران داده شود تسلیم بندگان اعلیحضرت اقدس»  
 «شهریاری خواهد گردید - این تنخواه برای بندگان اعلیحضرت همایونی قرض»  
 «دو کرور فرانك یعنی چهل هزار لیره خواهد بود که در فصل ششم ذکر شده و باین»  
 «نحو از پیش تسلیمش وقوع بهم میرساند بناء علیه فردای روز تشکیل بانك بندگان»  
 «اعلیحضرت اقدس شهریاری بعوض اینکه از برای دولتشان قرض مذکور دو کرور»  
 «فرانك قید شده در فصل ششم را بخواهند بدبرهای بانك شاهنشاهی امر خواهند»  
 «فرمود که این مبلغ را چون رد وجه الضمانه بیارون ژولیوس رویتر بدهند این مضاف»  
 «همان اعتبار را خواهد داشت که هر گاه کلمه بکلمه در خود امتیازنامه چه»  
 «درج شده می بود»

«محل امضاء جارج دورویتر»

«در حضور من امضاء شد (محل امضاء و مهر هنری درامندولف ایلیچی مخصوص و وزیر مختار اعلی حضرت پادشاه انگلیز)»

«در یک هزار و هشتصد و هشتاد و نه در دارالخلافه طهران قلمی گردید»  
 «پس از امضای این تعهدات از طرف ژرژ رویتر امتیازنامه بانك شاهنشاهی که در چهارده فصل تهیه شده بود با امضاء میرسد و بین طرفین مبادله میگردد»

«امتیازنامه چه»

بانك شاهنشاهی ایران

«مقدمه - اشکالاتی که مدتها بین دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و»  
 «بارن ژولیوس رتر معلق بودند چون آخر الامر برطرف گردیدند و امتیازنامه چه»  
 «که بیارون ژولیوس رتر مذکور در بیست و پنجم ژوئیه ماه یک هزار و هشتصد و هفتاد»  
 «و دو عیسوی عطا شده بود چون معدوم گردید با اتفاق طرفین مراتب مفصله»  
 «ذیل بر قرار شدند»

«فصل اول - امتیازنامه چه - بموجب این امتیازنامه دولت بندگان اعلیحضرت»  
 «اقدس شهریاری بیارون ژولیوس رتر و بشرکاء با عاملین اودر مملکت ایران حق»  
 «احداث يك بانك دولتی موسوم بانك شاهنشاهی ایران می دهد»



صفحه اول امتیاز نامه بانک شاهنشاهی ایران

- » مدت - حق مزبور برای مدت شصت سال ابتداء از تاریخ امضای این امتیازنامه»
- » بتوسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عظامی شود .
- » مرکز بانك - مركز ومقر بانك در طهران خواهد بود بانك مزبور خواهد
- » توانست در شهرهای دیگر ایران ودر خارجه شعبات برقرار سازد .
- » اقدامات مختلفه - محض بسط تجارت وازدیاد ثروت ایران بانك شاهنشاهی گذشت»
- » از اعمالی که متعلق بصرافی می باشند باخرج خود یا بخرج ثالثی اقدام در تمام کارهای»
- » محاسبه وصنعتی و تجارتي که برای این مقصود نافع بدانند خواهد کرد مشروط بر»
- » اینکه هیچیک از آن اقدامات مخالف عهدنامهها وقوانین دولت وملت ومذهب ایران»
- » نباشد وقبل از شروع اطلاع بدولت ایران داده شود .
- » تقیدات - بانك حق نخواهد داشت در قلمرو دولت علیه ایران گرو بیع شرطی »
- » قبول کند و غیر منقول از قبیل املاك و اراضی و دهات و غیرها خریداری نماید مگر»
- » اراضی که برای يك بنای کافی در طهران و شعباتش در سایر ایالات لازم میباشد ونیز»
- » قدغن اکید است که بانك مزبور بروات دولتی را که حواله باو نشده اند تنزیل کند»
- » و یا باعتبار آنها وجهی بکسی قرض بدهد .
- » فصل دوم - سرمایه بانك مبلغ دو بیست کروفرانك یعنی هشت کروفرانك انگلیسی»
- » خواهد بود لهذا تعدادی اسهام احداث خواهند شد که بانك آنها را بدفعات نشر »
- » خواهد داد هر وقت که تقبل قسمت اول سرمایه یعنی پنجاه کروفرانك یادو کروفر»
- » لیره انگلیسی امضاء شد بانك مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهد گردید محل امضای»
- » تقبل سرمایه در پایتختهای مختلفه خصوصا در طهران وبرلن ولندن و پاریس و »
- » بطرز بورغ و وینه در صورت اجازه دول متبوعه آن ممالک وضع خواهد شد .
- » اسهام باسَم حامل خواهند بود و بانك اسهام اسم دار هم میتواند نشر بدهد بانك»
- » مزبور میتواند هر وقت مفید بداند سرمایه و عدد اسهام خود را باحقاق »
- » دولت علیه زیاد کند .
- » فصل سیم - نشر بلیطهای بانك - بانك شاهنشاهی چون بانگی است دولتی حق »
- » مانع لغیر نشر بلیطهای بانك بی اسمی خواهد داشت که بمحض رویت قابل الاداء»
- » خواهند بود هرگز متجاوز از چهل کروفرانك که هشتصد هزار لیره انگلیسی»
- » باشد بلیت بانك نشر نخواهد داد مگر اینکه بدولت اطلاع بدهد .
- » برای مساعدت بسط اعتبار عامه ومحض تحدید جریان مسكوكات تقره وازدیاد »
- » نشر مسكوكات طلا بانك دولتی من حیث القاعده قبول وضع يك عیاری میکند یعنی»
- » بر تومان طلا - در مدت ده سال اول تشکیل بانك دولت بندگان اعلیحضرت شهر یاری»
- » ومدیرهای بانك بین خود قرار ومدارهای لازم را برای وصول باین مقصود خواهند»
- » داد مهندا نظر باقتضای وضع حالیه مسكوكات نشر بلیت های بانك شاهنشاهی بدوا»
- » مبلغی بر پایه قران تقره خواهند بود .

« این بلیت‌ها را تمام عمال و مأمورین دولت علیه قبول خواهند کرد و در تمام معاملات »  
 « ایران رواج خواهند داشت ولی هر آنی که بانك نتواند قیمت یکی از بلیت‌های »  
 « خود را ادا نماید نشر بلیت‌های بانك در تمام مملکت ایران منع خواهد گردید و بانك »  
 « مجبور خواهد بود که قیمت تمام بلیت‌های خود را ادا کند . »  
 « ضمانت اداء - محض اطمینان ادای بلیت‌ها بانك مزبور صریحاً مقبل میشود که »  
 « در دو سال اول ابتداء از شروع به کار اقلانصف قیمت بلیت‌های منتشر شده خود را »  
 « و پس از انقضای دو سال اقلانصف قیمت آنها را نقداً موجود داشته باشد . »  
 « تفاوت بین وجه نقد موجودی و سرجمع بلیت‌های منتشر شده توسط اسناد منقولات »  
 « و غیر منقولات متعلقه به بانك که آنها را در ایران موجود خواهد داشت ضمانت »  
 « کرده می‌شوند . »  
 « بانك شاهنشاهی مجبور است که قیمت بلیت‌های خود را به محض رویت در هر کجا »  
 « نشر شده اند ادا کند معذرت بلیت‌های شعباتش خواهند توانست در طهران اداء شوند »  
 « بلیت‌های بانك بزبان ایرانی خواهند بود و بانك نخواهد توانست بدون اذن »  
 « دولت علیه ایران بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد . »  
 « بلیت‌های بانك علامت یا مهری خواهند داشت که مبین ثبت دفتری ایران باشد »  
 « و ممضی خواهند بود بامضای يك مدیر یا مدیر و بامضای تحویلدار عمده تاسیس که »  
 « در آنجا نشر شده اند . »  
 « دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهرباری مقبل میشود که در طول مدت این »  
 « امتیاز نامه چه نوع مسکوکات کاغذی نشر ندهد و احداث هیچ بانك تأسیسی را »  
 « که صاحب این گونه امتیاز باشد اجازه ندهد . »  
 « فصل چهارم - دولت علیه ایران سرمایه بانك را ضمانت نمی‌کند و خواهد توانست »  
 « بمیل خود خریدار سهام شود و یا در خرید سهام مساعدت به خود گردد تا به حد »  
 « خمس سرمایه منظوره و یا بهیچوجه مداخلت نکند . »  
 « اداره بانك - تقسیم سرمایه با سهام و عدد و قیمت بلیت‌های بانك مطابقاً »  
 « بمدلولات فصل سیم این امتیاز نامه و نظم و نظارت بانك و تعیین روساء »  
 « و اجزاء چه در ایران و چه در خارجه و اداره کردن و جوهات بانك یا منافی »  
 « که حاصل کند یا خساراتیکه ممکن است عایدش گردد بکلی بر عهده دارای این »  
 « امتیاز و شرکاء و عمال آن خواهد بود و هر نفع و ضرری باو مدخلیت دارد . »  
 « مأمور محترم مخصوص - دولت علیه ایران مراقبت تامه خود را در بانك بتوسط »  
 « يك مأمور محترمیکه خود مین کند جاری خواهد ساخت و این مأمور حق خواهد »  
 « داشت از نظارت بانك اطلاع تحصیل کند و مواظب باشد که امورات بانك بروفق »  
 « این امتیاز نامه بگذرند مأمور مزبور هر وقت دعوت شود بر حسب تکلیف در »  
 « مجالس عمومی سهام داران و همچنین در مجالس شورای مدیران در طهران حضور »  
 « بهم خواهد رساند و نشر بلیت‌های بانك را و ارسی خواهد کرد و مواظبت تام خواهد داشت »

« که مدلولات فصل سیم این امتیاز نامه رعایت شوند و مراقبت روابط بانك با »  
 « خزانه دولت علیه بر عهده او است و نخواهد توانست در تدبیر و نظارت اعمال بانك »  
 « خود را داخل سازد و مأموریت او بهیچوجه اسباب مسئولیت دولت علیه ایران »  
 « نخواهد گردید . »  
 « فصل پنجم - حمایت دولت - چون غرض این بانك که تأسیسی است ملتی خیر »  
 « عامه و خیر دولت میباشد دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهرباری حمایت عسکریه »  
 « خود را که برای حفظ امنیت مقرر اصلی و شعباتش لازم است دریغ نخواهد داشت »  
 « دولت علیه ایران ارضی و امکنه را که برای بنای مقرر اصلی بانك و »  
 « شعباتش لازمند حتی الامکان سهل و بوجه عادلانه و حامیاً بانك خود را بین بانك و صاحبان »  
 « ارضی ثالث خواهد ساخت . »  
 « معاف بودن از مالیات - خود بانك و بناهای او و شعباتش بکلی از هر نوع عوارضات »  
 « و مالیات معاف میباشند و بهمچنین اسهام و بلیت‌ها و قروضات و بیجکها و جمیع اسنادی »  
 « که در باب امورات و داد و ستدهای او از طرف خودش صادر میشوند نیز معافند »  
 « ولی هر گاه دولت در ملك خود مالیات تمر را قرار بدهد بانك هیچ بر اقسندی را »  
 « نخواهد گرفت که تمر دولت علیه رانداشته باشد . »  
 « فصل ششم - اداره وجهیه - بانك شاهنشاهی در سهوت تأدیه جات خزانه عامره »  
 « چه در ایران و چه در خارجه کوتاهی نخواهد کرد و برای هر خدمتی که دولت علیه »  
 « با رجوع کند گماشته گان دولت و روسای بانك حقی که باید در این باب به بانك داده »  
 « شود معین خواهند نمود . »  
 « قرض دو کروفرانك - پس از تشکیل و تهیه سرمایه خود بانك شاهنشاهی تعهد »  
 « میکند که مبلغ دو کروفرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال »  
 « سالی صد شش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهرباری قرض بدهد و اصل آن تنخواه »  
 « و منافعی بموجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهرباری از بابت صد شش منافع »  
 « خلص که بر حسب فصل هفتم این امتیاز نامه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است »  
 « محسوب خواهد گردید . »  
 « پیشگی - علاوه بر آن بانك شاهنشاهی پیوسته پس از تشکیلش حاضر خواهد »  
 « بود از برای تمام وجوه پیشگی و استقرضاتی که دولت علیه لازم داشته باشد و از او »  
 « طلب نماید و در هر وجه قرار رها این آن و استقرضات بین دولت و بانك داده خواهد شد و یا »  
 « اینکه آن وجوه پیشگی یا استقرضات بمعادل خودشان يك ضمانتی خواهند بود از »  
 « برای سرجمع بلیت‌های نشر شده این وجوه پیشگی و استقرضات را دولت علیه در »  
 « رأس موعدهای مقرر اداء خواهد نمود - سرجمع تنزیلات منظم در آخر هر سال »  
 « مالیاتی ایران یعنی در آخر حوت داده خواهد شد . »  
 « ده کروفرانك - اولین این وجوه پیشگی که غیر از مبلغ دو کروفرانك »  
 « فوق الذکر میباشد تدریجی و تاده کروفرانك یعنی دوست هزار لیره انگلیسی »

«در سالی با صد هشت تنزیل خواهد بود .

«فصل هفتم - حصه منافع - در آخر هر سال مالیاتی ایران یعنی آخر حوت بانك»  
 «شاهنشاهی باید صد شش منافع خالص آن سال خود را بدولت بندگان اعلیحضرت»  
 «اقدس شهرباری بدهد و یا بجمعش بیاورد در صورتیکه حصه منافع صد شش مذکور»  
 «در يك سال کمتر از صد هزار فرانك یعنی چهار هزار لیره انگلیسی بشود بانك»  
 «مجبور است که این مبلغ را کامل نماید از اینکه کسر آنرا هر چه خواه باشد در جزء»  
 «مخارج خود محسوب بدارد و بدون اینکه حق داشته باشد وجهان الوجوه آنرا»  
 «بخرج حصه منافی که نتیجه عمل سال بعد است بیاورد .

فصل هشتم - ضمانت - وجه الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که در هزار و هشتصد»  
 «و هفتاد و دو عیسوی بارون ژولیوس ریتر در بانك انگلیس گذارده بود برای»  
 «ضمانت تشکیل بانك شاهنشاهی بدولت علیه ایران تسلیم خواهد شد فردای تشکیل»  
 «بانك دولت علیه ایران مبلغ مزبور چهل هزار لیره انگلیسی را به بارن مذکور پس»  
 «خواهد داد هر گاه ابتداء از تاریخ امضای این امتیاز نامه به توسط بندگان اعلیحضرت»  
 «اقدس شهرباری تا مدت نه ماه بانك شاهنشاهی دایر نشود وجه الضمانه مزبور»  
 «بدولت ایران منتقل خواهد شد و این امتیاز نامه معدوم و ساقط الاعتبار خواهد بود»  
 «مگر در صورتیکه بین بعضی دول بزرگ اروپا جنگی برپا شود و یا در صورتیکه دولت»  
 «ایران در آن جنگ دخالت بهم رسانند و یا در وجه هر اتفاق فوق العاده .

فصل نهم - قوانین - در حین تشکیل بانك شاهنشاهی بانیهای او قواعدی را که»  
 «بموجب آنها باید بانك دایر شود نشر خواهند داد و آن قواعد باید مطابق مدلولات»  
 «این امتیاز نامه باشند پس از تشکیل بانك قواعد مزبوره متغیر نخواهند شد مگر»  
 «بموجب قرار داد مجلس عمومی صاحبان سهام و مجلس مزبور باید در تغییراتی که»  
 «جاری میسازد حفظ و رعایت این امتیاز نامه را بنماید .

«فصل دهم - حمایت - برای جراع و حفظ حقوقیکه بموجب این امتیاز نامه داده»  
 «شده بانك مزبور در ظل حمایت بندگان اعلیحضرت شهرباری و دولتشان خواهد»  
 «بود و بانك هم متقبل میشود که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم»  
 «دانسته اطاعت نماید .

«حکمت - در صورتیکه بین دولت و بانك و یا بین بانك و سایر مردم اختلافی»  
 «ظاهر گردد هر يك از طرفین يك یادو حکم منتخب خواهند نمود و قرار داد آن حکمها»  
 «قاطع خواهد بود و در صورت عدم توافق بین حکمها آن حکمها حاکمی دیگر»  
 «منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت اطاعت خواهد شد .

«فصل یازدهم - معادن - از آنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء»  
 «تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال فدویت را بجا بیاورد»  
 «دولت علیه به بانك مزبور و در تمام مدت این امتیاز نامه مانع لغیر قطعی»  
 «میدهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن و مس و سرب و ذیق و ذغال سنگ»

«و فقط و مانگانز و بورق و آمیان را که متعلق بدیوان میباشد و قبل از وقت بدیگران»  
 «و اگذار نشده اند دایر نماید .

«چون مصادف این امتیاز نامه دولت علیه ایران در روز امضای این امتیاز نامه»  
 «به بارون ژولیوس ریتر صورت رسمی معادنی را خواهد داد که قبل از وقت بدیگران»  
 «داده شده اند - معادن طلا و نقره و جواهریات و آنت فلزاتی که در فوق ذکر»  
 «نشده اند متعلق بدیوان میباشد لاغیر و مهندسین بانك که آنها را کشف کنند مجبورند»  
 «فوراً کشف آنها را بدولت بندگان اعلیحضرت شهرباری اطلاع بدهند .

«دست مزد - غیر از مهندسین و سرکارهائیکه ضروری میباشد تمام عماله جات»  
 «معدنی که برای دایر نمودن معادنش بانك اجیر نماید از میان تبعه بندگان اعلیحضرت»  
 «اقدس شهرباری منتخب خواهند شد .

«دولت علیه ایران به تمام وسائلی که در دست دارد بانك را اعانت خواهد کرد از»  
 «اینکه دست مزد عماله جات لازمه به نرخ عادله وقت برایش میسر شود .

«تمام معادنیکه بانك ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها»  
 «نموده باشد مثل این ملاحظه خواهند شد که بانك مزبور صرف نظر از آنها»  
 «نموده است و دولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه بانك»  
 «صاحب امتیاز بتواند مانع شود .

«فصل دوازدهم - اراضی مجانی - اراضی که برای دایر نمودن آن معادن و برای»  
 «ساختن يك راه مروده با طرق حمل و نقل اقرب یا سریع لازم میباشد آنچه متعلق»  
 «بدیوان است از جانب دولت علیه مجاناً به بانك داده خواهد شد هر گاه در ممبر این»  
 «راه مروده املاکی یافت شوند متعلق به اشخاص متفرقه دولت علیه ایران بانك»  
 «را در خرید آن املاک از صاحبانش به تمام وسائلی که در دست دارد اعانت»  
 «خواهد نمود .

«معاف از خراج - ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن بخاک ایران داخل خواهند»  
 «شد بدون اینکه هیچ حقی بدهند اراضی و ابنیه متعلقه به آن اداره جات معدنی معاف»  
 «از هر مالیات و عوارضی خواهند بود .

«فصل سیزدهم - منفعت دولت - از منافع خالص تمام معادنیکه بانك دولتی دایر»  
 «نموده است دولت علیه ایران سالی شانزده درصدش را اخذ خواهد نمود .

«رجعت بدولت - در اقتضای مدت این امتیاز نامه اراضی معادن با ابنیه آنها و»  
 «ادوات و متعلقات بدولت علیه ایران تعلق خواهند گرفت موافق قوانین کلیه که دول»  
 «آنرا معمول داشته اند و در این باب شرایط بسیار مساعد را برقرار ساخته اند .

«فصل چهاردهم - صرف نظر از حقوق سابقه - بازای حقوقیکه بموجب این امتیاز»  
 «نامه به بارون ژولیوس ریتر و اگذار شده اند بارن مذکور صریحاً اقرار بر ترك»  
 «کامل بلا استناد تمام حقوق و امتیازاتی را مینماید که بر حسب امتیاز نامه قدیم مورخه»  
 «بیست و پنجم ژوئیه ماه یک هزار و هشتصد و هفتاد و دو عیسوی که بتوسط این شروط»

این قرارداد در تاریخ ۱۳۰۶ هجری قمری در تهران منعقد گردید و در آن دو نسخه یکی به قبول وصحه «مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شهرباری و بمهر وزارت امور خارجه رسیده و دیگری را مسیو بارن جرج ریتر از جانب مسیو بارن ژولیوس ریتر امضاء کرده در «بیست و هفتم جمادی الاول یکهزار و سیصد و شش هجری مطابق سی ام ژانویه یکهزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی مبادله شدند .

در حضور من امضاء شده (محل امضاء هنری درامندولف ایلچی مخصوص وزیر «مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس بحضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران) (محل مهر سفارت انگلیس)» (۱)

اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصرالدینشاه که همیشه متمایل سیاست روسها بود قبل از آنکه امتیاز نامه بامضاء برسد نامه ای به ناصرالدینشاه نوشته ضمن انتقاد از امتیاز نامه بانك شاهنشاهی معایب و مضار آنرا شرح میدهد و در اینجا متن آنرا نقل مینمایم .

بسم الله تعالی  
اعتراضات ثروتی و تجاری  
شهادت قرارنامه های بانکهای متعدد که فعلا در مدنظر این غلام است هیچیک در سهولت شرایط و ملاحظات دولتی باین قرارنامه نمی رسد ولی اگر این اعتراضات و ایرادات ذیل هم دفع و رفع شود بهترین جمع قرارنامه های بانکهای دنیا خواهد بود و عمده جهت این سهولت و ترجیحی که این قرارنامه بر شرایط بانکهای دول سایره دارد از اینجاست که در ممالک دیگر دولتها خود طالب ایجاد و تشکیل بانک شده اند پس هر تکلیف که اداره بانك در ملاحظه جانب خود نموده است دولت قبول کرده ولی در این قرارداد بانك طالب تشکیل گردیده لهذا در همه جا رعایت مصلحت دولت را نموده است تا اینکه دولت بمیل تمام در نمایند و قبول بفرماید .

در فصل اول که متعلق است به مرکز و شعب عباراتی مجمل آورده است و اجمال این مطالب اختیار را از دولت سلب میکند باید در این مقام صریحا افزود که اداره بانك در تعیین مستقر مرکز و مواقع تشکیل شعب باید مخصوصا اذن مجدد از جانب کار گزاران دولت علیه تحصیل بنماید

و هکذا در اقداماتی که زیاده بر تکلیف اصلی خود خیال دارد از قبیل تسهیل طرق تجارت و تکمیل جهات ازدیاد ثروت و امثالها مختار مطلق نیست و باید در هر یک از این خیالات اطلاع مخصوص بدولت بدهد و اجازه خاص تحصیل نماید و نیز در فصل اول سرمایه بانك معین شده است اما مقدار قیوض بانك که در عوض مسكوك رواج خواهد گرفت معین نیست و ممکن است که بانك چند مقابل علاوه بر سرمایه خود قیوض بانك انتشار بدهد پس لازم است که معین بنماید .

صفحه آخر امتیاز نامه بانك شاهنشاهی ایران

۱- روزنامه رسمی دولت ایران در شماره ۶۷۸ مورخ یکشنبه شانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۰۶ هجری قمری ( هفدهم فوریه ۱۸۸۹ ) مقدمه ای بشرح زیر راجع ببانك شاهنشاهی انتشار داده و بعد متن امتیازنامه را درج نموده است .

چون همواره همت اعلی نهمت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خدای تعالی ملکه و دولته مصروف آبادانی مملکت و مزید سود و ثروت و ترویج کلیه شعب صناعت و تجارت دولت علیه ایران است در این ایام امتیاز ایجاد بانك بسیار معتبری موسوم ببانك شاهنشاهی به بارون ژولیوس ریتر که از کمپانی معتبر یا مکتت فرانک است مرحمت فرمودند که بموجب قرارنامه و شروط مفصله ذیل بانك مزبور در مملکت ایران ایجاد و دایر بنماید .

اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصرالدینشاه که همیشه متمایل سیاست روسها بود قبل از آنکه امتیاز نامه بامضاء برسد نامه ای به ناصرالدینشاه نوشته ضمن انتقاد از امتیاز نامه بانك شاهنشاهی معایب و مضار آنرا شرح میدهد و در اینجا متن آنرا نقل مینمایم .

بسم الله تعالی  
اعتراضات ثروتی و تجاری  
شهادت قرارنامه های بانکهای متعدد که فعلا در مدنظر این غلام است هیچیک در سهولت شرایط و ملاحظات دولتی باین قرارنامه نمی رسد ولی اگر این اعتراضات و ایرادات ذیل هم دفع و رفع شود بهترین جمع قرارنامه های بانکهای دنیا خواهد بود و عمده جهت این سهولت و ترجیحی که این قرارنامه بر شرایط بانکهای دول سایره دارد از اینجاست که در ممالک دیگر دولتها خود طالب ایجاد و تشکیل بانک شده اند پس هر تکلیف که اداره بانك در ملاحظه جانب خود نموده است دولت قبول کرده ولی در این قرارداد بانك طالب تشکیل گردیده لهذا در همه جا رعایت مصلحت دولت را نموده است تا اینکه دولت بمیل تمام در نمایند و قبول بفرماید .

در فصل اول که متعلق است به مرکز و شعب عباراتی مجمل آورده است و اجمال این مطالب اختیار را از دولت سلب میکند باید در این مقام صریحا افزود که اداره بانك در تعیین مستقر مرکز و مواقع تشکیل شعب باید مخصوصا اذن مجدد از جانب کار گزاران دولت علیه تحصیل بنماید

و هکذا در اقداماتی که زیاده بر تکلیف اصلی خود خیال دارد از قبیل تسهیل طرق تجارت و تکمیل جهات ازدیاد ثروت و امثالها مختار مطلق نیست و باید در هر یک از این خیالات اطلاع مخصوص بدولت بدهد و اجازه خاص تحصیل نماید و نیز در فصل اول سرمایه بانك معین شده است اما مقدار قیوض بانك که در عوض مسكوك رواج خواهد گرفت معین نیست و ممکن است که بانك چند مقابل علاوه بر سرمایه خود قیوض بانك انتشار بدهد پس لازم است که معین بنماید .

۱- روزنامه رسمی دولت ایران در شماره ۶۷۸ مورخ یکشنبه شانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۰۶ هجری قمری ( هفدهم فوریه ۱۸۸۹ ) مقدمه ای بشرح زیر راجع ببانك شاهنشاهی انتشار داده و بعد متن امتیازنامه را درج نموده است .

چون همواره همت اعلی نهمت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خدای تعالی ملکه و دولته مصروف آبادانی مملکت و مزید سود و ثروت و ترویج کلیه شعب صناعت و تجارت دولت علیه ایران است در این ایام امتیاز ایجاد بانك بسیار معتبری موسوم ببانك شاهنشاهی به بارون ژولیوس ریتر که از کمپانی معتبر یا مکتت فرانک است مرحمت فرمودند که بموجب قرارنامه و شروط مفصله ذیل بانك مزبور در مملکت ایران ایجاد و دایر بنماید .

وهم در مسئله امتیاز معادن که نوشته است اگر اداره بانك آن امتیاز را بهمان شرایط قبول بکند بر غیر مقدم است باید قید شود که اگر اشکالات پلتیکی در میان نیاید چرا که ممکن است بانك آن امتیاز را بهمان شرایط که غیر قرار میدهد قبول بکند ولی بکمال ملاحظه دولتی و مصلحت پلتیکی آن غیر را ترجیح پس بانك بدهد و در فصل چهارم که قرار داده اند يك نفر مامور محترم از جانب دولت علیه تفتیش بکند يك نفر مفتش محترم کم است زیرا که ممکن است که يك نفر عمداً یا سهواً در تکلیف به مأمورین خود اشتباهی بکند پس باید قرار داد که سه نفر از طبقات مختلفه رجال دولت بر تکلیف تفتیش اقدام و مراقبت داشته باشند در کمال اتحاد و بیثابه وجود واحد و آیا حق انحصار مأمورین تفتیش را کسی خواهد داد بانك نباید رجوع کرد اگر هم فی الواقع بدهد بانك قرار بگیرد در ظاهر را باید دولت خود در بیانات نماید و به مأمورین برساند که مأمورین رسماً مواجب خواهد بانك نموده باشند .

و در فصل ششم نوشته شده است که در آن علیه معادل يك عملیات فرانك بطور استقراض از قرار صد شش منفعت از بانك دریافت خواهد داشت جهت لزوم این استقراض معلوم نیست فی الحقیقه منت بیهوده ایست و الا ضرری که دارد این است که اولاً در مسائل شصت هزار فرانك باید منفعت بدهد و بانك در طرف ده سال تقریباً معادل دولتی يك عملیات استقراض را با هم منفعت دریافت کرده است علاوه همینکه باب استقراض مفتوح گردید حدیثی نخواهد داشت و خدا نکرده مثل دولت عثمانی و مصر و تونس مقهور اجانب خواهد گردید .

در فصل نهم این عبارت را باید افزود که اداره بانك باید متعهد شود که در آخن هر ماه صورت معاملات آن ماه را بتوسط روزنامهجات مرکزی انتشار بدهد و همچنین در آخر هر سال شمسی معامله دوازده ماهه را اعلان نماید تا تمام مردم از دادوستد بانك مطلع بوده باشند .

در فصل یازدهم اضافه شود که بانك در مقام استکشاف معادن اگر معدنی در اراضی بایره و بلا مالک احتمال میدهد بدون استحصالی اذن مخصوص از دولت میتواند در آنجا کارش بکند ولی اگر در املاک مزرعه و آباد معدنی احتمال میدهد باذن و رخصت و رضای صاحب مالک کشاورز بنماید خواه اراضی دیوانی باشد و خواه رعیتی .

در صورتیکه این قید بطور نا کید نشود مفاسد کلی بظهور خواهد رسید چنانکه در حماکت عثمانی از اجمال این قید چه املاک عامر و اراضی دایر بیونوات مسکون خراب شد و زبانهای بی حد و احصاء بر رعایا وارد آمد اما از حیث پلتیک

در ظرف چهل و دو سال سلطنت بندگان اعلی حضرت قدر قدرت همایون شهریاری ارواحنا فداء بواسطه حسن تدبیر و اجراء پولتیک سالم و تعدیل در مهربانی بدو دولت رقیب بدون هیچگونه درد سر و زحمت خاطر بحمد الله تعالی سلطنت و حکمرانی فرموده اند و انشاء الله تعالی در چهل سال دیگر هم بخواست خدا با کمال قدرت پادشاهی خواهند فرمود در این چند ماه بواسطه مسئله کارون خاطر مبارک فی الجملة مشغول است باز می توان متعذر گردید بر اینکه مسئله کارون اترانسپونال یعنی عمومی بود ولی دادن امتیاز به روطر ثابت می کند که اولیای دولت کلیه طرفدار يك سمت میباشد و بسمت دیگر چندان وقتی واعتنائی نمیکنند یا مصلحت اولیای قاهره است که از جاده تسویه و تعدیل که در این مدت متمادی راه سلامت پیاده اند انحراف بوزند و بیطرفی را کنار بگذارند و نوالله .

دولت آلمان با قریب چهار کرویر سرریزه محض اثبات بی طرفی خود با نهایت مخالفتی که بعد از جنگ عثمانی و روس مابین آلمان و روس بروز کرد و ماده طبری غلیظ شد که هر ساعت انتظار اعلان جنگ بین دولتین مشارالیه بود امیر اطور حالیه با سرپرشور که لازمه جوانی و مقتضای سن اوست به نصیحت و زیر اعطش پرنس بیژمارک ملاحظه تعزیه داری جد و پدر خود را که در ظرف چهار ماه پی در پی مردند نکرد بمحض جلوس تحت سلطنت هتوز تعزیت و نهنیت نامه تاجداران و روسای دول کاملاً باو نرسیده است سفری بروسیه کرد و اظهار خصوصیت با امیر اطور روس نمود بلکه برای تشید خصوصیت و جاب قلوب معاندین آلمان علی الخصوص امپراطریس روسیه به دانمارک که

در جنب آلمان نسبت پشه و عقاب دارد مسافرت نمود با اسم اینکه من صلح طلب هستم و جنگجو نیستم فی الواقع اتمام حجت کرد که اگر مجادله مابین او و دولت روس واقع شود در انتظار عامه ملل و اطمینان روی زمین علی الخصوص اهالی مملکت خود مشغول نباشد که مبادرت بمخالفت نموده است نمیدانم مصلحت است که رجال دولت باین شدت بهانه بدست همسایه ممتنع خودشان بدهند که از سه طرف حدود ایران وصل بخاک اوست و ایالات و وادیه نشین های ماز ترک و تات را علاج باید با سرحد نشین های آن مرایبه داشته باشند روز چهارشنبه گذشته در مجلس مذکور شد که قرارنامه اولی روطر مطموس و معلول نشد مگر بواسطه خواست شخص امیر اطور ماضی روس آیا ممکن نیست در این سفر سیم که بدولت و اقبالی بفرنگ تشریف خواهند برد امیر اطور حالیه نیز همین خواست را بکند و در آن صورت بجای يك سند معلول که حالا در دست روطر است دو سند صحیح در يك ورقه که هم اقرار صحت سند اول است و هم امضای سند ثانی بچنگ او خواهد آمد و هر دو معلول و غیر معلول خواهد ماند و تکلیف رجال دولت بین المحذورین خواهد بود نه انکار و تکول سندی که بدست تبعه انگلیس سپرده اند میتوانند کرد و نه اجراء و قبول و راه عذری در مقابل کله روسها خواهند داشت .

این خانه زاد بمقدار اطلاع و ربطی از پولتیک دولت علیه ندارد زیرا که در امورات دخالتی و راهی تحصیل نکرده است مثل يك اعمی نادانی عرض میکند که نه میبیند و نه میداند .

اما بواسطه بصیرت و اطلاعات کمالی که در زیر سایه بلند پایه اروا خنا فداء از پولتیک سایر دول دنیا دارم عرض میدارد که رجال دولت بواسطه این همسایه شمال و مشرق و شمال غربی خیلی ممکن است طرف زحمت و گرفتاری خیال بشوند و از همسایه جنوبی ظاهراً اینتهرها که تبدیل زحمت و فایده تواند شد منتفع نگردند پس موافق عقل قاسم و فکر قاتر این خانه زاد خوبست که راه حرف روسها را به بندند و در مسئله که روتر بعد از چهارده سال مجدداً عنوان کرده است از آنها استشاره نمائیم و استمداد کنیم اگر چاره کردند تم الاتفاق والا هیچوقت لامحاله حق کله از ما نخواهند داشت انگلیسها باید از اقتحار کارون بجهت کشتی های عمومی تهازر سال دیگر مشغول رجال دولت علیه بوده باشند و سکوت کنند و بطلان قرارنامه اولی روطر را اگر هم بقول اینها صحیح است پیشکش رجال دولت نمایند .

این قهره پر روشن و مبرهن است که این خانه زاد بمقدار هر چه از این قبیل غرایض بکند اسم آنها را فضولی گذاشتن انب است نادولتخواهی گفتن .

ولی محض تذکار خاطر خاطر رجال دولت جسارت ورزیده عرضه میدارد که برآحاد و افراد ملت ایران واجب است که اول ملاحظه قدرت سلطنت و حفظ شوکت و ناموس دولت و آسایش خاطر مبارک شخص شاهنشاه کیتی پناه خلداله تعالی سلطانه و آرامش قلوب کافه اهالی وطن را که از نعمت های بزرگ الهی است بنمایند و بعد رعایت حقوق ثابتة حالیه و مالیه دولت علیه را بروجه کامل منظور دارند .

و اگر در مقام دولتخواهی هر ادبی رعیتی عرض بکند چنانچه قابل قبول ندانند تخفیف نیز نمایند و توهین نفر نمایند که آن بیچاره باعتقاد خود در مقام اداء تکلیف است نه استحقاق تخفیف جناب ولایت مآب صلوات الله و سلامه علیه دستور العمل بزرگی داده اند که انظر الی ماقال و لانظر الی من قال والسلام خانه زاد بی مقدار محمد حسن مترجم

۲۳ جمادی الاول ۱۳۰۶ هـ

دوماه بعد از اعطای این امتیازنامه ناصر الدین شاه  
وامین السلطان عازم اروپا میشوند و از طریق روسیه بانگلستان  
میروند .

ضمائم امتیازنامه  
بانك  
شاهنشاهی

پندیرائی شایانی که در انگلستان از «شاه» ایران و  
همراهان او بعمل میآید تا آنوقت شاید سابقه نداشته است چنانکه اعتماد السلطنه که در  
این سفر همراه ناصر الدین شاه بود در کتاب خلسه خود مینویسد .



«طوری دولت انگلیس موکب آفند را پذیرائی نمود که گویا هیچ پادشاهی را از سلاطین اروپا و آسیا تا آنروز اینطور محترم نه پذیرفته بودند. وفای و سالزبوری صدراعظم انگلیس و جمعی از وزراء آن دولت رو کلاهی ملک بابکدیگر همدست شده و آن تشریفات فوق العاده را فراهم آورده که از این راه تغییری در پلنیک اعلیحضرت بدهند و ایران را بلع نمایند.»

پلنیک اعلیحضرت همایون پیش از این بیطرفی بود هیچیک از دول روس و انگلیس بلکه عثمانی و غیره را بر دیگری ترجیح نمیدادند آقاباب میخواستند با تعارف و تکلف اینوضع را بهم زند دولت ایران را تابع و دست نشانده انگلیس کنند پادشاه حالی و سلاطین آتیه مملکت را مثل صوبه دارهای هند در تحت اقتدار بریطانیای کبیر قرار دهند و شان شهریار ایران را از امارت افغانستان و خدیو مصر نازل تر سازند»

در همین چند روزه اقامت در انگلستان که ناصرالدین شاه سرمست خوشیها و عیاشیها و معوجو جمال و زیباییهای جزیره بریتانیا بود انگلیسها بدستکاری امین السلطان و ملکم با گرفتن چند امضاء از او اوراق تازه ای بردفتر اشتباهات و خطاهایش میافزایند. از جمله این اوراق یکی هم «ضمیمه چهار امتیاز نامه بانك شاهنشاهی» است. بعد از اینکه جرج رویتر امتیاز نامه بانك شاهنشاهی را بلندن برد نواقص و معایبی در آن مشاهده میکنند و بودن ناصرالدین شاه را در انگلستان بهترین موقع برای رفع این معایب میدانند.

بالاخره متن اصلاحیه را تهیه و با مختصر جرح و تعدیلی در یکی از روزهای آخر توقف ناصرالدین شاه در انگلستان (روز شنبه ۲۸ ذی القعدة ۱۳۰۶) در شهر برایتن با امضاء امیر سانتند این ضمیمه اصلاحیه شامل نه فصل و بابت شرح است.

### ضمیمه چهار امتیاز نامه بانك شاهنشاهی

«این فصول ذیل هر گاه با شرایط امتیاز نامه و ضمیمات آن تفاوت دارند برقرار»  
«وقاطع خواهد بود.»

«فصل-۱ مرکز معاملات در تهران خواهد بود و نشر اصلی همه بلیت بانك در همانجا»  
«خواهد بود در سایر جاها نخواهد بود»

«فصل-۲ بانك شاهنشاهی بدون اجازه دولت علیه ایران حق نخواهد داشت در قلمرو»  
«دولت علیه ایران گرو بیعشرطی از قبیل املاک و اراضی و دهات و غیره کند و هم بدون»  
«اجازه حق نخواهد داشت بروات دولتی را تنزیل کند یا باعتبار آنها وجهی بکسی»  
«قرض بدهد غیر از برواتی که بیانك حواله شده باشد»

«فصل-۳ سرمایه بانك میتواند منقسم شود با سهام و استا کو که مناسب باشد بانك میتواند»  
«تشکیل شود مطابق قانون آن ولایت که سرمایه یا قسم اکبر آن در آن تحصیل شده باشد»  
«محل امضاء فقط در مکان یا مکانهای مناسب وضع خواهد شد سهام بانك ۱۰۰ هزار خواهد بود.»

«فصل-۴ ضمانت اداء بلیتها از قرار ذیل خواهد بود.»  
«بانك صریحاً متقبل میشود که اقلاً يك ثلث از وجه بلیتها منتشر شده خود را اقداد»

«موجود داشته باشد و دو ثلث از این وجه نقدی میتواند قرض طلا و نقره باشد تفاوت»  
«مابین وجه موجودی نقدی و وجه بلیتها منتشر شده هرگز زیاد تر از وجه سرمایه»  
«اداء کرده نخواهد بود.»

«فصل-۵ دولت علیه ایران مراقبت تامه خود را در بانك بتوسط مأمور محترمی که خود»  
«معین کند جاری خواهد ساخت حقوق این مأمور را قرار ذیل خواهد بود.»

«بر حسب حق در مجالس عمومی بانك و همچنین در مجالس شورای روسا در طهران»  
«حضور بهم خواهد رسانید و دولت علیه را از هر تغییر و تبدیل فصول امتیاز نامه»  
«مطلع خواهد ساخت و مخصوصاً مراقبت تمام خواهد داشت که مدلولات فصل سیم»  
«از امتیاز نامه که در این فصول بیان شده است رعایت شوند و مراقبت روابط بانك»  
«با خزانه دولت علیه بر عهده اوست چون نخواهد توانست در تدبیر و نظارت اعمال»  
«بانك خود را داخل سازد و مأموریت او ب هیچ وجه من الوجوه اسباب مسئولیت دولت»  
«علیه نخواهد گردید.»

«فصل-۶ علاوه بر چهار هزار لیره انگلیسی که قرار شده است بانك شاهنشاهی بدولت»  
«علیه بدهد استقرضات و پیشگی دیگر را بدون ضمانت پسندیده نخواهد داد و وجه»  
«کل این پیشگی و استقرضات هیچوقت زیاد تر از يك ثلث وجه سرمایه ادا کرده»  
«بانك نخواهد بود.»

«فصل-۷ ادای حق سالیانه بدولت علیه که در فصل هفتم از امتیاز نامه مقرر است در»  
«آن بیستم ماه مارس یعنی آخر حوت خواهد بود که بعد از اقبضای یکسال میساید»  
«بعد از شروع بکار بانك در ایران.»

«فصل-۸ در صورت عدم توافق بین حکمیکه مطابق فصل دهم از امتیاز نامه مقرر شده اند»  
«برای انتخاب حکم آخری جهت قطع اختلاف که مابین بانك و اشخاص مختلف»  
«ظاهر گردد آن حکم آخری بتوسط سفیری از دول فرانسه یا آلمان یا اطریش یا»  
«ایطالیا مقیم طهران انتخاب خواهد شد و باید اختلافاتیکه در ممالک ایران خارج»  
«از دار الخلافه مابین بانك و اشخاص مختلف ظاهر گردد میتواند قطع شود بتوسط»  
«حکمیکه در خود محل اختلاف بتوسط قنصل یا وکیل قنصلگری دول مزبوره برضای»  
«طرفین انتخاب شده است هر گاه اختلافی مابین دولت علیه و بانك ظاهر گردد بانك»  
«حق دارد که شخصی از اهل خبره جهت حکمیت بخواهد و این شخص باید ساکن»  
«اروپ باشد و بتوسط روسای کل از بانکهای دولتی فرانسه و آلمان و اطریش»  
«و ایطالیا یا بتوسط یکی از آنها انتخاب خواهد شد و دولت علیه رای حکم اولی را و»  
«یارای حکم آخری را فوراً جاری خواهد ساخت.»

«فصل-۹ خود بانك معادن و کارهای دیگر مذکور در فصل یازدهم و دوازدهم و»  
«سیزدهم از امتیاز نامه و ایضا کارهای تجارتنی مذکور در فصل اول از امتیاز نامه در»  
«نخواهد نمود اما بانك حق خواهد داشت یا همه یا یکی از حقوقیکه مطابق فصول»  
«مزبوره طلبا شده اند بکسی یا بکسان بفروشد یا واگذار نماید و این فروش یا واگذاری»

«مطابق فصول امتیاز نامچه خواهد بود مشروط بر اینکه آنکس یا کسان را جهت اجازه « بدولت علیه معرفی کند و بدون چنین اجازه از جانب دولت علیه چنین واگذاری یا فروش « کامل نخواهد بود .

« و هر گاه دولت علیه این اجازه را بدون اظهار سببی که صحیح باشد بتعویق بیان ندادد « یا هیچ ندهد بانك حق دارد فقره را بحکمی رجوع نماید مطابق فصل دهم از « امتیاز نامچه که در فصل هشتم این اصلاحات بیان شده است و حق سالیانه فصل « سیزدهم از امتیاز نامچه آنکس یا کسان که معادن را دائر نمایند ادا خواهند نمود « و بانك ضامن صحت حساب و : سائیدن آن حقوق دولت است که در فصل سیزدهم « اصل امتیاز نامچه مقرر است و بانك حق دارد معادن یا کارهای دیگر را تصدیق و عموماً « اعتبار آنها را تحقیق کند .

« بتاريخ ۲۸ ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۰۶ هجری مطابق ۲۷ جولای سنه ۱۸۸۹ در برایتان « امضاء و بدو نسخه متساوی مبادله شد .

محل امضاء جولیس رویتر محل امضاء درومندولف «

**تشکیل بانك** باین ترتیب بموجب این امتیاز نامه اجازه تاسیس يك بانك مرکزی بنام «بانك شاهنشاهی ایران» با داشتن حق انحصاری

انتشار اسکناس برای مدت شصت سال بیارون ژولیوس رویتر داده میشود .

این بانك گذشته از اعمال راجع بصرافی میتواندست بخرج خود یا بخرج ثالثی اقدام در تمام کارهای محاسبه و صنعتی و تجارتي که برای این مقصود نافع بداند بنماید و بعلاوه حق استخراج و بهره برداری تمام معادن ایران بجز معادن فلزات قیمتی و معدنی که قبلاً بدیگران واگذار شده است متعلق بصاحب امتیاز بود .

ژولیوس رویتر پس از تحصیل امتیاز نامه شرکتی مرکب از عده ای از سرمایه داران انگلیس مثل بارون شر ویدر - روین ساسون و جفری کلین که همه از بانکداران معروف انگلیس بودند برای تاسیس بانك شاهنشاهی با سرمایه چهار میلیون لیره انگلیسی (سد میا و ن فرانك فرانسه) تشکیل میدهد .

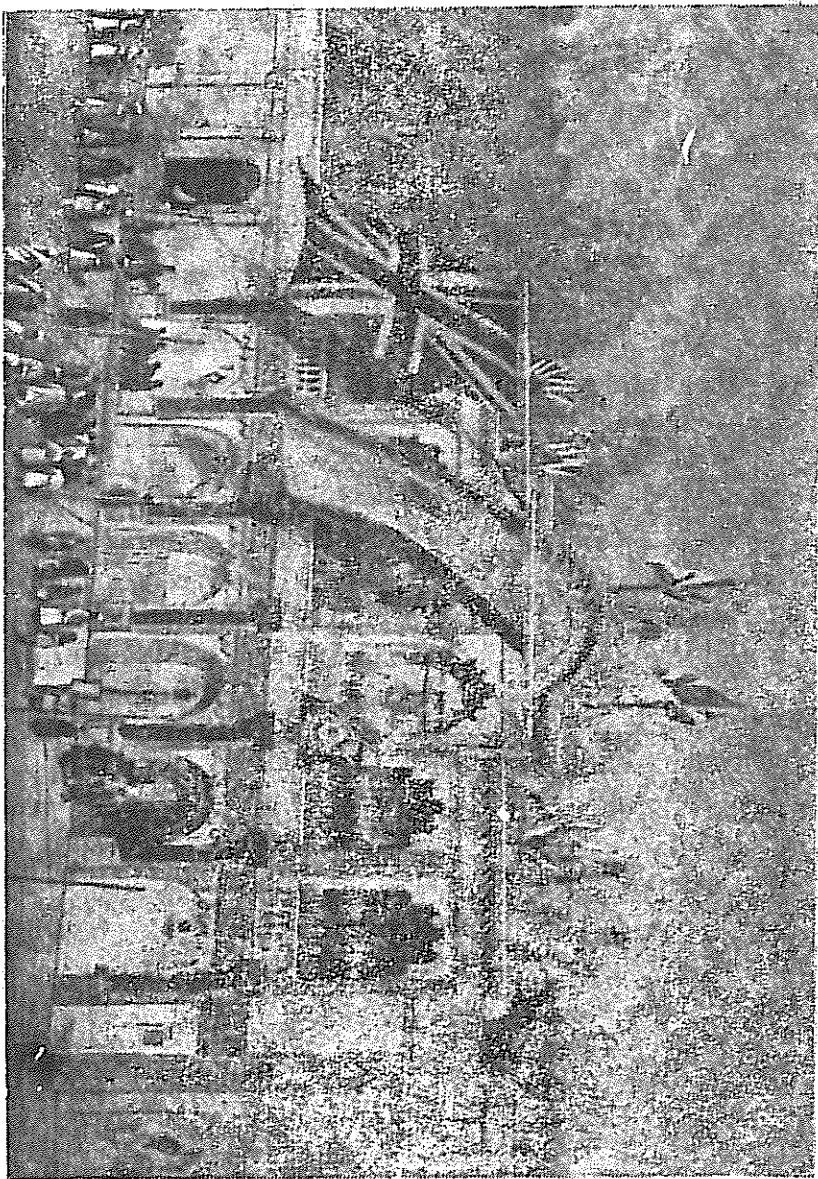
قسمت اول سرمایه بانك يك میلیون لیره و به صد هزار سهم ده لیره ای تقسیم شد که ۲۰۰ سهم آن «سهم موسس» و بقیه سهام عادی بود و هر وقت سهام موسس بفروش میرسید بانك تشکیل مییافت .

لرد کرزن مینویسد .

«در ماه اوت ۱۸۸۹ دولت انگلستان يك منشور ملوکانه شرکت بمدت سی سال به بانکی که بدین نحو تشکیل شده بود اعطا نمود .

در ماه اکتبر اعلام نامه تاسیس بانك در لندن منتشر شد و در آن خرید سهام با اطلاع عموم رسید اطمینان عمومی باین موسسه چنان بود که چند ساعت پس از انتشار اعلام نامه ۱۵ برابر سرمایه که يك میلیون لیره بود تعهد گردید .

بواسطه این استقبال بی سابقه مردم هر سهم ده لیره ای تا ۱۲ لیره بفروش رفت . تفاوت بهای اصلی و بهای فروش سهام که به دو یست هزار لیره بالغ میشد بنام



عبارت قدیم بانك شاهنشاهی ایران که بنیانست چنین بود «شاه» با ترجمه های ایران وانگلیس چنین شده است

حق الزحمه و قیمت امتیاز نامه به بارون ژولیوس رویتر داده شد .

بعد از این جریان هیئتی بریاست مستر رایینو (۱) برای افتتاح بانک به تهران میآیند .  
لرد کرزن راجع با افتتاح بانک شاهنشاهی مینویسد .

بانک شاهنشاهی هنگام سفر من به تهران پس از بدست آوردن بنائی در خیابانی که سفارت انگلستان در آن واقعست تازه شروع بکار کرده بود .

مدیر لایق بانک آقای را بینو بود که سالها در قاهره بکار بانک لیون مشغول بود و روابط بانک با دولت ایران در دست ژنرال هوم شیندلر بود که خوانندگان این کتاب از مدتها پیش باید بنام او عادت کرده باشند که در اکثر مسائل مربوط با ایران مشار الیه بطور خارق العاده در آن شرکت داشته است .

در اوائل سال ۱۸۹۰ هیئت مدیره بانک با شرکت بانک جدید شرقی که ذکری از آن بمیان آمد کنار آمده و ساختمان بانک شرقی را در تهران با تمام اثاثیه و حسن شهرت و ارتباطات آن به ۲۰۰۰۰ لیره خریداری کرد .

موجب فصل سوم امتیاز نامه حقی صدور اسکناس در تمام ایران منحصر به بانک شاهنشاهی بوده و مقدار آن نباید از ۸۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی (۲۰ میلیون فرانک) تجاوز نماید

### حق انحصاری انتشار اسکناس

بانک متعهد بود که در دو سال اول شروع بکار اقلاً نصف قیمت اسکناسهای منتشر شده خود را و پس از انقضای دو سال لا اقل ثلث قیمت آنها را تقدا موجود داشته باشد . بانک ابتدا حق نداشت اسکناسهای کمتر از دو تومانی منتشر کند ولی بعدها بموجب اجازه نامه ای بشرح ذیل اجازه نشر اسکناسهای یک تومانی را هم بدست میآورد .

« سواد دستخط مبارک همیونی در باب نشر بلیت یکتومانی

« بموجب فصل سیم از امتیاز بانک شاهنشاهی ایران حق ندارد بدون اذن دولت علیه »  
« بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد ولی چون در این اوقات معلوم کار گذاران ابد »  
« مدت گردید که نشر بلیت های یکتومانی اسباب سهولت معاملات و داد و ستدهای »  
« بانک مزبور میشود با اهالی ایران لهذا بموجب این نوشته دولت بندگان اعلیحضرت »  
« شاهنشاهی اجازه میدهند که بانک شاهنشاهی از بابت آن اندازه بلیتی که بموجب »  
« امتیاز ناچهارم حق نشر دارد و قسمتی از آنرا که صلاح بداند بلیت یکتومانی »  
« نشر بدهد .

« بتاریخ ۲۲ شهر رجب المرجب ۱۳۰۷ محصل صحه مبارک »

قبل از این تاریخ پول کاغذی در ایران رواج نداشت و بطوریکه لرد کرزن مینویسد

« هنگامیکه در قرن حاضر (نوزدهم) روبل کاغذی روسی با ایران آورده شد طبقه حاکمه ایران با سوء ظن بسیار بدان تکیه کردند و وحشت داشتند که منظور از آوردن روبل با ایران بردن طلا و نقره ایران بخارج است . این سوء ظن چندان دامنه گرفت که در ۱۸۸۳ شاه فرمائی صادر کرد که در آن اعلام شده بود (مردم بسیار احمقند که قطعات نجس کاغذ را بجای طلا و نقره میپذیرند و در آتیه کلیه اسکناسهای روبل روسی ضبط خواهد شد ) این فرمان مانند اکثر فرمانهای شاهانه بلا فاصله پس از انتشار خوشبختانه بلا اثر ماند .

لرد کرزن در دنباله این مطلب مینویسد .

در برابر چنین علائم شوم تاریخی میان مردم و درباری که اطلاعات مالی ایشان بکلی بدوی بود بانک شاهنشاهی شروع با انتشار اسکناس نمود .

مدتی صرف انتخاب نقش زیبایی شد و در ۱۸۹۰ اسکناسهای جدید بانک سرلوحه فارسی باعلامت شیر و خورشید در یک طرف و یک سرلوحه انگلیسی با نمثال شاه در طرف دیگر با ذکر ارزش اسکناسها از یک تا هزار تومان منتشر گردید . یکی از اکتشافات بانک در همان ابتدا آن بود که اسکناسها را مردم نخریدند و پنهان میکردند زیرا اینگونه مردم که باند و ختن پول عادت کرده بودند اسکناس را که - بک و کم حجم بود بیول فزای ترجیح میدادند . این یک توسعه غیر منتظره علاقه مردم ایران باحتکاز پول بود . هنوز برای اظهار نظر در باره اینکه تجربه پول کاغذی بکجا خواهد کشید بسیار زود است . اینطور شنیده ام که اسکناسهای شهر های کوچک فقط در محل قابل پرداخت است و قابل معاوضه در سایر شهرها نیست دلیل آن این است که بانک بابت این نقل و انتقال حق العمل دریافت میکند . شاید این عمل مانع رواج وسیع و فوری اسکناس شود .

هنری سواج لندور (۱) انگلیسی در کتاب خود بنام ACROSS COVETED LANDS

مینویسد .

دولت ایران اسکناس منتشر نمیکند زیرا که میان مردم باطن و تردید تلقی خواهد شد اما این نکته جالب توجه است که انحصاری که جهت انتشار پول کاغذی بانک شاهنشاهی ایران اعطا شده خصوصاً در تهران که بانک مورد علاقه بسیار میباشد و از اسکناسها بخوبی استقبال شده نتایج عالی داشته است مع الوصف در شهرهای دیگر ایران که من سفر کردم اسکناس رواج نداشت و فقط در شعب بانک و در بازار از طرف بعضی تجار بزرگ با کسر مقدار جزئی پذیرفته میشد .

حق انحصاری انتشار اسکناس تا تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی ( ۱۹۳۰ میلادی) با بانک شاهنشاهی بود . در این تاریخ بموجب قرار دادی که بین دولت ایران و بانک مزبور منعقد میگردد حق انحصاری انتشار اسکناس با شرایط ذیل از این بانک سلب و بیانک ملی ایران واگذار میشود

- ۱- دولت ایران مبلغ دو بیست هزار لیره بیانک شاهنشاهی پرداخت
- ۲- دولت ایران از حق بازرسی حسابهای بانک شاهنشاهی محروم شد
- ۳- دولت ایران از دریافت حق الامتیاز ۶ درصد سود ویژه محروم گردید
- ۴- بیانک شاهنشاهی اجازه داده شد در مقابل رهن املاک غیر منقول بمردم وام بدهد و حتی برای وصول طلب خود اموال غیر منقول را به تملک خود درآورد

### منافع بانک

لرد کرزن راجع به پیشرفت و منافع این بانک در سال اول مینویسد :

در اتهای سال نخستین تاسیس بانک سپتامبر ۱۸۹۰) هیئت مدیره بانک توانستند گزارش مفیدی به سهامداران بدهند . منافع خالص پس از کسر مالیات و برداشت ربح قروض بالغ بر ۶۸۰۰۰ لیره گردید و هیئت مدیره توانست سود سهامی را بر صدی هشت سرمایه ای که تا آن وقت پرداخته شده بود بپردازد و شعب نمایندگان کی های بانک اضافه بر لندن و تهران در تبریز و رشت و مشهد و اصفهان و شیراز و بو شهر و کرمانشاه و بغداد و بصره و بمبئی افتتاح شد و بانک جای خود را بعنوان یک موسسه ملی باز کرده در مالیه ایران مؤثر و آرا بخود جذب میکند . بانک از طرف

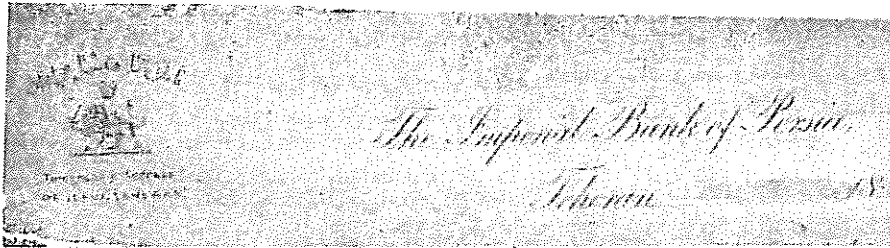


نمونه ای از اسکناسهای منتشره بانک شاهنشاهی ایران

دولت ایران برای وصول درآمد و پرداخت مخارج و اجرای امور مالی عمومی و همچنین از طرف بسیاری از دول خارجی، که با ایران روابطی دارند برای انجام کارهای لازم ایشان استخدام شده است مردم ایران از بانک برای نقل و انتقال کالاهای بازرگانی خود زیاد استفاده میکنند و بانک با دادن مساعده جهت بازنامه کشتی و کالای بازرگانی - تجارت ایران فایده بسیار رسانده است . و چوهامانی که در بانک گذاشته اند درشش ماه نخستین دور برابر وجوهی شد که دریکسال در بانک جدید شرفی متمرکز شده بود و از آن وقت تاکنون پنجشش برابر شده است . همچنین پرداخت قروض بمردم درازاء

و نیکه در هشت ماه نخستین دو برابر شد و نرخ عادی ربح بنصف نرخ سابق تقلیل یافت . تاثیر بانک در ترقی و تنزل پول که از تغییر نرخ ارزشی میشود نیز کمتر از تاثیر آن در نرخ ربح نبوده است \* در کشوری که سکه نقره در آن رایج است همواره بر اثر صعود و نزول قیمت نقره تغییری در ارزش پول حاصل میگردد اما تغییرات شدیدتر که ناشی از احتکار پول بوسیله دلالهای ارز و بعضی علل دیگرست علاج شده و بطور کلی ثبات بیشتری در وضع بازار پول ایران پیش بینی میشود \*

گزارش هیئت مدیره در پایان سال دوم (سپتامبر ۱۸۹۱) شاید بطور کامل انتظارات سهامداران را بر نیارود امامهمذا پیشرفت اساسی بعمل آمده بود و در هر صورت سود سهام برای ۵۰ سرمایه توزیع گردید \* باید امیدوار بود که بانک بمنظور تحصیل يك پول رایج صحیح و خاتمه دادن به سیستم ارتجاعی فعلی در مدت قلیلی بتواند بر ضرابخانه نظارت کند .



مارك نامه های بانک شاهنشاهی در اوایل تأسیس بانک

این بود تاریخچه مختصری از تأسیس بانک شاهنشاهی ایران این بانک در مدت شصت سال مخصوصاً چهل سالی که حق انحصاری صدور اسکناس را داشت با دردست گرفتن امور ضرابخانه در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران دخالت های موثری مینمود و هر وقت میخواست به عنوان مختلف بنفع سیاست انگلستان و برای منظورهای سیاسی، دولت ایران را در مضیقه می گذارد و گاه و بیگاه با خریدار زاق و خوار - و بار و ذغال و سایر مایحتاج اولیه و ضروری مردم قحطی های مصنوعی ایجاد میکرد . بانک شاهنشاهی به متنفذین دربار، دولت ، روحانیون و غیره به عنوان متعدد رشوه می داد و آنها را میخرد و یا هر وقت قرضی میخواستند با شرایط ساده و مدت طولانی بآنها وام میداد و باین وسیله در دستکاه دولتی اعمال نفوذ و دخالت های نامشروعی میکرد و در حقیقت این بانک خزانه و صندوق خانه سفارت انگلستان بود و همیشه از حمایت دولت انگلیس برخوردار میشد \*

تنها رقیب بانک شاهنشاهی بانک استقراضی روس بود که گاهی بواسطه رقابت بکارهای خطرناک و زیان آوری برای ملت ایران دست میزدند و زمانی هم عملیات یکدیگر را خنثی میساختند \*

بالاخره مدت امتیاز نامه بانک شاهنشاهی بعد از شصت سال در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۹ ( ۱۲ بهمن ۱۳۲۷ ) خاتمه یافت و بانک نام خود را به « بانک انگلیس در ایران و خاور میانه » تغییر داد \*

مقارن این احوال چون دولت ایران برای بانکهای خارجی مقرراتی وضع نمود که

بواسطه پیروی این مقررات از عملیات بانك انگلیسی مزبور نیز بمقدار زیادی کاسته میشد و دامنه آن محدود میگردد ناچار بانك کم کم شعب خود را در شهرهای ایران برچید و سرانجام از ساعت ۱۲ روز چهارشنبه هشتم مرداد ۱۳۳۱ تعطیل شعبه مرکزی هم اعلام و برای همیشه بانك شاهنشاهی و جانشین آن یعنی بانك انگلیس در ایران و خاور میانه از ایران رفتند .

\*\*\*

### امتیاز معادن ایران

چنانکه دیدیم مطابق فصل یازدهم امتیازنامه « از آنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء تمام وسائل استخراج تروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال فدویت را بجا بیاورد دولت علیه به بانك مزبور در تمام مدت این امتیازنامه امتیاز مانع لثیر قطعی نمیدهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن و مس و سرب و ذبیب و ذغال سنک و نطف و مانگانز و بورق و آمیانت را که متعلق بدیوان میباشند و قبل از وقت بدیگران واگذار نشده اند دایر نماید »

بنابراین در مدت شصت سال حق استخراج معادن ایران متعلق ببانك مزبور بود و فقط در ایضت از متانفم خالص ۱۶ درصد بدولت ایران داده میشد و همچنین بعد از پایان شصت سال تمام ایتیه و ادوات و متعلقات معادن مذکور بایران تعلق خواهد گرفت .

چون بموجب فصل نهم ضمیمه چهار امتیازنامه بانك میتواند تمام یا قسمتی از حقوق استخراج و بهره برداری معادن ایران را « بکس یا بکسان بفروشد یا واگذار نماید این فروش یا واگذاری مطابق فصول امتیازنامه خواهد بود مشروط بر آنکه آن کس یا کسان را جهت اجازه دولت معرفی کنند و بدون چنین اجازه از جانب دولت چنین واگذاری یا فروش کامل نخواهد بود »

در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۰۷ قمری از امین السلطان تقاضای اجازه واگذاری معادن را بکمپانی انگلیسی باین شرح مینماید .

« بحضور مبارک جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عرضه میدارد مطابق فصل نهم »  
 « از ضمیمه چهارم امتیازنامه که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه بیانك شاهنشاهی »  
 « مرحمت فرموده اند با کمال شرف و افتخار بدولت علیه عرض مینماید خیال دارد »  
 « حقوق دائر نمودن عمل معادن را بکمپانی انگلیسی واگذار نماید که مدیری آن »  
 « کمپانی بیکی از روسای بانك شاهنشاهی باشد و از روسای دیگر سه نفر از روسای »  
 « بانك مذکور خواهد بود و چون این قرار مذکور بدولت علیه ضمانت کلی خواهد بود »  
 « که نصفه از معادن بدرستی کارسازی خواهد شد . محترماً از جناب مستطاب اجل »  
 « اکرم اشرف استدعا مینماید که از دولت علیه ایران اذن و اجازه حاصل نماید که »  
 « این واگذاری مذکور قبول بشود ( رایینو ) فی ۱۱ جمادی الاول ۱۳۰۷ - »  
 « ۳ ژانویه ۱۸۹۰ »

و دو روز بعد این اجازه نامه برای رایینو رئیس بانك شاهنشاهی نوشته میشود .

« مقرب الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرّم مهربان مسبو رایینو رئیس بانك »  
 « شاهنشاهی ایران »

« در خصوص واگذار کردن حقوق دایر نمودن عمل معاون را بکمپانی انگلیسی که »  
 « بانك شاهنشاهی ایران بموجب فصل نهم ضمیمه چهارم امتیاز نامه مجاز گردیده »  
 « کاغذی در تاریخ یوم جمعه سوم ژانویه ۱۸۹۰ میلادی مطابق یازدهم جمادی الاول »  
 « ۱۳۰۷ هجری نوشته بودید ملاحظه گذرید از خاکپای مبارک همایونی »  
 « روحنا فداه گذراندم مقرر فرمودند در صورتیکه بانك شاهنشاهی متقبل اجرای »  
 « تمام شرایط مندرجه در فصل مزبور ضمیمه یازدهم و دوازدهم و سیزدهم امتیازنامه »  
 « و ضامن صحت حساب و رسانیدن تمام حقوق دولت علیه ایران است که در فصل سیزدهم »  
 « اصل امتیازنامه قید شده است اجازه باو میدهیم که واگذاری مذکور را جاری سازد »  
 « و البته در صورتیکه شرکت معدنی باین ترتیب تشکیل شود از جانب دولت علیه »  
 « کمال تقویت باو خواهد شد فی ۱۳ جمادی الاول ۱۳۰۷ مطابق ۱۵ ژانویه ۱۸۹۰ »  
 « چندی بعد بانك شاهنشاهی بموجب این اجازه نامه حقوق استخراج و بهره برداری معادن ایران را بیک کمپانی انگلیسی که بنام « بانك تعاونی معادن ایران » تشکیل شده بود بمبلغ ۱۵۰ هزار لیره انگلیسی میفروشد و در تعیب آن نامه ای در این باب بدولت ایران مینویسد و نیز اعلانی بشرح ذیل برای اطلاع مردم منتشر میکند

« موافق اجازه که چندی قبل از طرف دولت علیه بیانك شاهنشاهی ایران مرحمت »  
 « شده کمپانی بجهت دایر نمودن معادن ایران عما قریب در لندن تشکیل خواهد یافت »  
 « سرمایه این کمپانی یک میلیون لیره انگلیسی خواهد بود که منقسم است بدویست »  
 « هزار سهم و هر سهمی پنج لیره - از این دویست هزار سهم صدوسی هزار سهم رسمی »  
 « خواهد بود و هفتاد هزارش مقدمی و آن یکصدوسی هزار سهم رسمی را خود بانك »  
 « نگاه میدارد و علاوه بر آن یکصد و پنجاه هزار لیره تقدم بیانك داده خواهد شد »  
 « از این هفتاد هزار سهم که هر یک پنج لیره و نیم قیمت دارد چهارده هزارش باهل »  
 « مملکت ایران داده میشود .

« قبل از آنکه بجهت سهام دیگر منفعتی منظور شود اسهام مقدمی حق سه عشر »  
 « از منافع دارند . »  
 « و در صورتیکه باقی منفعت از بابت تمام سرمایه بصد هفت برسد علاوه بر آنچه »  
 « ذکر شد منفعتی دیگر هم برای سهام مقدمی منظور خواهد شد هر کس که طالب »  
 « اسهام باشد قبول زحمت نموده بیانك شاهنشاهی ایران بنویسد که چند عدد از »  
 « اسهام را میخواهد و برای هر سهمی از تحریر این ورقه در عرض یک هفته باید مبلغ »  
 « سه لیره بیانك شاهنشاهی ایران بدهد و دو لیره و نیم باقی را سه ماه بعد اداء کند »  
 « بتاریخ شعبان ۱۳۰۷ »  
 « محل مهر بانك شاهنشاهی ایران »

کمپانی « بانك تعاونی معادن ایران » که عده ای از سرمایه داران روسی و بلژیکی هم در آن شرکت داشتند پس از تشکیل شروع بعملیات مقدماتی نموده و مهندسی با وسائل و ماشین آلات بشوخی جنوبی مخصوصاً کرمان اعزام میدارد .

نکته قابل توجه در اینجا آنست که از طرف کمپانی مزبور مقادیری لوازم و ماشین های مخصوص استخراج نفت ببوشهر و جزیره قشم ارسال میشود و بعدها که کار کمپانی پیشرفتی نمیکند تمام آنها را در همانجا بفروش میرسانند

ویگام (۱) در کتاب «مسئله ایران» راجع بهدم پیشرفت این کمپانی مینویسد «علل اصلی عدم موفقیت شرکت این بود که اولاً نیروی مالی شرکت بر منطقه وسیعی تقسیم شده بود که اداره نمودن آن فوق العاده دشوار بود و ثانياً حمل و نقل در ایران هزینه زیادی در برداشت پس از آنکه ماشین آلات کرایهها وارد و بازحیات فراوان بمعادن مانگا از کرمان حمل گردید معلوم شد که هزینه حمل و نقل يك تن سنگ مانگا از کرمان به بندرعباس همین ۶ و ۱۰ لیره انگلیسی می باشد در صورتی که همان سنگ در لندن تنی ۴ لیره بفروش میرفت»

هنگامی که از طرف کمپانی معادن عده ای بعنوان مهندس و کارگر از انگلستان بایران اعزام میشوند در ایران بواسطه قضیه رژی و واقعه تحریم تنباکو و شورش و مخالفت مردم با امتیاز انحصار دخانیات تنفر و بدبینی فوق العاده ان نسبت بانگلیس ها وجود داشت که بهمین جهت مردم با مهندسين انگلیسی بد رفتاری میکردند و عده ای از آنها را نیز مضروب و مجروح ساختند

میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه وزیر مختار ایران در لندن در ماه جمادی الاولی ۱۳۱۱ تسکیراف رمزی بشرح ذیل بتهران مخابره میکنند که راجع باین موضوع نیز در آن اشاره کرده است .

#### استخراج رمز از لندن

بجناب مستطاب اجل اشرف اکرم افتخام صدر اعظم روسای کمپانی امتیاز معادن ایران کاندی بشرکاء نوشته و در روزنامه های اینجا منتشر شده است که بواسطه بعضی اشکالات و عدم تقویت حکام محل و مخصوصاً بملاحظه تعدی که در ایالت کرمان و ضرب و شتم و حبس مهندس معادن روی داده مجبور شده اند که دست از کار معادن برداشته و ادعای خسارت ازدولت علیه نمایند کیفیت را بوزارت خارجه هم اطلاع داده اند و مشغولند باوجود بی اطلاعی از چگونگی باوزارت خارجه مذاکره مطلب و سؤال و جواب لازم شد جوابی هم در مقابل اعلان روسای کمپانی باین جهت اطلاع مردم نوشت مستعدی است مقرر فرمائید حقیقت مطلب را بآنچه که بنظر مبارک صلاح بیاید باتلگراف اطلاع بدهند که از روی بسیرت جواب داده شود محمد علی ۶ جمادی الاولی ۱۳۱۱

علاءالسلطنه در گزارشهای دیگری که بتهران میفرستد مینویسد .

«سرلپل گریفین (۲) مباشر رتق وفتق عمل کمپانی معادن» ادعا میکنند که بواسطه عدم حمایت دولت ایران کار کمپانی پیشرفتی نکرده و دولت ایران باید خسارت کمپانی را بدهد و برای انجام این منظور از دولت انگلیس تقاضا کرده است که در این باب بدولت ایران تکلیف شود که برای رفع اختلاف به حکمیت مراجعه گردد ولی لرد کیمبرلی وزیر امور خارجه انگلیس گفته است که نمیتواند از این پیشنهاد او طرفداری کند زیرا دولت ایران در امتیازنامه حق حکمیت را فقط بیانک داده است

بهر حال کمپانی مزبور با تقاضاهای مکرری که مدتها برای گرفتن خسارت ازدولت ایران میکرد نتیجه ای نگرفت و بالاخره مطابق فصل یازدهم امتیازنامه حق استخراج معادن در سال ۱۸۹۹ خود بخود از بین رفت .

## امتیاز لاتاری

### امتیاز نامه لاتاری

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه که زمامداران وقت با اسم «اعطای امتیازات» منابع مختلف کشور را در «بازار استعمار» بعرض حراج گذارده بودند امتیازی نیز برای انحصار

عمل لاتار و بخت آزمایی و بازیهای مربوط بان داده میشود .

مثل آنکه ناصرالدین شاه در سالهای آخر سلطنت که حب مال بر او غلبه تامی یافته بود اگر پیشنهاد فروش قطعه ای از خاک ایران را هم باو میکردند در مقابل گرفتن پول حاضر بواگذاری آن میشد مخصوصاً در سفر سوم فرنگستان که «ملتزمین رکاب» باهم مسابقه فروش وطن را با جانب گذاشته و گاه و بیگاه هر يك فقط برای منافع شخصی راههای مختلف خیانت را به «شاه» نشان میدادند .

ملکم خان ناظم الدوله بهتر از هر کس در این موارد ابتکار بخرج میداد و در حقیقت دلال ماهری برای فروش منابع ایران . بیگانگان و وسیله خوبی برای توسعه نفوذ آنان در این کشور بود .

در ماه ذی القعدة ۱۳۰۶ هجری قمری که ناصر الدین شاه در اسکاتلند در شهر «اگوستا» مشغول سیروتماش بود و کاملاً مجذوب زیبایی پریرویان انگلیسی شده و دختران قشنگ جزیره بریتانیا و زنان شیک پوش لردان انگلستان دل و دین «شاه ایران» را برده بود «پرنس ملکم خان» وزیر مختار ایران در لندن يك هزار لیره طلا «تقدیم حضور مبارک» کرده و «امتیاز دائر کردن لاتاری را در ایران» برای منشی خود تقاضا مینماید .

متن این امتیازنامه که اصل آن بخط ملکم نوشته شده بود بشرح ذیل است

#### «امتیاز لاتاری»

«نظر بدولت خواهی و خدماتی که عالیچاه مسیو بوزیک دو کاردوال نسبت بدولت»  
«علیه ایران ابراز نموده اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک ایران امتیاز»  
«کل معاملات بالاتاری و استقراضهای عمومی بالاتاری و ترتیب کمپانیهای لاتاری و»  
«فروش بلیط های بالاتاری و بازیهای عمومی بالاتاری از قبیل چرخ رولت در کل»  
«ممالک ایران از تاریخ امروز الی هفتاد و پنج سال مخصوصاً و منحصرأ باشرایط ذیل»  
«به عالیچاه مشار الیه دادند و او هم با شرط ذیل این امتیاز را قبول کرد»  
«در جمیع این معاملات و ترتیبات و استقراضهای بالاتاری که بحکم این امتیاز حق»  
«مخصوص و انحصاری عالیچاه مسیو بوزیک دو کاردوال است عالیچاه مشار الیه»  
«هر سال از منافع خالص که بمدا و وضع مخارج و ادای صد پنچ منفعت سرمایه مصروف»  
«شده حاصل بشود صد بیست بخترانه دولت علیه کارسازی خواهد کرد که اولیای دولت»

«علیه باختیار خود صرف امور خیریه ایران نمایند .  
 «دولت علیه ایران حق خواهد داشت که بتوسط یکی از مأمورین خود هر سال»  
 «حساب منافع خالص صاحب این امتیاز را تحقیق نماید اعلیحضرت اقدس همایون»  
 «شاهنشاه ایران این امتیاز را در حق عالیجاه موسیو بوزیک دوکاردوال و در حق»  
 «صاحبان حقوق او بامضای ملوکانه خود تصدیق و مقرر فرمودند و از تاریخ امروز»  
 «عهد دولت علیه ایران واجب است که حقوق این امتیاز را برای صاحب این امتیاز»  
 «بدرستی محفوظ و مجری بدارند .

«و این معنی بطور صریح مقرر است که دخیل این معاملات و بازبهای لاتری شدن»  
 «و خرید و فروش بلیطها و نمرهای قرعه و لاتری در ممالک ایران از برای احدی»  
 «بهیچوجه مجبوری نخواهد بود و در کل ممالک ایران هر کس خواه تبهه ایران و»  
 «خواه تبهه خارجه کاملاً مختار خواهد بود که بمیل خود داخل این معاملات لاتری»  
 «بشود یا نه .

«فی تاریخ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۰۶ بدو نسخه مبادله شد در ملک اکوس  
 «این قرارنامه که بزبان و خط فارسی نوشته شده است برای اجرای عمل لاتری»  
 «و قرعه در ایران صحیح است سنه ۱۳۰۶ هجری ۲۲ ذی‌قعدة در ملک اکوس امضی شد»  
 «ناصرالدین شاه قاجار  
 «ملاحظه شد بدست خط همایون روحنا فداه است شرف امضی یافته و صحیح است»  
 «امین السلطان .»

بوزیک دوکاردوال ( Buzic de Cardoel ) صاحب امتیاز منشی سفارت ایران  
 در لندن تبهه فرانسه بود که سابقاً کلنل و درمونت کارلوز زندگی میکردند است .  
 این شخص بامیر نیل خان برادر ملکم و خود ملکم در منافع این امتیاز نامه  
 باهم شریک بودند و معلوم است در حقیقت دارنده اصلی امتیاز شخص ملکم بود و اینها  
 واسطه‌ای بیش نبودند

ناصرالدین شاه از انگلستان بطرف فرانسه مراجعت مینماید و ملکم نیز همراه او  
 به پاریس میرود بالاخره بعد از چندی بامذاکرات قبلی امتیاز نامه مزبور توسط ملکم بمبلغ  
 چهل هزار لیره به دو کمپانی انگلیسی بنام «پرشن اینوستمنت کور پریشن» (۱) و «انگلو  
 اشیاتیک سندیکت» (۲) فروخته میشود.

گفتیم این امتیاز نامه هر چند با اسم منشی سفارت ایران در لندن  
 عقیده میرزا  
 بود ولی صاحب حقیقی آن میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران  
 ملکم خان  
 محسوب میشود .

بد نیست برای اطلاع از نظر ملکم در باره این امتیاز نامه و بطور کلی عقیده او  
 راجع به «سفر آخر همایونی» باروپا نامه‌ای را که بعد از مراجعت ناصرالدین شاه از  
 اروپا بعنوان قوام الدوله وزیر امور خارجه نوشته ذیلاً نقل نمایم .

(1) Persian Investment Corporation (2) Anglo-Asiatic Syndicate

« لندن - بتاریخ سوم اوکتوبر ۱۸۸۹  
 «فدایت شوم سردر ومون وولف ( وزیر مختار انگلیس در تهران ) چند روز»  
 «دیگر از لندن حرکت خواهد کرد .  
 «چند روزی در برلین و چند روزی هم در اسلامبول توقف کرده روانه طهران»  
 «خواهد شد .

«ارد سالسبوری که مدتی است بآبهای گرم رفته بود این روزها بجنوب فرانسه»  
 «رفته تاچندی در آنجاها خواهد ماند نسخه قرارنامه امتیاز لاتری که بیک ملاحظه»  
 «میخواستیم تاچندی در این سفارت نگاه بدارم برحسب اشاره اعلی درجوف این پاکت»  
 «بتوسط چاپار سفارت انگلیس فرستادم گمان بنده این است که این عمل بی آنکه هیچ»  
 «زحمتی برای دولت علیه داشته باشد از جمیع امتیازات دیگر زودتر و بیشتر منفعت»  
 «بخزانه دولت علیه برساند .

«میگویند یهودیهای اصفهان اذیت میکنند ولیکن قطعاً دروغ است و بنده بهر»  
 «زبان این شهرت لغو را تکذیب میکنم .

«اعتبار و نیک نامی و امیدهای ترقی ایران این اوقات روز بروز زیاد تر میشود»  
 «عموم مردم بر این اعتقاد هستند که دولت ایران پس از تعقل و تأمل زیاد در این سفر»  
 «آخر همایونی کاملاً معتقد و جوب ترقی شده و جاده ترقیات را بدرستی باز کرده و شکلی»  
 «ندارند که عقل و قابلیت ایرانی دولت علیه را بیشتر و زودتر از هر ملک مظهر ترقیات»  
 «بزرگ خواهد ساخت - ملکم»

ناصرالدین شاه وقتنی  
 تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۷ وارد تهران میگردد .  
 امین السلطان صدر اعظم که بجبهاتی چند با میرزا  
 امین نامه را لغو میکنند  
 ملکم خان کدورتی پیدا کرده بود در صدد عزل او از سفارت میافتد

میگویند یکی از علل مخالفت امین السلطان باملکم بواسطه عدم وفای ملکم به  
 قول بریمان خود بود - ملکم در موقع تحصیل امتیاز لاتاری بامین السلطان وعده داده بود  
 که پول گزافی که از محل فروش امتیاز نامه تحصیل میشود برای او خواهد فرستاد اما  
 ملکم باین وعده خود عمل نکرد .

از طرف دیگر وقتی خبر اعطای امتیاز لاتاری در ایران منتشر شد علماء مذهبی  
 بمخالفت با آن برخاستند و امین السلطان نیز به تحریک و تشویق آنان پرداخت تا فتوای  
 حرام بودن این امتیاز را گرفت .

عاقبت چون ناصرالدین شاه می بیند که علماء باین کار عنوان مخالف شرع و عرف  
 داده و اجراء آن باشکالات زیاد برمیخورد فسخ امتیاز نامه را اعلام و به میرزا عباس خان  
 قوام الدوله وزیر امور خارجه دستور میدهد در تاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۷ (۵ دسامبر  
 ۱۸۸۹) تلگرافی بشرح زیر برای ملکم بلندن متخا بره نماید .

«بجناب ناظم الدوله سفیر دولت ایران - لندن

« فقره لاتری چون در ایران خلاف شرع و اسباب فتنه و فساد میشد بحکم دولت موقوف شد .

« قرارنامه امتیاز آن باطل است از درجه اعتبار ساقط بسفارت انگلیس مقیم طهران »

« هم رسماً اطلاع داده شده است ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۷ - نمره ۷۷ »

نامه ای که در این خصوص بسفارت انگلیس در تهران نوشته شده باین شرح است .  
 « برحسب امر اقدس عالی زحمت افزا میشود که امتیاز لاتری که بجناب ناظم الدوله « داده شده بود بعد از آنکه معزی الیه صورت قرارنامه آنرا فرستاد و در مضمون « آن دقت شد معلوم شد که بازی های دیگر هم داخل امتیاز نامه آن کرده است که مخالف « قانون شریفه شریعت اسلام و اجرای آن در ممالک محروسه ایران متحمل ظهور بسی « مفاسد است لهذا لزوماً قرارنامه مزبور فسخ و ابطال شده بجهة اطلاع و استحضار « سفارت محترمه و آگاهی دادن هر عملی که لازم دانند زحمت اظهار داد مورخ ۱۶ «

« ربیع الثانی ۱۳۰۷ »

ضمناً به ملکم دستور میدهند پولی را که از بابت فروش امتیاز نامه گرفته بصاحبانش مسترد دارد . تلگراف ابطال امتیاز نامه را وقتی در هولاند پارک ( محل سفارت ایران در لندن ) به ملکم ارائه میدهند ملکم پاکت تلگراف را باز کرده و آنرا میخواند و سپس مجدداً تلگراف را در پاکت گذارده به پیشخدمت خود میدهد که با آورنده بدهد و بگوید وزیر مختار بمسافرت رفته و در سفارت نیست و فوراً خودش از لندن به برون موت از شهرهای جنوبی انگلستان میرود .

دعای خریداران  
 هنگامیکه اعلان بطلان امتیاز نامه در لندن منتشر میگردد  
 کمپانی های خریدار امتیاز نامه توسط سفارت انگلیس در طهران  
 بدولت ایران اعلام میکنند که دولت ایران نمیتوانسته است  
 امتیاز نامه را باطل سازد و اگر اجراء آن باشکالاتی برمیخورد باید خسارت آنهارا بپردازد

از طرف دولت به میرزا ملکم خان مجدداً دستور داده میشود که تمام پولی را که از کمپانیها گرفته زود تر پس بدهد ولی ملکم به بهانه های مختلف متعذر شده و میگوید معامله ای بوده که قبل از وصول تلگراف انجام شده و فسخ آن ممکن نیست و پول آنها بصرف رسیده است .

بالاخره چون ملکم از امر دولت خود داری میکند برحسب دستور ناصر الدین شاه در ۱۶ ماه مارس ۱۸۹۰ اعلامیه ای دائر بر عزل ملکم از وزیر مختاری ایران در انگلستان و منع استعمال القاب و عناوین او در لندن منتشر میکنند و چند روز بعد هم ملکم جواب تند و زننده ای با اعلامیه دولت در روزنامه های انگلیس منتشر مینماید .

محاكمه دريك  
 دانگاه انگلیسی  
 چنانکه گفته شد دعای کمپانی ها ابتدا آن بود که دولت ایران حق لغو امتیاز نامه را نداشته است و اگر اجراء امتیاز نامه اشکالی دارد لااقل خسارت آنها پرداخت شود . ولی دولت ایران ادعای آنها را رد میکند و میگوید جبران خسارت آنها مربوط

بدولت ایران نیست و باید خود آنها پولی را که به ملکم داده اند پس بگیرند .

بنا بدستور دولت سفارت ایران در لندن برای تهیه پاسخ کمپانیهای « پرشن اینوستمنت کور پریشن » و « انگلو اشیاتیک سندیکت » ورد دعاوی واهی آنها و کیلی استخدام میکنند و قبلاً نظریه علمای حقوق انگلستان را هم در این باب استعلام مینمایند .

ترجمه نامه ای که ویلسون بریستوهارپونل ( Wilson Bristow Harpunel )

وکیل ایران در این مورد بزبان فرانسه به میرزا محمد علی خان علاء السلطنه وزیر مختار ایران در لندن ( که بعد از عزل ملکم باین سمت انتخاب میشود ) نوشته بشرح زیر است

« لندن ۲۱ ژانویه ۱۸۹۱ »

« جنابا بوجوب دستور العمل جناب شما از سیر والتر فیلیمر

( Sir Walter Phillimore

« که از اجزاء عدالت خانه و یکی از معتبرین و کلاست استغلامی تحصیل نمودیم « در باب این مسائل که اولاً آیا دولت ایران مجبور است اعتنا به پرتست هائی بکند « که صاحب امتیاز یا انگلو از یاتیک سندیکا و پرشیان انوستمان کور پوراسیون در « باب ابطال امتیاز لاتاری اظهار داشته اند یاخیر و ثانیاً آیا میتوانند هیچ ادعائی « بدولت ایران از بابت جبران خساراتی که بواسطه ابطال امتیاز وارد شده « بکند یا نه ؟

« شرح موقعی که در آنها امتیاز عطا شده بود و اعمالی که منوط بآنها بودند و « ابطال آنرا به سیر والتر فیلیمر اظهار داشتیم و با کمال شرف سواد جواب هائی « که برای این مسائل داده لفا ارسال حضور جناب عالی میداریم ما هم ضمیمه میکنیم « که خود ما نیز بهمین عقیده هستیم چنانچه سابقاً هم بجناب شما عرضه داشته بودیم « این خود واضح است که وقتی سیر والتر فیلیمر میگوید نه انگلو از یاتیک سندیکا « و نه پرشیان انوستمان کور پوراسیون حق ندارند هیچ ادعائی بدولت ایران بکنند « مقصودش این است که ادعای آنها ابداً شرعی نمیتواند بود یقیناً است هیچ مانعی نیست « از اینکه صاحب امتیاز یا انگلو از یاتیک سندیکا یا پرشیان انوستمان کور پوراسیون « عرضیه بدولت ایران عرض کنند و استدعای جبرانی نمایند و یا باعلیحضرت امپراطوری « پادشاه عرضی در باب خسارات وارده بکنند

« ویلسن بریستوهارپونل »

ترجمه رای والتر فیلیمر

« بتاريخ ۱۷ ژانویه ۱۸۹۱ - لندن »

« لولا عقیده من این است که دولت ایران مجبور نیست اعتنا به پرتست هائی بکند « که در باب ابطال امتیاز باو عرضه شده اند پرتستهای مزبور صاحب هیچ قوه « قانونی نیستند .



«نایب انگلو آریاتیک سندیکا و پریشان انوسمنت کورپراسیون نمیتوانند هیچکدام»  
 «هیچگونه ادعائی بدولت ایران بکنند برای جبران خساراتی که میگویند از بابت ابطال»  
 «امتیاز بآنها وارد شده پادشاه ایران بحکم قدرت سلطنتی میتواند امتیاز خود را هر»  
 «طور و هر وقت دلش بخواهد بدهد و پس بگیرد. والتر فیلمر»

ظاهرا چون کمیانیهای مزبور در میانند که نمیتوانند علیه دولت ایران در محاکم انگلستان اقامه دعوی نمایند و جبران خسارت خود را بخواهند ناچار علیه مقصر واقعی یعنی میرزا ملکم خان ادعای نامنه تنظیم میکنند و از دولت ایران نیز میخواهند که مدارک لازم را در اختیارشان بگذارند تا شاید بتوانند خسارات خود را از ملکم وصول نمایند.

در این مورد میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه که بعد از ملکم بسمت وزیر مختار ایران در لندن انتخاب شده گزارشی بتهران میفرستد که متن آن و دستور ناصرالدینشاه را ذیلا نقل مینمایم

«زلندن نمره ۴۵۰»

«قربات شوم لکیدا ترهای کمیانی پریشان اینوسمنت کورپراسیون مسوده در زبان»  
 «انگلیسی نزد فدوی فرستاده و خواهش کرده اند که آنرا بطهران بوزارت جلیله»  
 «خارج بفرستد که از طرف جناب مستطاب وزیر امور جلیله خارج رسا بقدوی نوشته»  
 «و بفرستند و عین آن بمشارالیهب داده شود که هنگام مرافقه و محاکمه باملکم خان در»  
 «دستشان سنباشد اگرچه مطالب آن که دایر بصدور تلگراف از جناب وزیر امور»  
 «جلیله خارج در ابطال امتیاز لاتری بملکم خان و نبودن بانک مخصوص سفارت و غیره»  
 «است سابقا و متدرجا حسب الامر از طرف سفارت رسا بایشان داده شده است ولی»  
 «حالا محض استحکام عمل این مسوده را فرستاده و این خواهش را نیز کرده اند.»  
 «اینک سواد مطابق با اصل مسوده ایشان که در زبان انگلیسی است با ترجمه آن»  
 «بزبان فرانسه در عریضه ارسال حضور مبارک میشود که بعد از گذشتن ترجمه آنها»  
 «در زبان فارسی از لحاظ وقادانور بهر چه رای اصابت پیرای مبارک علاقه گرفته حکم»  
 «و مقرر فرمایند از آنقراد اطاعت شود و یاده جسارت است معروضه ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۰۹»  
 ناصرالدین شاه در حاشیه نامه اینطور نوشته است.

دالیه باید آنچه بر ضد ملکم در باب لاطری و تقویت به صاحبان سهام است بنویسند خوب است لیکن طوری باید نوشته شود که ریش دولت بگیرد و همایش طوری باشد که ریش آن پدرسوخته را لای تخته گذارده شود و پولشان را از آن پدرسک بگیرند و پدرش را بسوزانند.

بازرسی از  
 ملکم خان  
 بالاخره بعد از آنکه کمیانیهای سابق الذکر در یک دادگاه انگلیسی در لندن علیه میرزا ملکم خان وزیر مختار سابق ایران اقامه دعوا مینمایند و ادعای جبران خسارت میکنند از طرف دادگاه

مزبور میرزا ملکم خان احضار و ابتدا از او بازپرسی میشود برای مزید اطلاع از جریان اعطاء امتیاز لاتاری و چگونه انتقال و بعد لغو آن بی فایده نیست که خلاصه قسمتهائی از صورت جلسه بازپرسی و بیانات شهود و نمایندگان کمیانیها و همچنین ملکم را در اینجا نقل نمایم.

جریان این بازپرسی که بزبان انگلیسی بود در همان موقع بفارسی ترجمه و بتهران فرستاده شده است.

«تقریرات شهود در عدالتخانه دولتی لندن»

تقریرات (لارنس و دین کلوت) در مقابل استنطاق (مستر بولارد) دوم مارچ ۱۸۹۱  
 یک عده اشخاص از محترمین که وجهی معین نموده و منتظر بودند که هر وقت کمیانی تشکیل یابد بولی بدهند و سند اسهام بگیرند و من نیز یکی از این اشخاص بودم.

(کارچیل) و (ماکدونالد) از اجزای بانک جدید شرقی و (فردریک بورت) صراف و (کورن هیل) و (دایبل کنیک) شرکت داشتند ولی این دو نفر آخری قبل از تشکیل کمیانی کنار رفتند.  
 مقصود ما این بود که بعضی امتیازات از دولت ایران حاصل نمائیم و از برای کسانی که در صد استحصالی و قرار داد این امتیازات باشند تنخواهی تهیه نمائیم قبل از تشکیل کمیانی قریب بیست و هفت هزار پوند بجهت این مقصود در عهد بعضی اشخاص قرار گرفت.

جنرال میکائیل خان واسطه از برای تحصیل اطلاع و استحصالی امتیازات بوده ملکم خان نیز برای تحصیل اطلاع و یکی از وسائلی استحصالی امتیازات بود و بعضی اشخاص در ایران بودند که بالاخره در این مرافقت علاقه داشتند چه از صاحبان مناسب و چه غیره.

امتیازاتی که می بایست حاصل شود ساختن راه آذربایجان و امتیاز جنگل های آن مملکت و دریاچه ارومیه بود.

بعضی امتیازات دیگر و امتیاز تنباکو از برای (کردیت فنیس) و سایرین در ایران استحصالی شده بود این امتیازات حاصل گشت اما تحصیل آنها قبل از درج شدن سند بیکت در دفتر کامل نشده بود و من از امتیاز قرعه ایران از طرف شاه اطلاع داشتم که هنگامی که شاه در اسکاتلند بود در ۲۰ جولای ۱۸۸۹ واقع گشته بود لیکن این اطلاع بعد از عزیمت شاه از انگلیس و پاریس بود و تحصیل این خبر را من از کافندی که (کلنل وسچامیس) از پاریس بمن نوشته بوده نمودم باین مضمون که قرارداد فروش امتیاز قرعه در میان است و این امتیاز بصاحب منصبان سفارت ایران داده شده بعضی شنیدن این خبر من خواهش نمودم که (انگلو ایزبانیک سندیکت) از این مطلب مطلع شده و آنها موافق قراردادی که قبل از تشکیل کمیانی داده شده بود حق اولی در خریدن این امتیاز داشتند و قرار داد مزبور در میان (کلنل وسچامیس) و میکائیل خان و اجزای سفارت باضمام خود پرسی داده شده بود و مخصوصا این امتیاز یکی از امتیازاتی بود که من قدر و قیمت آن را بصاحب منصبان سفارت القاء نموده بودم و من در آن وقت در لندن از طرف دولت ایران جنرال قنصل بودم در واسطه ماه سپتامبر ۱۸۸۹ من از این امتیاز قرعه اطلاع حاصل نمودم و کافندی که من در این باب به (وسچامیس) نوشته بودم جوابش بواسطه تلگراف این شد که او پرسی ملکم خان بزودی بانگلیس مراجعت خواهند نمود و پس از آن بانک فاصله با با اتفاق یا بافراده وارد انگلیس شدند.

خلاصه کیردول و من از طرف (اینوسمنت کمیانی) و پرسی ملکم خان از طرف فروشنده در ۳ اکتوبر ۱۸۸۹ قراردادی منعقد نمودیم.

و بابت قسط اول بیست هزار پوند از بانک جدید شرقی قرض نمودیم و امتیازنامه را نزد آن بانک رهن گذاریم.

بعد من و (مستر کارچیل) و (مستر ماکدونالد) برات بانک شرقی را که محتوی مبلغ مزبور بوده در (هولاند پارک) که محل سفارت ایران بود به پرسی ملکم خان داده امتیازنامه اصلی که معمور به مهر شاه بود گرفتیم.

قسط دوم که میبایست قبل از دوم نوامبر داده شود چهار هزار پوند بود ولیکن بواسطه نارسائی وعدم کفایت شرکای (پرسی اینوسمنت کورپراسیون) از طرف عامه بیست هزار پوند تبدیل یافت.

وقتی که ملک‌خان را ملاقات نمودم که بیست هزار پوند تخفیف داده شود او مرا ملامت کرد و بالاخره راضی شد و این مبلغ را که نصف مبلغی بوده که میبایست داده شود از طرف (پرشن اینوستمنت کورپوریشن) به ملک‌خان داده شد.

سر مایه که شرکای (پرشن اینوستمنت کورپوریشن) بعهده گرفته بودند عبارت بود از یکصد و چهل هزار پوند.

وقتی درماه جنیوری ۱۸۹۰ پرس ملک‌خان از سفارت معزول شد من از او استفسار نمودم که آیا عزل او باعث تعرض و مزاحمتی باین امتیاز خواهد بود یا نه او بواسطه نمودن بعضی تلگرافات و مخایرات بین عدل نمود که او هنوز در نزد شاه مورد عنایت و دارای افتخار است و عزل او و نصب محمدعلی‌خان (علاءالسلطنه) بسفارت بواسطه مخالفت شخصی او و وزیر اعظم است که در نزد شاه مقتدر است.

چنان بخاطر دارم که در شانزدهم دسامبر درهولاند پارک محل سفارت ایران مجالس ملاقاتی با حضور (سیر کورهایتر) و (مستر اریز) از جانب (اینوستمنت کورپوریشن) و پرس ملک‌خان و مستر میکائیل ابراهام و کلنل وسپامیس و میکائیل‌خان تشکیل شد من از ملک‌خان خواهش نمودم که تنخواهی را که گرفته مسترد دارد و گفت که تنخواه بمصرف رسیده و معامله گذشته و امتیازنامه بقوت خود باقی است.

وقتی که بپرس ملاقات نمودم خیلی تاکید در ادای وجه امتیاز نمودم که آن وجه بایستی در ایران به بعضی از ایرانیها عاید شود این واقعه وقتی اتفاق افتاد که تشکیل کمپانی پتاکسیر افتاد و او بمقصد من فرستاد و همچنین در موقعی که من بدیدن او رفتم که چهل هزار پوند را تخفیف به بیست هزار پوند بدهم نیز این صحبت واقع شد.

خلاصه تمه استنطاق (لارنس و دین کلوت) در سیم مارچ

تمام مطالب راجع است باینکه من دارای تلگرافات و امتیازات دیگر هستم و امتیازاتی که توسط من حاصل میگشت به (انگلوایرانیاتیک سندیکت) منتقل میگشت و به ملاحظه یکی از آنها به تشکیل یک کمپانی در تحت این اسم (فریکو پرشن کمپانی) اقدام شد که دارای یک میلیون لیره استرلین سرمایه بود این کمپانی نه تنها باین امتیازات بلکه بامتیاز قرعه نیز باید عمل نماید. ملک‌خان نیز از جمیع مطالب با اطلاع بود و سندیکت از ملک‌خان خواهش نموده است که لفظ (استیت لائریز) باین کمپانی اطلاق شود و من ملک‌خان را ملاقات کردم او راجع به تشکیل این کمپانی خیلی تاکید میکرد زیرا که وجه قیمت امتیاز میبایست بایران آبر برای اشخاصی که مربوط باین عمل بوده اند فرستاده شود. تقریرات ملک‌بعد از ادای قسم در مقابل استنطاق مستر بولارد (مستر کامبل از جانب پرس ملک‌خان و کالت نمود)

د من پرس و خان و ناظم الدوله دولت ایران هستم تمامه جنیوری ۱۸۹۰ چند سال بود که از طرف دولت ایران در دربار لندن سفیر بودم و پس از آن از این عمل انفسال یافته لیکن حفظ اختارات خود را نموده ام و اکنون نمیدانم که سفیر هستم یا نه.

مسافرت شاه در این مملکت و سایر بلاد فرنگستان را در سال ۱۸۸۹ بخاطر دارم. قبل از آن بجهت استحصال امتیازات ازدولت ایران توسط مردمان دیگر اطلاعی نداشتم ولی مذاکراتی در افواه بود که امتیازاتی داده شده و سابق نیز از من تقاضائی برای این امتیازات شده بود و من امتناع میکردم بالاخره صدر اعظم بمن اصرار نمود که برای منافع مملکت آنچه در قوه دارم امتناع نکنم تا اینکه خود شاه تاکید بلیغ نمود که حتی المقدور در این مطلب بوزاری او کمک کنم اگر چه از اول جزئی مددی در این باب بانها مینمودم لیکن بعد از اصرار شاه بجهت وجه عمل نمودم و اگر چه قبل از آن از توانگران انگلیس در این قرعه تمنا نموده بودم لیکن از روی اطمینان نبود اما پس از فرمایش شاه بکوشش و اطمینان در این باب ایستادگی نمودم.

در موسم تابستان ۱۸۸۹ من پاشاه باسکاتلند رفتم از جمله امتیازاتی که ملینا از من درخواست شده بود

یکی امتیاز قرعه ایران بود راجع باین امتیاز پاشاه و صدر اعظم گفتگو نمودم. شاه و صدر اعظم هر دو گفتند که در همان لحظه اعطای شود نظر بر اینست که در میان ما گفتگو شده بود شاه میخواست امتیازات دیگری نیز بمن بدهد لیکن در آن مطالب قدری فکر و تأمل لازم بود.

موجب این شد که در همان وقت امتیازنامه را که سابق در میان من و کسانی که استدعای آن را نموده بودند ترتیب یافته بود بپاشاه تقدیم نمودم.

شاه و صدر اعظم آن را در ۲۰ جولای ۱۸۸۹ در حضور خود من مهر و امضاء نمودند امتیاز نامه بخط من و بنام (بوزی دو کاردوال) بود شاه و صدر اعظم در آن رسیدگی و دقت نمودند و درباره این عبارت

«ده دو آن بخترانه دولت ایران رسیده و دولت ایران آن را بطیب خاطر در راه نیکبختی مملکت صرف نماید» شاه از من سؤال نمود که بچه سبب این عبارت نوشته شده است من ایشان را مطلع نمودم که در بعضی ممالک نظر بدیانت و تقوی بعمل قرعه اعتراضی وارد میآوردند. شاه بطرف وزیر اعظم برگشت و گفت «خیر این قرعه را فهمیده ام و این مطلب در دین ما نامشروع نیست»

بوزی دو کاردوال نویسنده سفارت ما و کلنل فرانسه و مدتها در دعوت کارلو بود.

این شخص در منفعت این امتیازنامه باشخاص دیگر از جمله میکائیل‌خان برادر من شراکت دارد حقیقت مطلب این است که بعضی ز مردم ایران قبل از آنکه اعطای این امتیاز لزوری حقیقت صورت گیرد منفعتی از آن بردند و بعضی دیگر بواسطه فرار و مدار مخفی که با صاحب امتیاز داده بودند بعد از فروش امتیاز حصه و قسمتی از منفعت به آنها عاید گشت.

امتیاز را طوری نوشتم که بعدها جای حرفی باقی نباشد.

میرزا ملک‌خان در جلسه بعدی استنطاق که در ششم ماه مارس منعقد میشود راجع باین که دادن امتیاز در ایران بموجب میل شاه است و چون قانون حمایت اتباع خارجه در ایران هست فقط اتباع بیگانه میتواند امتیازات بهره مند شوند و اتباع ایران اگر امتیازی بگیرند چون کسی از آنها حمایت نمیکند در هر آن ممکن است فسخ شود صحبت میکنند. جلسات محاکمه مدتها بطول انجامید و سر انجام محکمه میرزا ملک‌را محکوم به کلاهبرداری کرد ولی چون ملک‌در همان محکمه ادعای افلاس نمود کمپانیهای خسریار موفق نشدند خسارات خود را از او بگیرند

### بی اعتباری دولت ایران

این جریان یعنی تحصیل و لغو امتیاز لائری بشرحی که گذشت مخصوصا که مقارن همان وقت امتیاز انحصار دخانیات (رژی) نیز لغو شده بود گذشته از زیانهای مادی برای دولت ایران لطمه

شده بدی به حیثیت و آبروی ایران در خارج و ارد ساخت و مدتها باعث بی اعتباری و عدم اعتماد بدولت ایران شده بود البته این وضع یعنی بی اعتباری دولت ایران از آن جهت که تا چندی مانع اعطاء امتیازات تازه ای به بیگانگان بود برای ملت ایران نتیجه بهتری داشت ولی ظاهرا چون دولت ایران میخواست برای چبران خسارات کمپانی انحصار دخانیات (رژی) از سرمایه داران انگلیس پولی قرض بگیرد ناچار برای اعتبار خود خسارت کمپانی های «پرشن اینوستمنت کورپوریشن» و «انگلوایشیاتیاتیک سندیکت» رامی بردارد.

«میسوارنستین» که مدتها با سمت کنسول افتخاری مستشار امور اقتصادی و سیاسی ایران در لندن بوده گزارشی راجع باین موضوع برای میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم تهران فرستاده که متن آنرا در پایان این قسمت نقل مینمایم.

حضرت اشرف بسیار عزیزم

سابقا عرض کرده بودم که بانك شاهنشاهی از انجمن « ستك اكس شانز » خواهش کرده بود اجازه بدهد اسناد استقرار دولت ایران را در بازار لندن بعیار معینی رواج بهم رساند با کمال تاسف عرض میکنم که این خواهش بانك مقبول نیفتاد و انجمن مزبور بدون اینکه جواب یاس بدهد رای خود را در این باب بوقتی دیگر موکول ساخته است با اینکه از برای من محال است بتوانم علت عدم موافقت انجمن را باین خواهش بانك تحقیق کنم چرا که انجمن حق دارد بدون اقامه دلیل در اینگونه امورات رای بدهد معذرا علتش بر هیچکس پوشیده نیست و آن علت این است که چندین نفر از اجزای معتبر آن انجمن اشخاصی هستند که برای امتیاز لائری میافها پول بملک خان داده اند و پول آنها از میان رفته است و تا عمر دارند مدعی عدم اعتبار دولت ایران خواهند بود و اشخاص مزبور بودند که انجمن را مانع قبول خواهش بانك شدند و من بعد هم در هر عملی که راجع بسایران باشد تا قوه دارند کسار شکنی و خراسی خواهند کرد .

ناچار شدم باجمعی از آنها ملاقات کردم و آنچه در قوه داشتیم کردم که بلکه به آنها نابت کنم که در این عمل لائری دولت ایران بجز راستی و حقگوئی کار دیگر نکرده است و تمام ثقل از طرف ملکم بوده است توانستم خیال و عقیده آنها را تغییر بدهم حرف آنها این است که ما پول خود را باعتبار اعضای اعلی حضرت شاهنشاهی بسفیر ایران دادیم نه باعتبار شخص ملکم خان و در حقیقت هم در طی مرافعه ثابت شد که بیست هزار لیره اولی را در وقتی ملکم گرفت که هنوز سفیر ایران بود و امتیاز را دولت ایران باطل نکرده بود بیست هزار لیره ثانوی را در ۱۳ دسامبر سنه ۱۸۸۹ دادند یعنی هشت روز بعد از تاریخ ابطال امتیاز و ابطال مزبور در ماه اول سنه بعد با اطلاع آن هارسید با اینکه حرف آنها و ادعائیکه از دولت ایران میکنند صحیح نیست و بدولت ایران حقی ندارند و ملکم خان بتقلب پول آن هارا خورده است معذرا چون اشخاصی هستند که در همه جا نفوذ بسیار دارند و تا عمر دارند باعتبار دولت ایران ضدیت خواهند کرد بعقیده من بهترین است آن هارا بیک طوری راضی باید کرد و از ضدیت بادولت ایران و اعتبارش در بازارهای لندن و فرنگستان انداخت اعتقاد من این است که اگر از جانب دولت ایران بمن ماموریت داده شود می توانم بنصف پولی که آن هارا خرج کرده اند راضی نمایم و آن هم نه پول نقد بلکه با اسناد استقرار دولت ایران باین معنی که از برای تحقیق صحیح و استنادیکه بعین مشاهده کرده ام مبلغ پنجاه و نه هزار لیره اشخاص مزبور خرج امتیاز لائری کرده اند میشود آن هارا ببدان سی هزار لیره اسناد استقرار دولت ایران قانع ساخت و از ضدیت انداخت و برای خریدن این سی هزار لیره اسناد استقرار تقریبا نوزدهالی بیست هزار لیره پول نقد لازم است چرا که در این تازه بانك شاهنشاهی معادل بیست و پنجاه هزار لیره اسناد مزبوره را از قرار ۶۰ و نیم درصد خریداری کرده و دولت ایران می تواند از بانك خواهش کند بیست و پنجاه هزار لیره اسناد مزبوره را ب همان قیمت که خریداری کرده است بدولت واگذار نماید باقی میماند پنجاه هزار لیره دیگر که باید اسناد خریداری کرد .

این پنجاه هزار لیره اسناد را هم می شود از قرار صدی ۶۵ خریداری نمود بناء علی هذا سی هزار لیره اسنادی که لازم است میشود بمبلغ بیست هزار لیره نقد خریداری نمود هر گاه این اسناد را بانك بدست من بدهد امیدوارم بتوانم تمام آن اشخاص را راضی نمایم و من بعد بر عکس گذشته در هر مقام حامیهای معتبر اعتبار دولت ایران باشند .

شکی نیست که بانك چنین عدالت و درست کاری دولت ایران اسباب شهرت او در تمام روی زمین می شود و اعتبار رفته او صد مقابله بجای خود برمی گردد و در کارهای راجع بدولت ایران اعتماد در قلوب مردم جاگیر می شود و سرمایه های خارجی که بدون آنها هیچ کار بزرگی نمی شود کرد رو بایران میکنند .

خیلی افسوس دارم که وقت عزیز کران بهای حضرت تعالی را مصروف باین گونه کارهای دل ناپسند مینمایم ولی یقین دارم وقتی بقصد باطنی من بر خورید از این زبان درازی مفهوم خواهید فرمود از حضور مبارک استدعا دارم مراتب مروضه را بنظر دقت ملاحظه فرمائید و آن چه در این باب رای مبارک همایونی علاقه گرفت بمن اطلاع بدهید .

با کمال شرف فدوی صدیق دوستانه حضرت تعالی

ارستین



## امتیاز ساختن راه طهران

### بسواحل خلیج فارس

علاقه انگلیس ها به ایجاد این راه و مکتوبات مربوط بآن

انگلیس ها از همان هنگامیکه در صدد بدست آوردن اجازه کشتی رانی در رود کارون افتادند ساختن راه طهران و سواحل خلیج فارس را نیز از نظر دور نداشتند چنانکه در فصل مربوط برود کارون دیدیم ناصرالدین شاه نوشته بود موضوع ساختن راه طهران و محصره و کشتیرانی رود کارون در موقع جنگ ایران و انگلیس بر سر هرات در میان بود که در عوض واگذاری هرات بایران کشتیرانی در رود کارون برای انگلیسها آزاد و راه طهران و محصره ساخته شود بهر حال سا لها این موضوع از طرف انگلیسها جدا تعقیب میشود و برای انجام آن دولت ایران را مورد تهدید و فشار قرار میدادند - روی دولت ایران در مقابل انگلیسها مانند قضیه رود کارون با دادن وعده و با امروز و فردا گذراندن بود تا بالاخره هنگام صدارت امین السلطان امتیاز این راه توسط یحیی خان مشیرالدوله بانگلیسها داده میشود .

لرد کرزن در کتاب خود مینویسد .

..... مدتهاست که احساس شده ایران محتاج براه می باشد . هر کسی در آن مملکت مسافرت نموده بخوبی می داند که عبور از آن راهها با اسبابهای چاپاری و کاروان چقدر مشکل است و چه مقدار باید وقت تلف کرد و مخارج آن چه اندازه زیاد است . هوش سرشار سرجان ملکم در اوایل قرن فملی ( ۱۲۱۵ قمری - ۱۸۰۱ میلادی ) این مسئله را خوب درک کرده بود و بشاه وقت ( فتحعلی شاه ) پیشنهاد نمود چه خوب از آن استقبال شد و صدای شادی به آسمان رسید و فرمان شاهنشاهی برای ساختن آن ها صادر گردید و در آن نوشته بود ( طوری که ابلیجی محترم اظهار داشته است ) اما امین الدوله وزیر مالیه آن عصر دستهای خود را بهم مالید و گفت آقای ابلیجی این جا ایران است .

حال قریب هشتاد سال متجاوز است که از زمان سرجان ملکم میگذرد و موضوع راه حل نشده است هنگامی که من در ایران مسافرت می کردم فقط دوراه شوسه موجود بود یکی راه طهران بقم و دیگر راه طهران به قزوین - برای ساختن راه قزوین هشتاد و هفت هزار تومان خرج شده و برای راه قم قریب سی و پنجاه هزار تومان

قبل از آوردن متن امتیاز نامه اعطائی بمشیرالدوله و چگونگی جریان بعدی آن برای مزید اطلاع از مذاکرات دولت ایران و سفارت انگلیس در این باب بعضی از نامه ها و مکاتباتی را که بدست آورده ام بترتیب تاریخ ذیلا نقل مینمایم .

رانلد تامسن شارژ دافر انگلیس در تاریخ ۲۸ محرم ۱۲۹۶ هجری قمری هنگامی که برای گرفتن اجازه کشتیرانی در رود کارون بدولت ایران فشار می آورد در خصوص ساختن راه طهران بیوشهر این نامه را بمیرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ایران مینویسد .

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع راجعت میدهد

« امروز صبح شفاها از آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهش شد که در « خصوص ساختن راه از اینجا بیوشهر قرار بیکه داده شده رسماً بدوستان نگاشته که « بلندن فرستاده شود چون چار سفرارت روز دوشنبه آینده عازم است مجدداً با کمال احترام « خواهش میشود که فقره مزبور را زودتر محبت فرموده بسفارت افاض فرمایند که به چار « مذکور برسد و همچنین فقره رود کارون را از آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع « خواهش مند است که چنانچه وعده فرمودند بمرض مبارک اعلیحضرت اقدس شهر یاری « رسانیده جواب اخیر را حاصل و دوستان را مستحضر فرمایند که آنهم بانوشتجات « سابق در این خصوص بتوسط چار سفرارت فرستاده شود در باب فقره که صبح مذاکره « شد تفصیل صحبت خود را تلخیص کرده نگاشته و ارسال داشت ولی در خصوص تلگرافی « که اظهار داشت که از جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه از لندن رسیده لازم دانست « که خاطر مودت مظاهر را باین نکته ملتفت سازد که دوستان تلگراف خود را دیروز « سه ساعت بفروپ مانده کرد و چون بمحض رسیدن پیش از غروب جواب فرستادند این « فقره دقت جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در « این خصوص ظاهر میسازد زیاده زحمتی ندارد .

فی ۲۸ شهر محرم ۱۲۹۶ مهجلی مهربانندلطامسن

در چهارم ماه شوال ۱۳۰۲ هجری قمری ناصر الدین شاه به میرزا محمود خان ناصر الملک وزیر امور خارجه مینویسد .

« جناب وزیر امور خارجه در باب راه محمره که بشما دستور المللی داده بودم که با وزیر مختار انگلیس حریف بنید فراموش کردم که از شما تحقیق کنم بر این باب چه کرده اید البته تفصیل اقدامات و مذاکره خودتان را که چه گفتید و چه جواب داده ام بمرض برسانید که اطلاع حاصل شده لازم است ۴ شوال ۱۳۰۲ ناصر الملک جریان ملاقات خود را با وزیر مختار انگلیس اینطور شرح میدهد .

« قربان خاکبای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم

در باب راه محمره خانه زاد حسب الامر قدر قدرت همایونی وزیر مختار انگلیس را ملاقات کرده گفتگو نمود جواب مشارالیه این شد که دولت انگلیس چندی قبل در باب راه برای ازدیاد مراد این دولت که حالاً روسها اسباب قطع آنرا فراهم آورده اند تنائی کردند بمناز مذاکرات زیاد قبله عالم بمن وعده صریح داده و مرا مامور فرمودند که وعده ملوکانه راه باولایای دولت انگلیس بنویسم و باحال در باب قرار با رابط را استقرض یا فرستادن مهندس از جناب دولت انگلیس امر فرمایشی شده بود و حال که امر مقرر شده است اما در باب مهندس یک نفر مهندس مستخدم دولت که محل وثوق دولت وعامه است چندی قبل رفته و این راه را دیده است خلاصه راپورت یا تصنیف او را که از لندن فرستاده اند میدهم تقدیم خاکبای مبارک کنید در همان مجلس ترجمه خلاصه آنرا نموده و بعد برای خانه زاد فرستاد خانه زاد گفت در این خلاصه اسمی از مخارج راه برده نشده و مقصود این است که مخارج همین شود همان مبلغ را استقرض فرموده و بهمان خرج به انگلیس مقاطعه بدهند جواب داد که مخارج را هم نمیتوان بهسوت معلوم کنم و وعده کرد که معلوم نموده بفرستد ترجمه خلاصه راپورت مهندس که وزیر مختار بخانه زاد داده در جوف عریضه چاکرانه از لحاظ انور همایونی خواهد گذشت استعد عا دارد چون نسخه منحصر بقدر است مجدداً بچار مرحمت شود که برای گفتگوی مجدد حاضر باشد اما در باب قرار با رابط و استقرض گفت چون فرمایش شده بود تا حال سوالی نکرده ام حال که فرمایش شده است هر دو فقره را با چار مخصوص مقرر خودمان مینویسم و زود

جواب تحصیل میکنم لیکن این مسئله را باید بداید که دولت همیوقت ترش نمیدهد رسم نیست اگر بدهند ملت و بانکیه های معتبر میدهند این امر را باید من بمجلس تجارت (شامبر دو کمرس) بنویسم و خواهم نوشت چه بلندن وجه بهندوستان جواب زود میرسد عجلاناً چنانچه خانه زاد بخاکبای مبارک عرض کرد ای فقیر مسکوت عنه میماند تا جواب برسد دیگر هر روز نخواهند گفت چه شده محض امتثال فرمایش جهانمطاع همایونی خلاصه گفتگو اینست که بمرض رسید تا خود خانه زاد شرفیاب خاکبای مبارک همایونی شده مراتب معروضه را مفصلاً بمرض برساند و همچنین جسارت و زبده در تمام فقرات رای قاصر چاکرانه خود را معروض خواهد داشت که در استقرض چه ملاحظاتی است و فرضاً قرض دادند در باب راه کیلان که اگر اقدام بساختن آن نشود روسها خیلی بسدا در می آیند چه باید کرد .

در باب فقره حرکت باطریول (۱) یا قراول روس امروز ترجمه که غمحرما از وزیر مختار انگلیس بمرض رسانید بعد از مرخصی از خاکبای مبارک و مراجعت بمنزل مراسله رسمی راجع به همین فقره از وزیر مختار رسید لازم بود ملفوف عریضه چاکرانه تقدیم نماید و مقصود جز اطلاع خاطر مبارک نیست چون جواب همان است که امر و مقرر گردیده و خانه زاد همانطور خواهد نوشت و باید منتظر جواب صریح قطعی از جناب آصف الدوله شد الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

در حاشیه این گزارش ناصر الدینشاه نوشته است .

« جناب وزیر امور خارجه جواب بکافذ وزیر مختار بنویسد که هرگز دولت ایران اجازه این نوع تخطی هارا بدولت روس نداده است و اگر بداند که حقیقتاً آنها این نوع رفتار کرده اند البته پروتست سخت خواهد کرد بدولت روس از حاکم خراسان تحقیق بعمل خواهد آمد جناب وزیر .

در فقره راه انشاء الله در مراجعت خود بصاحب قرآینه بتفصیل بمرض برسانید حکمتر میشود همراهی دیگر از این بیشتر نمی شود اگر احوال کنند خود کرده اند دیگر بمناهی بوجه دخلی نخواهد داشت در باب باطریول روسها امروز تلگراف مفصل جن داری به آصف الدوله کردم باید منتظر جواب آن بشویم هر وقت رسید بشما اطلاع میدهم حالا ما خودمان در حقیقت خبر صریح نداریم .

نامه سفارت انگلیس مورخ ۴ محرم ۱۳۰۳ هجری قمری بنام ناصر الملک وزیر امور خارجه « جناب جلال و نبالت نصایبنا فخرامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقاً « مکرما مهرباناً

« خاطر محترم آنجناب بخوبی مستحضر است که حال تقریباً سه سال متجاوز است « که در باب افتتاح راه از دارالخلافت طهران الی شوشتر و محمره از طرف بروجرده « کراراً دوستان با وزارت جلیله امور خارجه در این خصوص کتبا و شفاها و پیغام « مذاکرات نموده و به علاوه عریضی که در این باب بتوسط وزارت جلیله امور خارجه « بحضور مکرمت ظهور اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی معروض افتاد و دوستان هم « بلا واسطه چند فقره از فواید و منافع افتتاح این راه در پیشگاه حضور مبارک اعلیحضرت « همیون شهریاری عرض نمود و پس از توجهات کامله و مذاکرات عریضه در مجلس « شورای اعظم رای انور ملوکانه بر احداث و افتتاح این راه قرار گرفت و مکرراً از « جانب سنی الجوانب همیونی و وزرای معظم دولت علیه ایران باولایای دولت انگلیس « بتوسط دوستان اطمینان داده شده که یقیناً راه تجارت از این طرف مفتوح خواهد

«گردید لکن بعد در خصوص مخارجی که برای افتتاح این راه لازم بود مذاکرات عیدیه بمیان»  
 «آمده تا اینکه در آخر بجناب جلالتمآب فرمودند که آیا ممکن است دولت هندوستان»  
 «در باب مخارج این راه همراهی نمایند و تنخواهی که برای این کار لازم است موجود»  
 «کنند آنوقت قراری داده میشود که دولت علیه ایران تاوقت پرداختن اصل تنخواه»  
 «منافم آنرا برساند دوستدار هم این مطلب را بدولت متبوعه خود راپورت نمود»  
 «اوقاتی که آنجناب جلالتمآب عزیمت بآبکرم فرموده بودند جناب دبیرالملک چند»  
 «فقره ابلاغ فرمایشات اعلیحضرت اقدس همیونی را در اینخصوص بدوستدار نمود»  
 «مبنی براینکه رای انور همیونی جدا برفتحاح این راه قرار گرفته است که همان»  
 «طوری که با آنجناب جلالتمآب قبلاً مذاکره شده بود دوستدار اقدام نموده تمام»  
 «نمایند لکن از آن وقت تاکنون دیگر هیچوجه مذاکره در این باب بادوستدار نشده»  
 «و ممکنون خاطر مهر مظاہر ملوکانه در اینخصوص برای دوستدار معلوم نیست و از»  
 «آنطرف هم این اوقات گفتگوی سرحدی باتمام رسیده و یقیناً دولت هندوستان»  
 «در مقام اظهار این مطلب برآمده وجهه تمویق را از دوستدار مستفسر خواهد شد و»  
 «دوستدار هم در حقیقت نمی داند که بعد از آن اطمینانهایی که سابقاً داده است حال»  
 «چه نوع این مطلب را بیان نماید لهذا در این وقت با کمال احترام خواهشمند است که»  
 «عیناً همین مراسله را بطوری که مقتضی میدانند بحضور مراحم ظهور اعلیحضرت»  
 «اقدس همیونت شاهنشاهی تقدیم نمایند و هر جوابی که مقرر فرمودند برای اطلاع»  
 «دوستدار مرقوم و ارسال فرمایند که منظور و مقصود اصلی دولت علیه ایران در این»  
 «باب مفهوم و توضیحا مراتب رابدولت متبوعه خود اطلاع بدهد»

«زیاده تصدیع نمی افزاید فی ۴ شهر محرم ۱۳۰۳ محل مهر (رانلد طامسن)

دولت ایران در جواب سفارت انگلیس این موضوع را موکول بآمدن ظل السلطان  
 بتهران مینماید و موقعی که ظل السلطان بتهران میآید سفارت انگلیس اینطور مینویسد  
 «جناب جلالت و نبالت نصاباً فخامت و مناعت انتساباً دوستان استظهاراً مشفقاً»  
 «مکرماً مهرباناً»

«آنجناب جلالتمآب بموجب مراسله که مورخه بیست و چهارم شهر محرم سنه ۱۳۰۳»  
 «جواباً باین سفارت ارسال فرموده بودند مرقوم شده بود که بعد از ورود حضرت»  
 «مستطاب اشرف ارفع والا ظل السلطان گفتگوی راه شوشتر و محمره را بحضور»  
 «حضرت مستطاب معظم له مطرح مذاکره نمایند این خبر بهجت اثر همان وقت»  
 «بدولت انگلستان و هندوستان اطلاع داده شد و حال چون حضرت مستطاب معظم له»  
 «ورود بدارالخلافه طهران نموده اند لهذا دوستدار در این وقت با کمال احترام از»  
 «مضمون مراسله مزبور خاطر مودت متأثر آنجناب جلالتمآب را یاد آور میگردد و»  
 «امید دارد که در انجام این مسئله که برای دولت علیه ایران تجارتاً و هم منفعتاً»  
 «مفید است اقدام شایسته بعمل آورند بنا بر این دولت انگلستان و هندوستان در اتمام»  
 «این مطلب کمال شوق و میل را دارند و امیدوارند که این مسئله بادقت تمام مطبوعی»

«بطور خوشی اتمام و انجام پذیرد و از این گذشته جناب جلالتمآب سیر رائلد طامسن»  
 «چندین فقره اظهارات مرحمت آمیز اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی را در»  
 «اینخصوص مبنی بر اتمام این عمل بدولت متبوعه خود را یرت نموده اند لهذا کمال»  
 «تأسف و تأثر حاصل خواهد شد اگر این موقع حالیه از دست برود در صورتیکه»  
 «آن نتیجه که منظور و مقصود است از میانه فوت شود»  
 «زیاده تصدیع نمی افزاید همواره احترامات فائقه را نسبت بآنجناب جلالتمآب»  
 «تجدید مینماید»

«فی ۸ شهر صفر سنه ۱۳۰۳ محل مهر (نیکلسن)

سفارت انگلیس چند روز بعد در دنباله نامه فوق مجدداً در تاریخ ۲ دسامبر ۱۸۸۵

چنین مینویسد

«جناب جلالت و نبالت نصاباً فخامت و مناعت انتساباً دوستان استظهاراً»  
 «مشفقاً مکرماً مهرباناً»

«چند روز قبل دوستدار شرف آنرا داشت که مراسله مبنی بر افتتاح راه محمره»  
 «دوشوشتر بطهران نزد آنجناب جلالتمآب ارسال نمود که در مراسله مزبور خواهش»  
 «شده بود که آنجناب جلالتمآب حال که حضرت اشرف والا ظل السلطان در اینجا»  
 «تشریف دارند قبول زحمت فرموده این مسئله را در مجلس شورا مطرح مذاکره»  
 «نمایند - در دستار از قراریکه استماع نموده است چندین دفعه در مجلس شورا در»  
 «این باب مذاکرات بعمل آمده است لهذا کمال امتنان را حاصل خواهد نمود اگر»  
 «آنجناب جلالتمآب دوستدار را مستحضر فرمایند که آیا قراری در اینکار داده شده است»  
 «یا خیر چنانچه خاطر محترم آنجناب جلالتمآب مستحضر است اعلیحضرت اقدس شهریاری»  
 «بجناب جلالتمآب وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان وعده فرموده بودند که»  
 «حکم اجازه ساختن این راه را مقرر خواهند داشت که صادر نمایند بنا بر این چنین»  
 «گمان میکنند که مذاکرات در مجلس مزبور درباره جزئیات این مطلب وده است لکن»  
 «خود مسئله چنانچه جناب جلالتمآب وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدولت»  
 «متبوعه خود اطلاع داده اند اصلاً از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایونی قبول»  
 «شده است و از مضمون مراسلاتی که دوستدار از جناب جلالتمآب مار کو بزاف سالزبری»  
 «وزیر امور خارجه دولت متبوعه خود وصول نموده است چنین استنباط مینماید که»  
 «مسئله افتتاح این راه عبور میانه جنوب ایران و پای تخت این مملکت بجهاتی که»  
 «بر خود آنجناب جلالت مآب واضح است بنظر اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه»  
 «انگلستان و هندوستان کار عمده میباشد و خیلی مسرور خواهند شد که بدانند اشکالی»  
 «در این کار نیست و شروع بساختن راه تجارت مزبوره در جنوب ایران شده است و نیز»  
 «دوستدار لازم میدانند که خاطر محترم آنجناب جلالتمآب را مطلع سازد»  
 «از اینکه اگر چه قبول ساختن راه مزبور که اول قدمی است بجهت مطلبی که»  
 «منظور است ولی بنفسه نمیتواند مایه ترقی و پیشرفت تجارت ایران شود و اعلی درجه»

«آنها متحقق سازد پس چیزیکه بجهت این مقصود لازم است باز کردن راه جهازات»  
 «تجارتی است در روی رود کارون فقط مقصود دولت انگلیس در اصرار این مطلب»  
 «ترقی رشته تجارت است مابین دولتین ایران و انگلیس و بر خاطر محترم آنجناب»  
 «جلالتآب واضح است که هر قدر رشته تجارت میان این دو دولت علیه بیشتر باشد»  
 «اهالی مملکت انگلستان توجیهشان بترقی دائمی و پایداری مملکت ایران زیاد خواهد»  
 «بود در این موقع احترامات فائقه را نسبت با آنجناب جلالتآب تجدید مینماید .

«زیاده زحمتی ندارد فی ۲۴ صفر ۱۳۰۳

«محل مهر شارژ دافر اعلیحضرت پادشاه انگلستان آرترنیکلسن»

(جواب نامه سفارت انگلیس)

«جناب مجدت و فخامت همراه نجدت و نبالت پناه دوستان استظهار ارامشقا مهربانان»  
 «از مضمون مراسله مورخه ۲۴ شهر صفر آنجناب مجدت همراه دائر بققره»  
 «راه محمره استحضار حاصل نموده لازم میدانند بخاطر محترم آنجناب اخطار نماید»  
 «که ققره راه محمره یا سایر راهها و کلیه اموری که اسباب ترقی و رواج تجارت»  
 «باشد همیشه ملحوظ نظر اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام سلطانه»  
 «بوده و خواهد بود و تاحال هم تمامی مذاکرات جاریه در این باب مبنی بر همین»  
 «اساس عمومی بسوده و بعد از این نیز هر مسنداکره بشود باز از بابت اجراء»  
 «این حسن نیت و مقصود مقدس عمومی خواهد بود.

«نه اینکه رسماً اختصاص باین راه مخصوص داشته باشد در این صورت میتواند»  
 «خاطر محترم آنجناب را مستحضر سازد از اینکه اولیای دولت علیه کمال سعی و»  
 «اهتمام را برای رسیدن باین مقصود که سبب آبادی مملکت است دارند و بر حسب»  
 «اقتضای وقت آنچه لازم و مقدور باشد معمول خواهد داشت اگر در بعض موارد»  
 «تاخیری در ملزومات حصول این مقصود بنظر رسیده است از بابت بعضی موانع است»  
 «که من جمله عدم اطلاع بر مخارج ساختن طرق است که موقوف بیک بر آورد (اطلود)»  
 «کاملی است که تاحال نشده است احترامات فایقه خود را نسبت با آنجناب مجدت همراه»  
 «تجدید مینماید زیاده چه زحمت دهد

شارژ دافر انگلیس بعد از دریافت جواب دولت ایران چون نتیجه عملی بدست  
 نیآورد در تاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۳۰۳ نامه ذیل را بنابر الصالح مینویسد .

«جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهار ارامشقا»  
 «مکرم مهربانان»

«دوستدار در مراسله قبل اظهار داشت که با حصول اجازه از آنجناب جلالتآب»  
 «بعضی ملاحظات و اظهارات در خصوص راه تجارت مخصوص در جنوب ایران خواهد»  
 «نمود لهندا در ایوقت در مقام زحمت بر آمده اظهار میدارد که اول چیزی که لازم است»  
 «این است که همین طرق حالیه طوری ساخته شود که بارکش و عرابه سهولت بتواند»  
 «از آن عبور نماید و بدینجهت حمل و نقل متاع زودتر و ارزاتر از حالیه شود»

«آنجناب جلالتآب خوب مستحضرند که آلان باری که منتها پنجاه من بوزن تیریز»  
 «باشد بمدت پنجاه روز و کرایه خرواری دوازده الی هیجده تومان از بندن بوشهر»  
 «بدار الخلافه میتوان حمل نمود اگرچه دور نیست آنجناب جلالتآب اعتقاد فرمایند»  
 «لاکن بدبختانه وضع چنین است که از لندن بوشهر که مسافت راه چند هزار میل»  
 «است زودتر متاع میرسد تا از بوشهر بطهران که چندصد میل است در صورتی که»  
 «کرایه این مسافت قلیل تقریباً سه برابر آن مسافت کثیر است با این احوال محل تعجب»  
 «نیست که تجارت روبه تنزل و عمل مالیات این قسم متشوش و درهم باشد .

«پول در ایران بی نهایت کم و تجارت روبه تناقص و انحطاط است بنا بر این خیلی»  
 «لازم است که نزدیکتر و اسهلترین راه در جایی که حاصل خیزترین اقطاع مملکت»  
 «است باز گردد و جای شبیه و تشکیک نیست که بهترین طرق راه محمره بطهران است»  
 «که از شوشتر و دزفول و خرم آباد و بروجرد و سلطان آباد و قم بگذرد و در هیچ»  
 «راه دیگر فواید این راه متصور نیست و از بروجرد شعبات دیگر از این راه میتوان»  
 «منشعب کرد و باصفهان و کرمانشاهان و همدان برد .

«طریق مزبور کوتاه و سهلترین طرق است و اگر بجهت اطلاعات وضع طبیعی»  
 «و جغرافیای آن باشد دوستدار از روی خرسندی و میل خاطر حاضر است که تقدیم»  
 «نماید از همه گذشته این راه که از عراق که حاصلخیزترین اقطاع مملکت است عبور»  
 «مینماید و زراعت این قطعه که بواسطه تمس راه و لزوم حمل بدون ترقی مانده در»  
 «وقتیکه ایسب سبیل احداث شود معلوم خواهد شد که چقدر بر حمل آن سرمایه»  
 «افزوده میشود .

«ممکن است که تاحال یک راه سهل آسان از محمره بمبلغ پنجاه هزار تومان»  
 «احداث کرد که اشخاص بصیر معتبر در اول سال افتتاح منفعت آنرا بجهت شرکاء صد»  
 «بیست بر آورد کرده اند و در سنوات بعد که تجارت رونق گرفت علاوه گذشته از اینها»  
 «متاع از طرف جنوب به طهران بعوض پنجاه روز یا نوزده روزه با مقدار زیاد تر و خروار»  
 «شش تومان کرایه در عوض دوازده و هیجده تومان حالیه خواهد آمد و جوهات فوق»  
 «چنان مبرهن است که زیاده بر این اظهارات دوستدار را لازم ندارد .

«چنانچه آنجناب جلالتآب اطلاعات دیگری در اینخصوص از قبیل مخارج احداث»  
 «یا کلیه تخمینات در این باب بخواهند دوستدار با کمال شوق در ارسال آن حاضر»  
 «خواهد بود و مطلب دیگری است که توضیحا آنجناب جلالتآب را از مفاد آن مستحضر»  
 «میسازد افتتاح راه محمره که قابل عبور عرابه و بارکش باشد اول گامی است بجهت»  
 «حصول بقصد ولی آنچنان مفیده است که جمیع مقتضیات را در بر داشته یا تمام فواید را»  
 «از حیثیت زود رسیدن و ارزانی حمل جنس شامل باشد .

«از محمره بشوشتر یک رودخانه که میتوان در روی آن جهاز انداخت جاری است»  
 «که بهیچ وجه سزاوار نیست که از چنین راه طبیعی خدا داد اخذ و درک»  
 «فواید ننمود .